



نشریه مجاهدین ★ خلق ایران

سال چهارم - پنجشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۶۲ - شماره ۱۰۰۰ ریال (خارج از کشور معادل دو دلار)

بمناسبت پایان ماه رمضان و فرارسیدن عید فطر

**عید فطر:**

بازگشت به فطرت پاک انسانی  
و تجدید عهد برای قیام  
به مسئولیت های انقلابی

در صفحه ۷

**\* گزارش مستندی در مورد**

کمکهای تسلیحاتی آمریکا

به رژیم خمینی

در صفحه ۱۱

**\* قسمتی از فعالیت های اتحادیه**

انجمن های دانشجویان مسلمان

خارج از کشور

در صفحه ۳

**سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی در جمع**

گروهی از مسئولین و نمایندگان

**اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور**

متن گزارش نماینده اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور

به مسئول اول و فرمانده عالی سازمان مجاهدین خلق ایران

در صفحه ۲



**سازمان مجاهدین خلق ایران افشاء می کند:**

**اسناد و مدارک یکی از**

مهمترین قراردادهای تسلیحاتی

رژیم خمینی با دولت اسرائیل

در آستانه آخرین جمعه ای ماه رمضان

که خمینی آن را "روز قدس" نامیده است،

سازمان مجاهدین خلق ایران

اسناد و مدارک زیر را افشاء می نماید:

- \* متن اصلی قرارداد تسلیحاتی بین رژیم خمینی و اسرائیل
- \* متن اصلی نامه نماینده شرکت اسرائیلی فروشنده اسلحه به وزارت دفاع خمینی
- \* یکسری از اسناد و مدارک درونی ارگان های رژیم در رابطه با این قرارداد

بکلی ستری

CONTRACT No. 173164

I.D.E. International Desalination Equipment Limited of 49 Ibn Geziel Street, Tel Aviv, Israel, hereinafter referred to as the SELLER represented by Jacob Nierodt on the one side  
AND The Ministry of National Defence, Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran hereinafter referred to as the BUYER, represented by The Deputy Minister of National Defence for Logistics, on the other side have concluded this contract as follows:

قرارداد شماره: ۱۷۳۱۶۴

شرکت بین المللی تجهیزات نمک رویی I.D.E با مسئولیت محدود واقع در اسرائیل، تل آویو، خیابان ابن گویرول شماره ۴۹ که از این پس از آن به عنوان فروشنده به نمایندگی یعقوب نیمرودی یاد خواهد شد، به عنوان یکی از طرفین، و وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران، که از این پس از آن به عنوان خریدار به نمایندگی معاونت وزیر دفاع ملی برای امور لجستیکی یاد خواهد شد، به عنوان طرف دیگر، این قرارداد را به ترتیب ذیل منعقد نموده اند:

در صفحات ۱۲ تا ۲۱

**نگاهی به تلفات، ضایعات و فجایع جنگ (۲)**

**بیش از دو میلیون آواره جنگی**

**از اولین و بزرگترین قربانیان جنگ**

\* گزارشی از رنجها و مصائب آوارگان جنگ زده و اقدامات ضد انسانی رژیم خمینی بر علیه آنها

\* گوشه ای از عملکردهای جنایتکارانه و غارتگرانه ای "بنیاد امور جنگ زدگان" در صفحه ۱۰

**شیوه های ابداعی رژیم**

**برای چپاول هر چه بیشتر مردم**

\* افزایش بدون سروصدا ی بهای آب مصرفی مردم ...

\* کوتاه کردن مسیر اتوبوس های شرکت واحد به منظور دریافت پول بیشتر از طریق فروش بلیط های اضافی ...

\* چپاول دسترنج کارگران محروم معادن ذغال سنگ کوشان ...

در صفحه ۲۵

**نظارات گسترده**

مردم منطقه

افسریه تهران به وسیله

مزدوران سرکوبگر

خمینی به خاک و خون

کشیده شد

\* مردم با پاسداران کمیته

درگیر شده و اتومبیل

مزدوران را نیز به آتش

کشیدند.

\* طی - گیری های منطقه ای

افسریه، تعدادی از مزدوران

رژیم بدست مردم مجروح

شدند که حال چند تن از آنان وخیم است.

در صفحه ۸



# سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی در جمع گروهی از مسئولین و نمایندگان اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور

توضیح:

در آستانه‌ی سومین سال مقاومت انقلابی، پنجشنبه ۱۹ خرداد ماه بیش از ۲۰۰ تن از مسئولان و نمایندگان اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان در کشورهای مختلف جهان با برادر مجاهد مسعود رجوی دیدار کردند. در این دیدار پس از تلاوت آیاتی از قرآن، یکی از آخرین سرودهای سازمان "فرمان موسی" پخش گردید. سپس سرود "ایران زمین..." بطور دستجمعی خوانده شد. آنگاه نماینده‌ی اتحادیه گزارشی از فعالیت‌های یکساله‌ی انجمن‌های دانشجویان خارج از کشور و همچنین مشکلاتی که طی این مدت با آنها مواجه بوده‌اند ارائه داد.

در پایان، مسئول اول سازمان ضمن سخنرانی مشروحی که بیش از سه ساعت طول کشید، گارنامه و عملکرد عمومی انجمن‌ها را بطور کلی مورد ارزیابی قرار داد و پیرامون پاره‌ای از مسائل مطرح شده در گزارش نماینده‌ی انجمن، منجمله درباره‌ی برخی از گرایش‌های موجود در محیط سیاسی خارج از کشور، توضیحاتی بیان داشت.

نظر به اهمیت محتوای سخنرانی برادر مجاهدان در جمع نمایندگان انجمن‌های دانشجویان مسلمان (خارج از کشور)، با پوشش از خواهران و برادرانمان در اتحادیه‌ی انجمن‌ها بخاطر تأخیر جبری در دریافت آن، اکنون هم متن کامل گزارش اتحادیه (شامل عملکردهای مختلف اتحادیه و همچنین مسائل و سوالات سیاسی آنها) و هم سخنرانی مسئول اول سازمان را از نظر خوانندگان عزیز مجاهد می‌گذرانیم.

لازم به تذکر است که لحن محاوره‌ای نوارها را به هنگام پیاده کردن و تنظیم، با اصلاح جزئی به لحن کتابی تبدیل کرده‌ایم و از جهت اختصار با اجازت دفتر سازمان در پاریس آن قسمت از سخنان برادر مسعود را که در پیام ۳۰ خرداد خود او - البته بصورت بسیار فشرده - نیز آمده بود حذف نمودیم، لیکن توضیحات او به مسئولین اتحادیه در پاسخ به سوالات حضوری مسئولینشان نیز در همین جا آمده است که ذیلاً ملاحظه خواهید کرد. البته متن نهائی و توضیحات افزوده‌ی برادرمان در پاسخ به سوالات مسئولین اتحادیه از نظر خود ایشان گذشته است.

## متن گزارش

### نماینده اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور

مسئول اول و فرماندهی عالی سازمان مجاهدین خلق ایران؛

سلامها و درودهای انقلابی نکتک اعضا و هواداران انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور را بپذیرید. صرفنظر از مشکلاتی از قبیل مشکلات ویزایی و مشغله‌ی زیاد و کار متراکم سیاسی و اجرایی که تا بحال داشتیم و لذانی توانستیم بطور حضوری گزارشی از کارهای خود بدهیم، از اینکه چنین فرصتی یافتیم بسیار خوشحال هستیم. بخصوص که در این ایام در آستانه‌ی بزرگداشت دومین سالروز ۳۰ خرداد/۱۳۶۰ - به مناسبتی نقطه‌ی عطف تاریخی در جریان تکامل و ارتقاء مبارزات میهنان - می‌باشیم و نیز خرسندیم از اینکه علیرغم تمام ایرادات و نواقص کارمان با توجه به پیام نوروزی شما، در مجموع توانستیم تا حد قابل قبولی نقش و وظیفه‌ی خود را در رابطه با آرمانها و اهداف ایدئولوژیک، اجتماعی و سیاسی سازمان مجاهدین خلق، و نیز در رابطه با پیوند مستقیم و مستمر با مبارزه‌ی خونین و قهرآمیز خلقمان در مقابل دیکتاتوری قرون وسطائی رژیم خمینی انجام دهیم. در همین جا لازم است اشاره کنیم که نمایندگان تعدادی از انجمن‌ها به دلایل مختلف،

متأسفانه قادر به شرکت در این ملاقات نشدند. بویژه باید از خواهران و برادرانمان در انجمن دانشجویان مسلمان هندوستان نام ببریم که با همه‌ی دشواری‌ها و سختی‌ها به راه انقلابی خود ادامه می‌دهند و متأسفانه بدلیل دوری راه و سایر مشکلات، نماینده‌ی از آنان در جمع ما نیست. با توجه به اینکه ما گزارشات فعالیت‌های خود را مستمرا و مفعلا به ارگان مرکزی اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور می‌دهیم و مسلما شما در جریان آنها قرار دارید، بنابراین این گزارش را به منظور اشارات مختصر به محتوای فعالیت‌های اتحادیه‌ی انجمن‌ها، بخصوص پس از خرداد ۱۳۶۰ و آغاز مبارزه‌ی مسلحانه‌ی سازمان مجاهدین خلق با رژیم ضد بشری خمینی ارائه می‌دهیم:

پس از شروع فاز نظامی و آغاز نبرد مسلحانه علیه رژیم خونخوار خمینی و حاکم شدن خفقان و سرکوب مطلق در سراسر کشور، مسئولیت انجمن‌ها براتب افزایش یافت. انجمن‌ها فعالیت گسترده‌ای را جهت افشای ماهیت پلید رژیم خمینی و رساندن پیام مقاومت انقلابی خلق محرومان، به پیشتازی فرزندان مجاهدش، در سطح

جهانی آغاز کردند. فعالیت‌های انجمن‌ها طی دو سال اخیر در رابطه با اهداف مرحله‌ای سازمان به سه قسمت تقسیم می‌شوند:

**مرحله‌ی اول - افشای جنایات خمینی و طرح مسأله‌ی نقض حقوق بشر در ایران و رساندن پیام مقاومت داخل:**

در این مرحله کارگسترده‌ی تبلیغاتی - سیاسی انجمن‌ها نقش بسیار موثری در انزوای رژیم خمینی در سطح بین‌المللی ایفا کرد. در این مرحله، انجمن‌ها توانستند چهره‌ی واقعی رژیم خمینی را به جهانیان نشان بدهند، که مضافاً بزده‌ها اعتصاب غذای موضعی، تسخیر لانه‌های جاسوسی خمینی در برخی کشورها، صدها تظاهرات خیابانی و هزاران جلسه‌ی توضیحی، برگزاری مراسم ۲۲ بهمن ۱۳۶۰ و نیز تظاهرات جهانی اولین سالگرد ۳۰ خرداد و تظاهرات جهانی ۱۹ بهمن سال ۶۱، تأثیر تعیین کننده‌ای در این مرحله از کار داشت. شرکت گسترده و جهانی در مراسمی از قبیل روز کارگر و تظاهرات صلح، خلع سلاح، حقوق بشر و اقدامات افشاگرانه و اعتراضی متعدد و متنوع در مفرط متحد و اغلب کنفرانس‌های بین‌المللی نظیر حقوق بشر، بین‌المجالس، غیرمتمعه‌ها و مجمع عمومی نیز در

## فرمان موسی

از آخرین سرودهای سازمان مجاهدین خلق ایران

شد گاه رزم و تهاجم تا آتش کین بیاریم  
یاران بپا کینه‌ور بر دشمنان بشر  
به برق مسلسل بسوزان تو بنیان این جانیان  
شکن بازوان جنایت به هر گوی و گذر  
تضمین پیروزی خلق خون شهیدان ماست  
خون پاسخ خون که اینت فرمان سرخ خداست  
ستیزنده توفنده برپا که بغض فروخورده‌ی خلق  
چو توفان برآور خروش دهد ما را سرش

\* یاد آورید ای دلیران خون هزاران شهید  
با دست این تیره‌مغزان هر سو چکبند  
با یاد فرمانده موسی آن گرد بی‌ترس و بیم  
آتش آتش آتش بر قلب دژخیم

\* بر قلعه‌ها می‌درخشد خورشید سرخ قیام  
از دست ما شعله برکش ای آتش انتقام  
شرگش به ضحاک دوران به خونخواهی گاوها  
که توفانی از خشم ملت دمد در گوره‌ها  
این مردگان قرون را در گورشان کن نهان  
تا صبح پاک رهائی گردد به هر سو عیان  
به راه خدا راه مردم فدا کن تن و جان خویش  
به فرمان فرمانده موسی به پیش به پیش

همین ردیف هستند که طبعاً معرفی و جلب حمایت برای شورای ملی مقاومت را نیز در برمی‌گرفتند. **مرحله‌ی دوم - معرفی مجاهدین و معرفی شورای ملی مقاومت بعنوان تنها آلترناتیو انقلابی و دمکراتیک، پخش جهانی اخبار مقاومت و جلب همدردی و همبستگی بین‌المللی:** در این مرحله، تبلیغ برنامه‌های شورا در متن کار انجمن‌ها قرار داشت، که ضمن آن انجمن‌ها توانستند با کار گسترده و سازمان‌یافته‌ی سیاسی - تبلیغاتی، شورا و هدف‌های دمکراتیک آن را به بسیاری از احزاب و گروهها و شخصیت‌های بین‌المللی مترقی شناسانده و در نتیجه، آنها نیز حمایت خود را از شورا اعلام نمودند و بدین ترتیب چهره‌ی خمینی و وضعیت رو به سقوط رژیمش هر چه بیشتر برای جهانیان آشکار گردید. در مجموع با این فعالیت‌ها، بیش از ۲۲۰۰ شخصیت، حزب، گروه و اتحادیه و مجمع سیاسی و علمی و مذهبی و غیره از سازمان و شورای ملی مقاومت حمایت کردند، که آمار جداگانه‌ی آن به قرار زیر می‌باشد:

\* ۴۴۷ حزب و سازمان و گروه

\* ۷۰۷ شخصیت سیاسی، حقوقی و مذهبی

\* ۳۸۷ اتحادیه‌ی کارگری

\* ۶۸۴ استاد و گروه دانشجویی که تمامی این حمایت‌ها از طریق چاپ در نشریات فارسی و خارجی زبان اتحادیه به نظر جهانیان می‌رسید. در این خصوص در ادامه‌ی گزارش، توضیحات بیشتری داده خواهد شد.

مرحله‌ی سوم - در این مرحله با شکل‌گیری سازماندهی جدید اتحادیه، در واقع انجمن‌ها با کسب آمادگی‌های اولیه جهت پذیرش مسئولیت‌های بیشتر توانستند عمق بیشتری به کارهای خود داده و رابطه‌ی نزدیک‌تر و تنگاتنگ‌تری با سازمان برقرار نمایند و به عنوان بازوی اجرایی و تدارکاتی‌گردش امور سازمان و همچنین شورای ملی مقاومت در خارج از کشور، به نقش و وظائف خود بعنوان پشت جبهه‌ی مقاومت داخل، بخوبی عمل نمایند. بدیهی است که فعالیت‌های مربوط به مراحل اول و دوم، البته با کیفیت عمیق‌تر، هر چند با کمی محدودتر، کامکان در این مرحله نیز انجام می‌گردد. همچنین در این مرحله با توجه



## متن گزارش نماینده اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور به مسئول اول و فرمانده عالی سازمان مجاهدین خلق ایران

### قسمتی از فعالیت‌های اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور

★ افشاء بین‌المللی جنایات خمینی و طرح مسأله حقوق بشر در ایران، در سراسر جهان

- \* هزاران اقدام افشاگرانه‌ی خیابانی در شهرهای مختلف جهان
- \* دهها اعتصاب غذای موضعی و صدها تظاهرات خیابانی و هزاران جلسه توضیحی
- \* تسخیر بسیاری از لانه‌های جاسوسی خمینی (در نخستین فاز مقاومت)
- \* برگزاری تظاهرات مراسم جهانی ۲۲/بهمن/۱۳۶۰ - ۳۰/خرداد/۱۳۶۱ - ۱۹/بهمن/۱۳۶۱ - ۳۰/خرداد/۱۳۶۲
- \* شرکت گسترده و جهانی در مراسم از قبیل روز کارگرو تظاهرات صلح، خلع سلاح، حقوق بشر و غیره در کشورهای مختلف جهان.
- \* اقدامات افشاگرانه و اعتراضی متعدد و متنوع در مقرر ملل متحد و اغلب کنفرانس‌های بین‌المللی نظیر بین‌المجالس، غیر متعهدها، مجمع عمومی و ...

★ معرفی مجاهدین و شورای ملی مقاومت، جلب هم‌دردی و همبستگی بین‌المللی  
برای تنها آلترناتیو دمکراتیک و بخش جهانی رویدادهای مقاومت و اخبار مهم ایران در این  
رابطه و رساندن پیام‌ها و فریاد حق طلبانه انقلاب رهانی بخش نوین ایران به گوش جهانیان

- \* جلب حمایت سیاسی ۴۴۷ حزب و سازمان سیاسی در سراسر جهان
- \* جلب حمایت سیاسی ۷۰۷ شخصیت شناخته‌شده‌ی سیاسی، حقوقی، مذهبی، علمی، هنری و ...
- \* جلب حمایت سیاسی ۳۸۷ اتحادیه‌ی کارگری و مجامع دانشگاهی
- \* جلب حمایت سیاسی ۶۸۴ گروه دانشجویی و اساتید دانشگاه
- \* برگزاری بیش از ۱۰۰۰ جلسه سخنرانی برای مردم و نیروهای خارجی، فقط در آمریکا و انگلیس.
- \* بیش از ۴۰۰ مصاحبه‌ی رادیو تلویزیونی و مطبوعاتی در رسانه‌های مختلف بین‌المللی
- \* بیش از ۷۰۰۰ تماس و ملاقات حضوری با شخصیت‌ها و نیروها و احزاب مختلف در سراسر جهان
- \* رساندن پیام‌ها و اخبار مقاومت ایران در ظرف نصف روز به همه‌ی آژانس‌های خبری جهان
- \* انتشار ۸ نشریه‌ی هفتگی به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، سوئدی، عربی، هندی و اردو
- \* سازمان دادن ۳۷ کانون و انجمن همبستگی و دمکراتیک از هموطنان و کادرهای ایرانی
- \* برعهده گرفتن نقش بازوی اجرائی و تدارکاتی شورای ملی مقاومت در کشورها و در مراسم مختلف، منجمله تقبل اجرائیات و انتظامات جلسات شورا به مناسبت سالروز انقلاب
- ۲۲ بهمن در کشورهای مختلف و شب مقاومت کردستان ایران و دیگر جلسات سخنرانی نمایندگی‌های شورا در کشورهای مختلف
- \* کمک در حل برخی مسائل مربوط به اقامت و روادید هموطنان تبعیدی

★ تأمین پاره‌ای از نیازهای مالی و تدارکاتی مقاومت در داخل کشور از قبیل:

- \* خریداری و گردآوری چند تن دارو به بهای ارزانتر
- \* جمع‌آوری پول در رابطه‌ی مستقیم با مقاومت داخل کشور
- \* سایر تدارکات

\*\*\*

بی‌جوئی ماست.

در چنین شرایطی ما برای تامین مخارج روزمره و ایفای وظائف انقلابی خود در رابطه با مقاومت سراسری داخل کشور، بیش از ۵۰ درصد کل انرژی انجمن‌ها را بطور تمام وقت و نیمه‌وقت، در کارهای سنگین بدی در کشورهای مختلف جهان بکار انداختیم. بدیهی است با توجه به جو خارج از کشور و نداشتن ارز و پاسپورت تمدید شده و اینکه در بسیاری از کشورها به ایرانیان کار نمی‌دهند، خواهان و برادران ما، برای بدست آوردن کار تلاش‌های زیادی انجام داده و هر نوع کار سنگین و طاقت‌فرسا را جهت بدست آوردن درآمد، با آغوش باز می‌پذیرند. چه بسا کارهایی که افراد معمولی از پذیرفتن آن سر باز می‌زنند. کارهایی که گاه از ده شب تا ۴ صبح طول می‌کشد و یا از صبح زود تا آخر شب را پر می‌کند ...

... باین ترتیب، اعضاء و هواداران انجمن‌ها با درک شرایط سهمگین فعلی، بخشی از بهای استقلال را به سهم خود با تلاش شبانه‌روزی تأمین می‌کنند.

۲ - در زمینه‌ی سیاسی و روابط خارجی و تبلیغات و انتشار نشریات خارجی زبان اتحادیه، فعالیت می‌نمایند.

۱ - در زمینه‌ی مالی: با توجه به گسترش کارها و جنگ تمام‌عیار سازمان در همه‌ی جبهه‌ها با رژیم ضد بشری خمینی، نیازهای مالی مقاومت انقلابی روز بروز افزایش یافت. انجمن‌ها بعنوان بازوی اجرائی در این زمینه نقش موثری ایفا نموده و توانستند با درک واقعیت فعلی سازمان و مرحله‌ی جنبش، به انجام وظیفه‌ی خود در این زمینه توفیق یابند. در این رابطه ما توانستیم با تماس با هموطنان مهاجران در خارج از کشور و آگاه کردن آنها به وضعیت و شرایط و نیازهای سازمان و مقاومت انقلابی مسلحانه و بیشتر از همه با اشتغال خواهران و برادران خودمان به کارهای بدی و سنگین و بعضاً طاقت‌فرسا و با تلاش و کار شبانه‌روزی، پاره‌ای از وظائف پشت جبهه‌ی خود را ایفا نمائیم. و این در شرایطی بوده و بی‌باشد که رژیم ضد بشری خمینی ارز ما را قطع نموده و حتی از تمدید پاسپورت دورترین هواداران سازمان، خودداری می‌ورزد و همچنین با صدور جاسوس و تروریست و بندوبست با برخی محافل خارجی، پیوسته در صدد تعقیب و آزار و

به سازماندهی پیچیده، انجمن‌ها توانستند گسترش بسیاری در موضوعات کار اتحادیه داشته و در زمینه‌های مالی، سیاسی، تدارکاتی و تبلیغی، فعالیت همه‌جانبه و چشمگیری داشته باشند.

بعنوان نمونه برگزاری تظاهرات سازمان‌یافته و سراسری ۱۹ بهمن ۶۱، سالگرد شهادت سردار کبیر خلق موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف ربیعی، نمونه‌ای از کارهای سازمان‌یافته و گسترده‌ی سیاسی - تبلیغی اتحادیه می‌باشد و تأمین بخشی از نیازهای مالی و تدارکاتی سازمان و مقاومت انقلابی توسط انجمن‌ها، انجام می‌پذیرد.

بنابراین در حال حاضر، اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور بعنوان بازوان اجرائی و تدارکاتی گردش امور سازمان و شورا و ایفای نقش پشت جبهه‌ی خود در زمینه‌های مالی، ارتباطات و تدارکات داخل، و در زمینه‌ی سیاسی و روابط خارجی، تبلیغات و انتشار نشریات خارجی زبان اتحادیه، فعالیت می‌نمایند.

۱ - در زمینه‌ی مالی: با توجه به گسترش کارها و جنگ تمام‌عیار سازمان در همه‌ی جبهه‌ها با رژیم ضد بشری خمینی، نیازهای مالی مقاومت انقلابی روز بروز افزایش یافت. انجمن‌ها بعنوان بازوی اجرائی در این زمینه نقش موثری ایفا نموده و توانستند با درک واقعیت فعلی سازمان و مرحله‌ی جنبش، به انجام وظیفه‌ی خود در این زمینه توفیق یابند. در این رابطه ما توانستیم با تماس با هموطنان مهاجران در خارج از کشور و آگاه کردن آنها به وضعیت و شرایط و نیازهای سازمان و مقاومت انقلابی مسلحانه و بیشتر از همه با اشتغال خواهران و برادران خودمان به کارهای بدی و سنگین و بعضاً طاقت‌فرسا و با تلاش و کار شبانه‌روزی، پاره‌ای از وظائف پشت جبهه‌ی خود را ایفا نمائیم. و این در شرایطی بوده و بی‌باشد که رژیم ضد بشری خمینی ارز ما را قطع نموده و حتی از تمدید پاسپورت دورترین هواداران سازمان، خودداری می‌ورزد و همچنین با صدور جاسوس و تروریست و بندوبست با برخی محافل خارجی، پیوسته در صدد تعقیب و آزار و



## متن گزارش نماینده اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور به برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول اول و فرمانده عالی سازمان مجاهدین خلق ایران

لازم است اشاره نمائیم که اخبار و مقالات مربوط به مقاومت مردم ستمدیده‌ی کردستان و پیشمرگان قهرمان آن - بویژه حزب دمکرات کردستان ایران - همواره جای خاص خود را در نشریات خارجی زبان اتحادیه، در جهت افشای جنایات رژیم خمینی در کردستان و معرفی مقاومت کردستان داشته و ما هیچگاه فراموش نشده است و ما این مسئله را، جزء وظایف انقلابی خود تلقی می‌کنیم. اما این همه مانع آن نیست که در برابر شما، از رابطه و مایه‌گذاری یک‌جانبه‌ای که گاه بین سازمان و برخی متحدان آن حس می‌کنیم، اظهار تاسف و نگرانی

گرایش‌های ارتجاعی و انحرافی "مجاهد زدایانه" و یا خط کمر بستن به تخطئه و متلاشی کردن شما یا خط ضدیت کور با مذهب و ایدئولوژی انقلابی سازمان، بیشتر و فعال‌تر برخورد کنند؛ انتظار ناخوشی است؟ بخصوص که اکنون همه‌ی عالم به عین هم در زمینه‌ی نظامی و هم در زمینه‌ی سیاسی شاهد تلاش‌ها و جان‌بازی‌های مجاهدین و به قول خودتان "بیهائی" که برای آزادی و دمکراسی در ایران پرداخته‌اند، می‌باشند. باری در ادامه‌ی فعالیت‌های سیاسی - تبلیغی انجمن‌ها باید تشکیل ۳۷ کانون و انجمن همبستگی و دمکراتیک و برگزاری

آنها توسط انجمن تا قبل از ظهر همان روز در سراسر دنیا بدست رسانه‌های خبری می‌رسد. نشریات خارجی زبان اتحادیه با استفاده از نشریه‌ی مجاهد به عنوان منبع اصلی تغذیه خود، در ۸ زبان مختلف انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، سوئدی، عربی، اردو و هندی چاپ و منتشر می‌شوند. این نشریات با تشریح خطوط و مواضع سازمان و درج و انعکاس مقاومت داخل و نیز وضعیت بحرانی رژیم در زمینه‌های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی و نیز تضادهای درونی رژیم، ماهیت پلید رژیم خمینی و نیز بی‌ثباتی و سقوط محتوم او را در سطح بین‌المللی نشان می‌دهند.

انتشار این نشریات از این رو حائز اهمیت است که مدتی است با توطئه‌ی سکوت برخی خبرگزاری‌ها، آخرین اخبار

متأسفانه، گاهی اوقات با مشکلاتی از طرف برخی اعضا، شورا مواجه می‌شویم که ناگزیر از گلایه و انتقاد هستیم و انتظارمان این است که شما که بارها ما را به حداکثر انعطاف و بردباری و همکاری و مایه گذاشتن برای شورای ملی مقاومت و اعضا، آن، توصیه کرده‌اید؛ تذکرات لازم را به متحدین سازمان در شورای ملی مقاومت نیز بدهید. به عنوان مثال، پاره‌ای از اظهارات و نوشته‌های متحدین سازمان در شورا را برای خود دلسردکننده و فاقد روحیه‌ی تعاون و همکاری دستجمعی یافته‌ایم و انتقاد داریم که چرا کلیه‌ی اعضا، شورا به سهم خود و به نسبت خود در مقایسه با سازمان، برای شورا مایه نمی‌گذارند و قدر سازمان و شورا را چنانکه باید - و خود شما پیوسته در رابطه با شورا تأکید می‌کنید - نمی‌دانند.

منجمله ضروری می‌دانیم که در حضور خود شما به قسمت‌هایی از مصوبات پلنوم متحد عزیزمان حزب دمکرات در آذرماه سال گذشته اشاره کنیم که مشخصاً برعلیه سازمان و خط مشی‌های اصولی و انقلابی آن بود و تا این تاریخ نبر از جانب خود شما و سازمان، بی‌پاسخ مانده است. منظورمان، آن انتقادات حزب دمکرات به سازمان در پلنوم مزبور و دیگر نشریات بعدی حزب (در رابطه با سیاست خارجی و مخصوصاً اشاره‌ی مربوط به نحوه‌ی گسترش شورا و اینکه مجاهدین دارای "بیش تنگ و غیرسیاسی" هستند و اینکه مجاهدین مانع جذب طبقه‌ی متوسط به شورا هستند) می‌باشد، که صرفنظر از فقدان شکل و محتوای انقلابی در آنها، از قضا در اروپا و آمریکا مورد استقبال نشریات ضدانقلابی و نشریاتی که مجاهدزدائی و درهم شکستن شورا را، وجهه‌ی همت خود کرده‌اند، قرار گرفت. حتی در مراسم شب مقاومت کردستان ایران که اخیراً با همکاری گسترده‌ی انجمن‌ها در کشورهای مختلف ترتیب یافته بود، نماینده‌ی حزب در مراسم لندن، علناً خرده‌گیری و انتقاد می‌کند که چرا مجاهدین برای کارهای خود و عملیاتشان در کردستان زیادی تبلیغ می‌کنند! حال اینکه در همین جا



نماینده‌ی اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور در حال ارائه‌ی گزارش

نکنیم. اگر چه فکر می‌کنیم و یقین داریم که مصالح خلق و انقلاب و تنها آلترناتیو دمکراتیک برای رژیم خمینی را سازمان و خود شما، بیشتر و بهتر تشخیص می‌دهید. لیکن بطور خلاصه، می‌خواهیم بپرسیم که آیا به نظر شما کلیه‌ی متحدین عزیز و ارزشمند سازمان در شورا، در رفتار و گفتار سیاسی خود به قدر کافی برای شورا، مایه می‌گذارند؟ و آیا شما فکر نمی‌کنید که یک رابطه‌ی متعادل دوجانبه، در مجموع بیشتر به نفع خلق و انقلاب باشد. باز هم من باب مثال می‌خواهیم بپرسیم که آیا اینکه ما انتظار داشته و داریم که برخی متحدین سازمان در جهت مقابله و افشای خط ضدانقلابی و

بیش از هزار جلسه‌ی سخنرانی برای نیروهای خارجی، فقط در آمریکا و انگلیس را نام برد. همچنین مجموعاً چهار صد مصاحبه‌ی رادیو - تلویزیونی و مطبوعاتی توسط تعدادی از انجمن‌ها انجام شده است و هفت‌هزار تماس حضوری با شخصیت‌ها و نیروها و احزاب سیاسی در کشورهای مختلف برقرار شده است. هم‌چنین در طول شش‌ماه گذشته بالغ بر ۶۰ هزار نسخه اطلاعاتی سازمان توسط انجمن‌ها برای کانال‌های مختلف خبری ارسال گردیده است. در ارتباط با مطبوعات لازم به یادآوری است که اخبار مقاومت داخل کشور و اطلاعاتی‌های سازمان پس از صدور و دریافت

مقاومت سازمان و مردم به گوش جهانیان نمی‌رسد. همچنین نشریات خارجی زبان هر هفته در کنار مطالب خود به درج حمایت‌های احزاب و گروه‌ها و شخصیت‌های جهانی از سازمان و شورای ملی مقاومت و اقدامات آن و نیز محکوم کردن رژیم خمینی از طرف آنان می‌پردازند. و نیز اخبار و گزارشات مربوط به فعالیت‌های انجمن‌های خارج از کشور در زمینه‌های مختلف سیاسی - تبلیغی را درج می‌نمایند. در مرحله‌ی سوم، تأمین پاره‌ای نیازهای مالی و تدارکاتی مقاومت انقلابی در داخل کشور بیش از پیش مدنظر قرار گرفت؛ علی‌هذا در این مرحله قسمتی از کار انجمن‌ها در رابطه‌ی

مستقیم با مقاومت داخل کشور انجام می‌پذیرد و منجمله تأمین بخشی از تدارکات از قبیل گردآوری و خرید دارو به بهای ارزان (که تاکنون در مجموع به چند تن بالغ شده است) همچنین در برآوردن سایر نیازهای فنی، انجمن‌ها پیشرفت‌های قابل توجهی داشته‌اند.

برادر مجاهد، شما طی مدت گذشته، با تأکیدات بسیار پیوسته انجمن‌ها را از موضع‌گیری و افشاگری درباره‌ی عناصر و جریان‌ها ضدمجاهد منع نموده و در بسیاری موارد ما را که از دست پارازیت‌های جنبش انقلابی و پایمال‌کنندگان ضدشورائی و ضدمجاهدی خون شهیدانمان به تنگ آمده بودیم به سکوت و دهان به دهان نشدن توصیه نموده و به کرات حتی در برابر فسیل‌های خارجه‌نشین که هنری جز "لغزخوانی" برعلیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت از خود بروز ندادند به صبر و بردباری فراخوانده‌اید. منظور کسانیست که جز پاشیدن تخم یاس و انفعال و جز ضدیت با امر خطیر تشکیلات از موضع آناارشیستی و هرج و مرج طلبانه و جز لجن‌مال کردن کلیه ارزش‌های خلق و انقلاب و در یک کلام جز تلاش برای خلع سلاح انقلاب و انقلابیون و تخطئه‌ی درخشان‌ترین مقاومت سازمان یافته‌ی تاریخ وطنمان کاری نکرده و نمی‌کنند. اکنون در حالی که همچنان خود بارها به مسئولین انجمن گفته‌اید از یک سو عناصر و جریان‌ها مزبور چندان وزن و شانی ندارند که شایسته‌ی موضع‌گیری متقابل ما باشند، اما از سوی دیگر می‌خواهیم بپرسیم که آیا این حق دمکراتیک ما نیست که در برابر توهین و تخفیف انقلاب و شهیدایش از خود دفاع نموده و از آنجا که در کسوت مجاهد خلق، عمده‌ی بار انقلاب را بر دوش می‌کشیم، طعن و لعن‌ها و نیش و گزندها را بطور متقابل پاسخ بگوئیم؟ بخصوص که بسیاری از اینان که در خارج از کشور و فرسنگ‌ها دور از مقاومت و انقلاب، فرصت را برای مطرح کردن خود از طریق ضدیت با مجاهدین و تنها آلترناتیو دمکراتیک مفتنم شمرده و به لگدمال کردن خون مجاهدین کمر بسته‌اند؛ اولاً - معلوم نبود که اگر در داخل کشور می‌ماندند چه می‌کردند و کارشان به کجا می‌رسید. بقیه‌ی صفحه‌ی بعد



## سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی در جمع گروهی از مسئولین و نمایندگان اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور

پیروزمند است .

بسم الله الرحمن الرحيم  
لقد ارسلنا رسلنا بالبينات  
وانزلنا معهم الكتاب والميزان  
ليقوم الناس بالقسط وانزلنا  
الحديد فيه باس شديد و منافع  
للناس وليعلم الله من ينصره و  
رسله بالغيب ان الله قسوي  
عزيز (حديد ۲۵)  
همانا که پیام آورانمان را  
فرستادیم با نشانه‌ها و تبیینات  
آشکار و هدایت‌کننده و همراه  
کردیم با آنها "کتاب"  
(مجموعه‌ی تبیینات) و "میزان"  
(ترازو، دستگاه سنجش و  
ارزیابی) برای اینکه توده‌های  
مردم "به قسط" (به عدالت  
کامل و مطلق، به نفی کامل  
هرگونه ستم و استثمار) و برای  
قراردادن هر شیئی و حقی  
در جای خودش برانگیخته  
شوند، بپاخیزند و قیام کنند.  
و "آهن" را فرو فرستاده  
و برای شما مهیا نمودیم که در  
آن شدت و نیروی سختی متبلور  
است (سمبل سلاح) و همچنین  
بسیاری منافع دیگر برای زندگی  
مردم.

بنام خدا  
و  
بنام خلق قهرمان ایران  
بنام همه‌ی شهدای آزادی  
بیاد سردار شهیدان موسی،  
بیاد سمبل زن انقلابی اشرف،  
بیاد محمد ضابطی، محمدرضا  
سعادت و همه‌ی شهدا و بخصوص  
به مناسبت دیدار امروز، بنام  
شهدای اتحادیه‌ی انجمن‌های  
دانشجویان مسلمان در خارج از  
کشور مخصوصا برادر شهیدمان  
علاء نوری

خواهران و برادران؛  
خسته نباشید. تقریبا بطور  
مداوم چه خود من و چه سایر  
مسئولین ارگان‌های مسئول  
سازمان (از طریق من) در  
جریان فعالیت‌های شبانه‌روزی  
شما هستیم.

فعالیتی که از بسیاری  
جهات بی‌نظیر است و درست به  
همین دلیل گویای بسیاری معانی  
هم هست: از درجه‌ی تکامل

انقلاب و خلق و جنبش؛ تا وضع  
سازمان و وضع خود شما. تک‌تک شما.  
مناسقم که دیدار امروز، از  
عید امسال تا به حال به تعویق  
افتاد. اگر چه فکر نمی‌کنم که  
کمترین دوری یا جدائی بین  
ما، بین همه‌ی ما، در هر  
کجای کشور و در هر کجای جهان  
که باشیم وجود داشته باشد.  
من در پیام‌های مختلف  
بارها گفتم که شما نه در  
عالم تعارف و مبالغه، بلکه در  
عالم واقع‌مرزهای بین  
مبارزه‌ی داخل و خارج کشور را  
در نوردیده‌اید. زیرا پیوندی  
که بین شما و بین صفوف اول  
جبهه‌ی نبرد رهائی‌بخش

(پس با آن هدف - نفی هرگونه  
استثمار و بی‌عدالتی - و با  
آن دستگاه دآوری و سنجش و  
راه‌یابی به منظور برانگیختن  
و قیام توده‌های خلق و با این  
وسیله و ابزار: سلاح ...)

تا خدا در جریان آزمایش  
روشن و معلوم سازد که کدام‌یک  
از شما رهرو این راه هستید،  
به خدای نادیده و به پیام  
(پیام نادیده و غیر پوزیتیو)  
و به پیام‌آوران ایمان می‌آورد  
و در این مسیر حرکت می‌کنید،  
اما مطمئن باشید که در انتها  
این خدا و سنت‌های خدائی  
است که عزیز و قوی است.  
قدرتمند، فاتح و غالب و



می‌کنیم؛ باید جای خیلی  
خوشوقتی و افتخار باشد که  
کارمان مستقما در رابطه با  
جبهه‌ی نبرد نتیجه می‌دهد.  
فریادی در خارج از مرزهای  
ایران نیست که در داخل کشور  
طنین نداشته باشد و بزواکش  
به خودش برگردد. نه، اینطور  
نیست. مشخصا اثر کار شما  
برمی‌گردد به داخل وطنمان،  
به سرنوشت خلقمان، به  
سرنوشت جبهه‌ی خلق.

خوب، تا اینجا ممکن است  
یکی بگوید: هر کسی می‌تواند  
اینطور ادعا کند کار من - چه  
فرد یا گروه - نیز رو به داخل  
است. رو به ایران است ...

بله، وقتی اینقدر کلی‌گویی  
بکنیم، وقتی قضیه را اینقدر  
تعمیم بدهیم، خوب هر  
کسی و هر نیروئی می‌تواند  
چنین ادعائی بکند که هر آنچه  
را که انجام می‌دهد بالاخره به  
ترتیبی در رابطه با مردم ایران  
و در رابطه با سرنوشت خمینی  
است ... اما منظور من این  
نیست. اضافه بر این کلیت و  
تعمیم مطلق؛ منظور من بطور  
مشخص آن فعالیت‌هایی است  
که در رابطه‌ی اندام‌واره با  
جبهه‌ی نبرد رهائی‌بخش  
انقلابی در داخل کشور (اعم از  
سیاسی یا نظامی) است.

به عبارت روشن‌تر، کارهایی  
که شما می‌کنید از این موضع  
نیست که خواهران یا برادرانی  
بالاخره گذرشان به خارج از  
کشور افتاده، مبارزهای هم  
می‌کنند، صحبت و تجمعی هم  
می‌کنند، تظاهراتی هم ترتیب  
می‌دهند، شعاری هم می‌دهند؛  
نشریه‌ای نیز منتشر می‌کنند  
و ...

کار شما اگر چه در خارج از  
مرزهای میهن در زنجیرمان  
قرار دارد؛ اما بارزترین  
مشخصه‌اش اینست که رو به  
داخل دارد. یعنی در رابطه با  
نیازها، ضرورت‌ها و اولویت‌های  
جبهه‌ی نبرد رهائی‌بخش  
انقلابی انجام وظیفه می‌کند و  
می‌داند که این در قیاس با  
اینکه بریده و گسسته از این  
جبهه، به یک فعالیت تبلیغاتی  
یا سیاسی یا صنفی-دانشجویی  
اقدام می‌کردید؛ متفاوت است.  
پس برای همه‌ی ما در هر کشوری  
که هستیم، در هر کدام  
از واحدهای انجمن که فعالیت

انقلابی برقرار شده آنقدر  
ارگانیک، اندام‌واره، مستقیم، و  
در خور توجه است که در این  
میان مرزی باقی نمی‌گذارد.  
طبعاً در فرصت محدودی که  
داریم درصدد تکرار آنچه تا  
بحال در این مورد گفته شده  
و خودتان هم می‌دانید،  
نیستیم. بنابراین ترجیح  
می‌دهم، بطور خیلی خلاصه،  
نظری به خصوصیات کلی کار شما  
بیندازیم تا نسبت به آنچه  
می‌کنید جامع‌تر بیندیشید و  
آگاه‌تر باشید.

خوب، قبل از هر چیز،  
چنانکه در گزارش اتحادیه بود،

باشند که برعلیه مقاومت انقلابی  
برداشته‌اند.

بنابراین چرا نباید ما از  
هم‌اکنون میوه‌چینان حرفه‌ای و  
آنها را که به امید لگدمال  
کردن خون شهیدان نشسته‌اند  
به خلق خود بشناسانیم؟ لکن  
ما در عمل خود را برحسب  
توصیه‌ها و آموزش‌های خود شما و  
سازمان، بیش از پیش در این  
زمینه محدود می‌یابیم؛ که گوئی  
این فقط ما هستیم که بایستی  
سکوت نموده و از اعمال حق  
دمکراتیک پاسخوئی‌مان، صرفنظر  
کنیم.

در خاتمه لازم است در  
این فرصت یادی از شهدای  
قهرمان اتحادیه بنمائیم. بطور

خلق و انقلاب محسوب  
می‌شوند.

همچنین باید اعلام کنیم  
که در رابطه با پیوند مبارزات  
خارج و مقاومت داخل کشور  
اعتقاد راسخ داریم که هیچ  
گسستگی و جدائی بین مبارزات  
دانشجویان خارج از کشور و  
مبارزات قهرمانان‌دهی دانشجویان  
مسلمان در داخل کشور وجود  
ندارد. با درود به کلیه  
خواهران و برادران اتحادیه‌ی  
انجمن‌های دانشجویان مسلمان  
در داخل کشور و در شکنجه‌گاه‌های  
رژیم ضدبشری.

سلام برخلق - سلام برآزادی  
مرگ بر خمینی - مرگ بر امپریالیسم  
۱۹ خرداد ۱۳۶۲

### متن گزارش نماینده اتحادیه

#### انجمن‌های دانشجویان مسلمان به ...

بقیه از صفحه قبل

داخل و نه در خارج کشور هیچ  
دستی در مقاومت برعلیه دشمن  
ضدبشری ندارند - موجودیت و  
حضور خود در خارج از کشور را  
آسا چگونه توجیه می‌نمودند؟  
گو اینکه در همین صورت نیز،  
پس از آزادی میهن و بازگشت  
به ایران؛ این قبیل افراد و  
جریانات در برابر تاریخ ایران  
سرافکنده خواهند بود. زیرا طبیعی  
است که نمی‌توانند پاسخوئی  
وقت و انرژی به هدر داده‌ی  
خود و آن قدم‌ها و قلم‌هایی

ثانیا - اگر شما بخاطر  
ضرورت‌های مرحله‌ای رهبری  
انقلاب، به خاطر نگاهبانی از  
خون شهیدان و بخاطر ممانعت  
از اینکه انقلاب کبیر ما این‌بار  
نیز به سرنوشت قبلی دچار  
شود، در اینجا نبودید؛ و اگر  
مقر موقتی آلترناتیو دمکراتیک  
در خارج نبود و جو سیاسی  
(خارج از کشور) وضعیت امروز را  
نداشت؛ معلوم نبود که  
فرصت‌طلبان مزبور - که نه در



## سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی در جمع گروهی از مسئولین و نمایندگان اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور

خیر، منظور من آن چیزی است که اگر همه شما - یعنی تمام این انجمن‌ها - اینجا نمی‌بودید، ما می‌باید از جبهه‌ی نبرد، نیروهای را به همین میزان بیرون می‌کشیدیم و برای انجام این ماموریت‌ها به اینجا می‌فرستادیم.

زیرا فعالیت‌های شما بطور اخص به موازات فعالیت‌های نظامی داخل کشور "نقش مکمل" دارد. از آن گونه فعالیت‌ها که بایستی بر جنبه‌ی نظامی مقاومت افزوده شود، تا بالمال ما را به هدف مردمی خود برساند.

می‌دانید که ما انقلابیون بی‌تجربه و تازه‌کاری نیستیم که فکر کنیم "عنصر نظامی" همه چیز است. البته "عنصر نظامی" نقش بنیادین و مبنائی دارد؛ اما همه چیز نیست.

در بحث شناخت، در قسمت "علیت" به یاد دارید که فی‌المثل تنها تخم مرغ کافی نیست - اگر چه لازم است - بنابراین به حرارت و گرمای بالین مرغ نیز نیاز داریم تا به نتیجه برسیم. برای بدست آوردن هر میوه و هر محصول دیگری نیز وضع به همین ترتیب است. عوامل و زمینه‌های بنیادین با یک سری شرایط دیگر تکمیل می‌شوند و به نتیجه می‌رسند...

به هر حال مطابق گزارشی که الساعة خواندید، و مخصوصاً در این دوره از کارتان، واضح است که تمامی انرژی شما مشخصاً صرف نیازهای مختلف مقاومت می‌شود. بنابراین پیوند اندام - واره بین جزء جزء کارها و حرکاتتان با مقاومت انقلابی را به عیان حس می‌کنید.

خصوصیت بعدی، سازمان یافتگی کار شماست.

فعالیت شما، نه حرکات پراکنده‌ی سطحی و بدون بازتاب؛ بلکه بعکس حرکاتی سازمان‌یافته، منسجم، عمیق و بنابراین مؤثر است. حال آنکه اگر ما به همین تعداد آدم می‌بودیم؛ اما هر کسی و هر واحدی بطور پراکنده خط خودش را می‌رفت و کار خودش را می‌کرد؛ اثر چندانی نمی‌گذاشت. و این را شما در مورد بسیاری از جریان‌ها شاید از نزدیک و بطور مستقیم تجربه دارید. اما امروز چنانکه در گزارش خودتان بود، از آمریکا تا فیلیپین و ایتالیا و

تا هند و فرانسه و... این فعالیت سازمان‌یافته است، خودبخودی و پراکنده نیست، از انسجام کافی برخوردار بوده و منضبط است. یعنی آغشته به بی‌مسئولیتی، بی‌حساب و کتابی، ولنگاری و لیبرالیزم تشکیلاتی و سیاسی نیست.

این فعالیت، عمیق و دارای تداوم است. کم‌مایه نیست والا اینقدر موثر نبود. در آن اعماق، این فعالیت از ایدئولوژی و چشمه‌ی جوشان و خروشان خون شهیدان سازمان نشأت می‌گیرد.

گذشته از کیفیت و سازمان یافتگی و آمیخته بودن آن با روح و انضباط انقلابی؛ این فعالیت وسیع، گسترده و جهانی هم هست. محدود به یک جا و دو جا نیست.

افزافه بر همه‌ی این‌ها فعالیت شما یک خصیصه‌ی بسیار درخشان دیگر هم دارد. و آن خصیصه‌ی انقلابی "مسئول" می‌باشد. به عبارت دیگر شما به مثابه‌ی گروه، گروه‌ها و محافل دانشجویی که خوب در حاشیه‌ی درس‌هایشان قدری کار سیاسی هم می‌کنند، مخالفت‌هایی هم می‌کنند و در مواردی بنا به سائقه‌ی سن و سال و شور جوانی، فریادهائی هم می‌کشند، نیستید. بلکه مسئولیت‌های مشخص پیش روی شماست. همچنان که گفتم وظایف و مسئولیت‌هایی در رابطه با داخل کشور در رابطه با نیازها و مبرم‌ترین مسائل و مشکلات انقلاب.

بنابراین وضعیت شما اینطور نیست که "غیرمسئول" همینطور حرف بزنید، یا موضع بگیرید و یا سکوت کنید و یا در مواردی بی‌جهت و بی‌هدف در یک سمتی دست و پا بزنید. نه! شما بدنبال هدف‌های مشخصی هستید که برنامه‌ی فعالیت‌های محلی و جهانی خود را حول آن هدف نظم می‌دهید، مرتب می‌کنید و تنظیم می‌نمائید؛ یعنی دشمن اصلی شما مشخص است. دارید با او یک جنگ واقعی (و نه کلامی محض) می‌کنید و دقیقاً به همین دلیل "مسئول" هستید.

بله، موضع‌گیری‌ها و حرکات ما یک چیزهای دل‌بخواه نیستند که امروز از این خوشمان بیاید و فردا از آن یا بالعکس. مثل اینکه یک روز از مجاهدین خوشمان بیاید و از آنها تمجید

و تقدیر کنیم و روز دیگر بخاطر یک مسئله‌ی شخصی یا یک مطلب فرعی و درجه‌چندم؛ عاری از هر مسئولیتی، زمین و زمان را بر سر آنها خراب کنیم...

نه، اینطور نیست. در سراسر برنامه‌ریزی‌های شما و کارهایی که می‌کنید، یک خط مشی و یک استراتژی انقلابی دقیق و مشخص به چشم می‌خورد که حول آن بار "مسئولیت" موج می‌زند. جریانی است که قطعا باید پاسخگوی خیلی چیزها باشد.

به عنوان مثال، یک کسی را در نظر بگیرید که دارد در حاشیه‌ی خیابان برای خودش قدم می‌زند. گاه به اینطرف و گاه به آنطرف نگاه می‌کند. در ضمن راه خیلی چیزها، خیلی مغازه‌ها نظر او را جلب می‌کند. گاه در یک جا می‌ایستد و مدتی غرق تماشای این ویتترین یا آن ویتترین می‌شود، گاهی هم با عابرین مختلف گپی می‌زند، بی‌هدف و بی‌مقصد گاه با این و آن سرشاخ می‌شود، خط عوض می‌کند، از این اتوبوس به آن یکی می‌رود، اجناس مختلف را در فروشگاه‌های مختلف قیمت می‌کند و... خلاصه‌ی کلام، وقت می‌گذراند و در سر راهش هم بعضاً در برخی تجمعات شرکت می‌کند و الی آخر... حالا یک چنین کسی را مقایسه کنید با یکی که با هدف و منظور و خط‌مشی مشخص دارد در خیابان حرکت می‌کند - بهتر است در مورد شما بگویم دارد می‌دود - یعنی دنبال چیزی است. چشم‌انداز مشخصی هم دارد. یک چنین کسی طبیعی است که از چاه و چاله‌های سر راه بغایت پرهیز می‌کند، سعی می‌کند از روی موانع راهش حتی المقدور بجهد و خود را بی‌جهت گیر نیندازد؛ مگر اینکه در برابر برخی موانع چاره‌ای نبیند جز اینکه تنها راه؛ رودرروئی، کنار زدن و باصطلاح عامیانه "رفتن توی سینه‌ی قضایا" باشد. آنهم در مواقعی که می‌بیند فضا و زمینه‌ی حرکت را آنقدر مسموم و آلوده و پر دست‌انداز می‌کنند و یا درجه‌ی فساد و آلودگی بحدی است که دیگر بنا بر یک اصل واقع‌گرایانه و مسئولیت‌طلبانه‌ی انقلابی؛ مبارزه با اپورتونیزم و انحراف و فرصت‌طلبی (یعنی مبارزه با دشمنان داخلی خلق) از مبارزه

با ارتجاع و امپریالیسم (دشمنان خارجی خلق) جدا نیست. بطور خلاصه ملاحظه می‌کنید که در حالی که فرد غیرمسئول اولی، بلاهدف در این سو و آنسو پرسه می‌زند، فرد مسئول و با مقصد و منظور؛ همه‌ی قدم‌ها را در مسیر دستیابی هر چه سریع‌تر به هدف برمی‌دارد.

خوب، اضافه بر خصایصی که تاکنون گفتم، کار شما دارای خصیصه‌ی انقلابی حرفه‌ای نیز هست. یعنی مبارزه‌ی

چیز "لوکس" و یا چیزی در "حاشیه‌ی زندگی‌تان نیست. بعکس مقاومت انقلابی شما در متن زندگی شما، و عین زندگی و کار شماست. یعنی این خصایص مجموعاً از شما انقلابیونی حرفه‌ای ساخته که بخش اعظم زندگی دانشجویی شما را در برمی‌گیرد و به شما جدیت بی‌نظیری اعطا می‌کند.

حالا به تمام خصوصیات که گفتم یک عنصر بارز فداکاری و صداقت انقلابی هم اضافه کنید تا جای خودتان را بهتر بشناسید. در گزارشی که الان خواند، از برادرمان علاء یاد شده بود. علاء شهید. شما بهتر می‌دانید که بسیاری از خواهران و برادران انجمن اگر چه در ظاهر دم نمی‌زنند ولی در درجات بالای دانشگاهی هستند. اما اینها چه می‌کنند؟

فی‌الواقع چنانکه گوئی خود را در صفوف اول مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی حس می‌کنند کار می‌کنند. از کم و کیف آنچه می‌گویم شما بهتر مطلعید... در یکی از این گزارشاتمی که مدتی قبل خواندم، یکی از همین برادران وقتی که می‌بیند وضعیت خوبست و مشتری هست، داوطلبانه ۲۱ ساعت پیاپی روی تاکسی‌گاری می‌کند تا درآمد بیشتری تامین کند. که البته از این قبیل نمونه‌ها فراوان است.

یکبار هم دکتر هزارخانی به خود من گفت که خودش شاهد بوده که یکی از بچه‌های انجمن ایتالیا ۷۰ ساعت پشت سرهم و دست‌نمنا با عشق و شور بر روی نشریه‌ی ایتالیائی کار می‌کرده و گویا آخر سر، از حال رفته بود. البته نه از موضع ربا و تظاهر. نه! نه! حتی استقبال صمیمانه از کارهای طاقت‌فرسای بدی، شیوه‌ی دانشی همه‌ی شماست که همانطور که گفتید بسیاری از خواهران و

برادرانمان به آن اشتغال دارند. و تازه در گزارشها خواندم که در یک کشور اروپائی که تمایلات نژادپرستانه‌اش هم گویا کم نیست، کارهای سنگین بدی اغلب با تحمل جنگ اعصاب و توهین نیز همراه است... اما شما در هر حال کار را می‌چرخانید.

گاه من از گوشه و کنار جهان نامه‌هایی دریافت می‌کنم که نویسندگان (خارجی) آنها از کم و کیف فعالیت شما شگفت‌زده و غرق حیرت شده و به گونه‌ای تحسین‌آمیز مثلاً نوشته‌اند که: این مجاهدین تا کجا باید به آرمان خود معتقد باشند که برایش اینطور سر از پا نمی‌شناسند.

اگر چه در همین جا باید تاکید کنم که خصائل انقلابی و مثبت شما، هرگز به معنی مبری بودن انجمن‌های ما از عیب و انتقاد و نقص و ایراد نیست. بعکس، کمبودها، کاستی‌ها و ضعف‌های مختلف آموزشی و سیاسی و تشکیلاتی زیادی نیز وجود داشته و دارد که موضوع بحث جداگانه‌ایست و باید در کشف و رفع آنها نیز - به مثابه‌ی یک وظیفه‌ی مهم - کوشا باشید. بویژه در ارتباط با توده‌ی مردم هموطنان، شما هنوز وظایف مهم و کارهای ناکرده‌ی زیادی پیش رو دارید. آنها را نیز به اتفاق عموم نیروها و افراد جبهه‌ی خلق بایستی "رو به داخل و رو به مقاومت" وسیعاً و قویاً بسیج نمود و شایستگی و خلق و خوی دمکراتیک و انسانی "جانشین" را، از هم اکنون به آنها - در عمل - شناساند. همچنین لازم به تذکر می‌دانم که شما در جهت عنای هر چه بیشتر کار خود و رفع نقایص و علاج ضعف‌ها، قدم‌های رضایت‌بخش اولیه را در دوره‌ی جدید سازماندهی کار خود برداشته‌اید.

با این همه نتیجه‌ای که می‌خواهم بگیرم اینست که - با آن خصوصیات مثبت و انقلابی که فوقاً گفتم - همه‌ی شما؛ مسئولین، شوراهای و اعضای انجمن‌ها و سایر انجمن‌های هوادار و هسته‌های جنبی شما و همه‌ی خواهران و برادرانی که در همین طیف کار و مبارزه می‌کنند، در مجموع سیمای یک مقاومت انقلابی سراسری در میهن خود را به معنی اخص کلمه، که فراگیر خصوصیات پیش گفته است، برجسته می‌کنید. ضمناً می‌دانید که ما کلمه‌ی "انقلابی" حرفه‌ای را بی‌حساب و کتاب بکار نمی‌بریم. بایستی بقیه در صفحه‌ی ۲۷



بمناسبت پایان ماه رمضان و فرارسیدن عید فطر

عید فطر: بازگشت به فطرت پاک انسانی

و تجدید عهد برای قیام به مسئولیت‌های انقلابی

فقم وجهک للدين حنیفا  
فطرت اللہ الی فطر الناس  
علیها ...

(سوره‌ی روم آیه‌ی ۳۰)  
پس به جانب دین پاک خدا  
روی آور (انطباق پیدا کن) همان دین  
و فطرت خدائی که سرشت انسانها  
نیز مبتنی بر آن قرار داده شده.  
سه‌شنبه‌ی آینده ۲۱ تیرماه  
(اول شوال) مصادف با عید فطر  
است. این عید بزرگ اسلامی را به  
هموطنانمان و به همه‌ی مسلمانان  
انقلابی و یوبندگان راه تقوی و  
رهائی تبریک می‌گوئیم.

فلسفه‌ی عید فطر را در  
نظرگاه توحیدی در یک کلام  
می‌توان تحت عنوان "بازگشت  
به فطرت پاک واصل و میدا"  
انسانی و هماهنگی و انطباق  
با آن" بیان کرد. چنین  
روزی سمبل آن مرحله از  
تعالی خداگونه‌ی انسان است  
که تمامی زنگارهای نامنطبق با  
اص و ذات انسانی، از دامان او  
زدوده شده و انسان واقفیت  
وجودی خویش را بازیافته و با  
ذات خویش یگانه می‌شود  
(البته در محدوده‌ی دنیای  
نسبی).  
قبلا ضمن تشریح فلسفه‌ی

نتیجه از هرگونه محتوای  
توحیدی و انقلابی تهی گردد.  
کما اینکه امروز در حاکمیت  
ارتجاع، شاهد چنین سوء-  
استفاده‌هایی از نماز عید فطر و  
جمعه و نظایر آن هستیم و به  
عینه می‌بینیم که چگونه این  
مراسم و مناسک را بصورت دکانی  
برای دین‌فروشی و پیشبرد نیت  
پلید و ضدانسانی خود  
درآورده‌اند.

اما بی‌تردید در آینده‌ی  
نه چندان دور روزی فرا خواهد  
رسید که با واژگون شدن نظام  
ولایت سفیانی خمینی، مفاهیم  
و مناسک توحیدی، مضمون  
انقلابی خود را باز خواهند  
یافت و آنگاه در جامعه‌ای که در  
آن از نیروهای ارتجاعی و ضد  
مردمی تماما سلب حاکمیت شده،  
نماز دستجمعی عید فطر شاهد  
و سبلی خواهد بود از حرکت  
دستجمعی به جانب پرشورترین  
مقصد تاریخ بشری یعنی جامعه‌ی  
بی‌طبقه‌ی توحیدی. جامعه‌ای  
که در افق خون‌گرفته‌ی نبرد  
دوران‌ساز با سد کنندگان راه  
تکامل، سرانجام به تحقق  
خواهد پیوست و "سپیده‌ی  
سحر" بشریت مشتاق "وصل"  
و "یگانگی" را در چارچوب یک  
مناسبات اجتماعی مبتنی بر  
"قسط" نوید خواهد داد □

با راه یگانه‌ساز تکامل حرکت  
می‌کند.  
از سوی دیگر، نماز  
عید فطر، صرف‌نظر از جنبه‌های  
فردی آن (که به رابطه‌ی انسان  
با خدا و تلطیف عواطف در  
جهت آن "ارزش مطلق"  
برسی‌گردد)، دارای ابعاد وسیع  
و عمیق اجتماعی بوده و نتیجتاً  
محتوای "سیاسی-ایدئولوژیک"  
آن، فقط در شرایط اجتماعی  
مشخص و معینی معنی و مفهوم  
پیدا می‌کند.

به عبارت دیگر در شرایط  
حاکمیت نیروهای ارتجاعی و  
ضدمردمی (مانند شرایط کنونی)،  
که نماز عید فطر نمی‌تواند با  
محتوای اصیل و واقعی آن برگزار  
شود، برگزاری نماز عید فطر  
خود می‌تواند به وسیله‌ای برای  
عوام‌فریبی و توجیه عملکردهای  
ضدمردمی نیروهای حاکم تحت  
نام "اسلام" تبدیل شده و در

انسان و تجلی و تظاهر غلبه  
بر موانع و دشمنان مسیر حق  
و تکامل می‌باشد.  
بنابراین عید فطر خبر از  
رهائی و رستگاری نهائی انسان  
می‌دهد و روزی را تداعی می‌کند  
که تمامی جوامع بشری از  
قید و بندهای ارتجاعی و  
استبدادی و استثمار رها شده  
و مناسبات عادلانه و انسان‌ساز  
توحیدی استقرار یافته است.  
به علت همین عظمت عید فطر  
است که در مراسم ویژه‌ی آن،  
برگزاری نماز ضرورت یافته  
است. نمازی که در حقیقت  
تجدید عهدی است برای  
قیام به مسئولیت‌های انقلابی و  
توحیدی.

بدین ترتیب انسان در  
متن مبارزه‌ی فعال و انقلابی  
خود، با عزمی جزم و بطور  
دستجمعی در جهت تصحیح  
مسیر و انطباق هر چه کامل‌تر

روزه گفتیم که خروج آگاهانه  
از اجبارات و کشش‌های غریزی  
خود بخودی (که روزه مصداق  
بارز آنست) مقدمه‌ی تعالی  
انسان و تذکار استعداد و ظرفیت  
متعالی ویژه‌ی او در مسیر گذار  
به یک هستی متعالی خداگونه  
است، یعنی همان چیزی که در  
فرهنگ قرآن تقوای تکاملی و  
رهائی‌بخش نام گرفته است.  
عید فطر پس از خاتمه‌ی ماه رمضان،  
سمبل این پیروزی بزرگ انسان‌موحد  
است. پیروزی‌ای که جوهر آن  
این است که فرد توانسته بر  
موانع و نارسائی‌ها غلبه کند،  
برده‌ی جهالت‌ها و تاریکی‌ها را  
بدرد و از درون ظلمات ره به  
سوی نور و روشنائی بگشاید.  
به این خاطر است که چنین  
روزی را در شمار اعیاد بزرگ  
جشن می‌گیریم و آن را بزرگ  
می‌داریم. در واقع چنین روزی  
سمبل و مظهری از آزادی و یگانگی

انتشار مجدد

صفحات شورا

چنانکه می‌دانید دو سال  
پیش "مجاهد" به انتشار  
صفحات ویژه‌ای، تحت عنوان  
"شورا" مبادرت ورزید، که در  
نخستین قدم، نقطه‌نظرها و  
عقاید افراد و نیروهای مختلف  
جبهه‌ی خلق را منعکس  
می‌نمود.  
سال گذشته نیز در  
شرایطی که "مجاهد" منتشر  
نمی‌شد، نشریه‌ی اتحادیه‌ی  
انجمن‌های دانشجویان مسلمان  
خارج از کشور، به گشایش  
"صفحات شورا" تحت نظر  
دکتر منوچهر هزارخانی،  
اقدام نمود که تا هنگام انتشار  
نشریه‌ی انجمن‌ها ادامه  
داشت. اما با آغاز انتشار  
مجدد مجاهد در آذرماه سال  
گذشته؛ متأسفانه بخاطر مشکلات

ارتباطی و محدودیت‌های  
اجرایی و فنی، ادامه‌ی انتشار  
صفحات مزبور برایمان مقدور  
نبود.  
تا اینکه اخیراً بر حسب  
تاکیدات و توصیه‌های مسئول  
اول سازمان، برادر مجاهد  
مسعود رجوی، مجدداً قرار شد  
تا با حل کلیه‌ی مشکلات  
فوق‌الذکر، انتشار صفحات  
شورا را به منظور انعکاس  
عقاید و افکار مختلف، از سر  
بگیریم. علیهذا پس از فراهم  
کردن ترتیبات اجرایی و  
دریافت مقالات علاقمندان؛  
بزودی انتشار "صفحات شورا"  
را آغاز خواهیم کرد. البته  
برای انتشار این صفحات در  
"مجاهد"؛ در شرایط کنونی  
و با توجه به محدودیت‌هایی

اینکه به اصل مطلب لطمه‌ای  
نخورد - مجاز نمایند. اگر چه  
در هر مورد که متنی کوتاه شده  
باشد در ابتدای آن خاطرنشان  
خواهیم نمود.

۴ - بدیهی است مقالات  
یا نوشته‌هایی که از سایر منابع  
(اعم از جراید یا ارگان‌های  
خاص) نقل شود، در هر مورد  
با ذکر مآخذ مربوطه همراه  
خواهد بود.

۵ - در گذشته صفحات  
شورا بخاطر محدودیت امکانات  
هر دو هفته یکبار منتشر  
می‌شد. اکنون نیز ما همین  
ترتیب را مبنای کار قرار  
می‌دهیم مگر اینکه رفع  
محدودیت‌های مزبور و یا افزایش  
مقالات وارده، هفتگی کردن  
صفحات را ایجاب نماید.  
با آرزوی موفقیت برای  
"صفحات شورا" و در انتظار  
دریافت مقالات علاقمندان  
برای آغاز دوره‌ی جدید این  
صفحات.

هیئت تحریریه

نباستی در رابطه با "شورای  
ملی مقاومت" و یا به مثابه‌ی  
ارگانی برای آن تلقی نمود،  
بلکه نریچون آزادیت برای  
انعکاس عقاید و نظریات  
شخصیت‌ها و نیروهای مختلف  
سیاسی که آزادی میهن خود را  
مد نظر دارند.

۲ - علاقمندان می‌توانند  
مقالات خود را از داخل یا  
خارج کشور به یکی از آدرس-  
های "مجاهد" (درج شده در  
صفحه‌ی آخر) ارسال دارند.  
حتی‌المقدور روی پاکت و یا  
در بالای اولین برگ مقاله  
تاکید کنید که: "مربوط به  
صفحات شورا" است.

۳ - در همین جا از  
نویسندگان محترم مقالات  
خواهش می‌کنیم که با توجه به  
محدودیت صفحات و برای  
اینکه امکان درج مقالات هر چه  
بیشتری فراهم آید اختصار  
ضروری را در نوشته‌های خود  
مراعات نموده و ما را هم‌چون  
گذشته به کوتاه نمودن آنها -  
البته بدون تغییر محتوی و

که فوقاً گفتیم و بویژه مشکل  
ارتباط، تحریریه‌ی "مجاهد"  
ناگزیر است صفحه‌بندی و  
نظارت بر صفحات شورا را نیز  
خود عهده‌دار شود؛ اگر چه  
روشن است که چون هدف  
اصلی از انتشار صفحات شورا،  
انعکاس عقاید و افکار مختلف  
است، این امر اصل موضوع را  
تحت‌الشعاع قرار نداده و  
خلاصه نقض غرض محسوب  
نمی‌شود. بخصوص که مسئولیت  
مندرجات صفحات شورا طبیعتاً  
به عهده‌ی نویسندگان و  
امضاءکنندگان مقالات است و  
لذا "مجاهد" - به عنوان  
ارگان خاص یک سازمان انقلابی  
با ایدئولوژی معین و خط مشی  
سیاسی و مبارزاتی مشخص -  
در قبال محتوی و مضمون آنها  
مسئولیت تشکیلاتی یا محدودیت  
سازمانی و سیاسی ندارد. ذیلاً  
پاره‌ای نکات ضروری دیگر را  
نیز به اطلاع نویسندگان و  
خوانندگان صفحات "شورا"  
می‌رسانیم؛

۱- صفحات "شورا" را

برای تحقق صلح و آزادی همه‌ی سلاح‌ها را بجانب رژیم ضد بشری خمینی نشانه‌رویم!



## تظاهرات گسترده مردم منطقه افسریه تهران به وسیله

## مزدوران سرکوبگر خمینی به خاک و خون کشیده شد

- \* مردم با پاسداران کمیته درگیر شده و دو اتومبیل مزدوران را نیز به آتش کشیدند.
- \* تاکنون حداقل یک تن از اهالی منطقه طی این نواها بدست مزدوران خمینی به شهادت رسیده و تعدادی زخمی شده اند و بیش از ۳۰ نفر از اهالی منطقه نیز دستگیر و به زندان اوین انتقال داده شده اند.
- \* طی درگیری های منطقه افسریه، تعدادی از مزدوران رژیم بدست مردم مجروح شدند که حال چند تن از آنان وخیم است.

صبح روز هفتم تیر ماه جاری مردم منطقه افسریه (واقع در جنوب شرقی تهران) در اعتراض به عدم رسیدگی های کارگزاران رژیم خمینی به مسائل مبتلابه آنان، بویژه قطع مکرر و طولانی آب و برق این منطقه، دست به تظاهرات گسترده ای زده و خشم و انزجار خود را نسبت به رژیم خمینی به نمایش گذاشتند. اجتماع و تظاهرات مردم از ساعت ۹/۵ صبح و با تجمع حدود ۳۰۰ نفر از اهالی این منطقه شروع شد، سپس مردم گروه گروه از زن و مرد و کودک به صف تظاهرکنندگان پیوستند، به نحوی که در حوالی ساعت ۱۱ صبح تعداد جمعیت بالغ بر چند هزار نفر گردید. مردم در دسته های متعدد، در منطقه وسیعی اجتماع کرده و خشم و نفرت خود را نسبت به عملکردهای ضد مردمی رژیم ابراز می داشتند و تدریجا نیز بر شدت اقدامات اعتراضی می افزودند.

خورده مان می دهند. همه مریض شده اند، حالا تو آمده ای با سخنرانی سر ما را شیر به مالی؟! مردم می گفتند که تعداد زیادی از کودکان این منطقه در اثر خوردن آب آلوده، اسهال و استفراغ گرفته و در بیمارستان بستری هستند.

بهرحال، در این تظاهرات اعتراضی، شعله خشم مردم هر لحظه بالا می گرفت. آنها شعار می دادند: "آب، آب، آب، آب... افسریه گریلا شده، قحطی آب شده..."

نماینده ی وزارت کشور نیز که دید با سخنرانی و عوامفریبی نمی شود جلوی مردم را گرفت، از منطقه خارج گردید تا باز طبق معمول با حربه ی سرکوب و بوسیله ی پاسداران ضد خلقی، پاسخ مردم را بدهند.

از سوی دیگر مردم، تدریجا قسمت بزرگی از اتوبان افسریه را اشغال کرده و عبور و مرور وسائط نقلیه را متوقف نمودند. تظاهرکنندگان، دلایل اجتماع و تظاهراتشان را برای سرنشینان اتومبیل ها بازگو می کردند و آنها نیز متقابلا با مردم افسریه ابراز همدردی نموده و از خواست های شان حمایت می کردند. تظاهر مرتباً اوج می گرفت و سرانجام وقتی که مردم آمده ی حرکت به سمت کمیته ی محل و از آنجا به سمت مجلس ضد خلقی خمینی شده بودند، رژیم وحشت زده ی خمینی، پاسداران سرکوبگر خود را که از نقاط مختلف بسیج کرده بود، وارد کار کرد. مزدوران خمینی ابتدا با شلیک هوایی خواستند در میان مردم رعب و وحشت ایجاد کنند، اما این حرکت نه تنها مانع مردم نشد بلکه آنها را خشمگین تر نمود.

در این هنگام پاسداران جنایتکار، اقدام به پرتاب تعداد زیادی نارنجک گاز اشک آور نمودند و به تیراندازی خود ادامه دادند، در اینجا دیگر خشم و کینه ی مردم به اوج خود

رسیده بود. آنها یکصد فریاد می زدند: "مرگ بر ارتجاع"، "مرگ بر خمینی" و در اینحال به سمت اتومبیل پاسداران یورش بردند و ۲ اتومبیل "تویوتا سبز" پاسداران که متعلق به واحدهای گشتی موسوم به "تارالله" است را واژگون کرده

مزدوران خمینی نیز پاسخ مردم را با تیراندازی مداوم و پرتاب هر چه بیشتر گاز اشک آور می دادند و ضمن سرکوب تظاهرات، مردم را گروه گروه، دستگیر می کردند. پاسداران ضد خلقی حتی از دستگیری کودکان نیز دریغ

افسریه، متشنج و غیر عادی است و رژیم با اعمال خفقان بیشتر بر علیه مردم این منطقه، سعی در پیشگیری از حرکت مجدد آنها دارد. بدین ترتیب رژیم خمینی با سرکوب و وحشیانه ی تظاهرات مردم افسریه، برگ ننگین دیگری بر کارنامه ی چهار سال حکومت ظلم و جنایت خود افزود و بار دیگر نشان داد که برای خلاص کردن گریبانش از انبوه بحرانها و تنگناهای اجتماعی، تنها چاره را در سرکوب اعتراضات مردم جستجو می کند؛ اما روشن است که مقابله با مشکلات مردم بوسیله ی پاسدار و رژیم و گاز اشک آور، تا مدت زیادی نمی تواند رژیم را از انبوه بحرانهایی که سراپایش را احاطه کرده، نجات بخشد. و دور نیست روزی که با مشتعل شدن خشم و کینه ی انقلابی خلق در یک قیام رهائی بخش عمومی این رژیم بوسیله ی هممتزلزل را محو و نابود سازد. لازم به توضیح است که به دلیل



گوشه ای از تظاهرات اعتراضی و گسترده ی مردم منطقه ی افسریه ی تهران

انعکاس وسیع خبر تظاهرات مردم منطقه ی افسریه در سطح تهران و حتی دیگر شهرهای کشور، رژیم خمینی نتوانست مطلقاً آن را کتمان نماید. و ناچار گردید که ضمن پخش برخی از گزارشات آن (البته بدون اشاره به سرکوب خونین این تظاهرات توسط مزدوران و همچنین بدون اشاره به مقاومت قهرمانانه ی مردم) این جریان را کم اهمیت قلمداد کند. منجمله روزنامه ی کیهان (مورخ ۸ تیر) ضمن درج یک خبر بی اهمیت در این زمینه عکسی هم (که در همین صفحه آن را ملاحظه می کنید) از اجتماع مردم در اتوبان افسریه چاپ کرد.

بر اساس آخرین گزارشات رسیده علاوه بر منطقه ی افسریه، حرکات و اعتراضات مشابهی نیز در نازی آباد و سهراب آذری به وقوع پیوسته که همچنان ادامه دارد.

نکرده و تعدادی بچه های کم سن و سال را نیز همراه چند تن از زنان و مردان این منطقه دستگیر و روانه ی زندان اوین نمودند. این تظاهرات که با مقاومت مردم تا ساعت ۴ بعد از ظهر همان روز (هفت تیر) ادامه داشت، سرانجام با به خاک و خون کشیده شدن آن توسط پاسداران جنایتکار خمینی، به پایان رسید.

لازم به توضیح است که طی درگیری های بین مردم و مزدوران آدمکش خمینی، تاکنون حداقل یک تن از مردم بشهادت رسیده و عده ای مجروح و بیش از ۳۰ نفر از آنها نیز دستگیر شده اند. از سوی دیگر، تعدادی از پاسداران ضد خلقی نیز در این درگیری ها مجروح گردید و به بیمارستان اعزام شدند که حال چند نفر از آنان وخیم می باشد. هم اینک اوضاع در منطقه ی

و به آتش کشیدند و شیشه ی چند اتومبیل دیگر آنها را نیز خرد نمودند. در این جریان چند قبضه از سلاح های مزدوران نیز بدست مردم افتاد. مزدوری بنام "وحید" (مسئول جنایتکار کمیته ی منطقه ۱۰) مرتب به آدمکشان خود دستور می داد تا جلو پیشروی مردم را بگیرند، زیرا کاملاً روشن بود که در صورت ادامه ی آن، به سرعت تبدیل به یک راهپیمائی بزرگ اعتراضی در تهران خواهد شد. مسئول جنایتکار کمیته می گفت: این تظاهرات بمناسبت ۷ تیر توسط "منافقین" راه انداخته شده است!

بهرحال درگیری مردم با پاسداران هر لحظه شدیدتر می شد. مردم با هر وسیله ای که به دستشان می آمد، منجمله با سنگ، مزدوران خمینی را مورد حمله قرار می دادند.



## سروده‌های مقاومت

### کاروانی می آید از راه

بر آسمان روشن زمین در بند  
معلق بر این تاریکی  
آبستن بارقه‌های امید  
از عمق آن گرد و غبار  
شفق سرخ  
در گشایش دست‌های پینه‌بسته  
شمشیرهای آبدیده  
گل‌وله‌های آتشین  
نسل در نسل آزادگان  
ورق ورق اسطوره‌ها  
زمان شمع آجین‌ها  
پوست‌کننده‌ها، حلق‌آویزها  
صغیر به صغیر تازیانه‌ها  
لحظه به لحظه تیرهای خلاص  
کلام به کلام یاوه‌گوئی‌های جمعه  
جمعه‌های سیاه

رجعت به شمع آجین‌ها  
پوست‌کننده‌ها  
حلق‌آویزها  
صغیر سرکش تازیانه‌ها  
خون در شیشه کردن‌ها  
و در بازار شام گردیدن‌ها  
جارچی‌ها، دریدگی حکام را نمودن‌ها  
کاروانی می آید از پیچا پیچ راه  
با این کاروان گنجینه‌ای همراهست  
نه بر خورجینی آویزان  
نه در صندوقچه‌ای پنهان  
نه پشت شتری پیدا  
رها نیست

رها

در لایتناهی زمان  
رها بر سینه‌ی گسترده‌ی تاریخ  
هماواز آیه‌های آسمانی  
عاشقان پاک‌باخته را  
بلند به خویش می‌خواند  
با عبور مظفر کاروان  
از دروازه‌های مفتوح شهر

بر تمام گوجه‌ها می‌تراود  
بر قلوه‌سنگ‌ها می‌دود  
بر بام‌های سوراخ‌اطاق‌های نور

می‌پرد

گویا که قطره‌ی مطهر آب‌بست  
آهوی سبک‌الیست  
پرنده‌ی بلند پرواز‌بست  
نردبان یک صعود مسعود  
به قلب‌ها می‌رود  
شناور اندیشه‌ها از حنجره‌ها

برمی‌خیزد

برای تقسیم تمام دیدنی‌ها و گفتنی‌ها و خوردنی‌ها  
و سروده‌ها  
برای تقسیم چکش‌ها و داس‌ها و مسلسل‌ها  
برای وسعت شاخه‌ی زیتون  
در انعکاس آئینه‌ای  
که از قلب خونین انقلاب شکل می‌گیرد  
با قلم‌هایمان بنویسیم  
با سرودهایمان بخوانیم  
و در ضمانت آن معراج‌گون در آسمان وزمین و دریا  
با ایمان و سلاح بر خیزیم  
(مهتاب)

### سگان فتح در کف خلق دلاورست

از لوله سلاح "مجاهد" جوانه زد  
در فصل انتقام از این خیل جانیان  
دژخیم در گشاکش آن ضربه‌های مرگ  
آسیمه سر نقاب ریا را ز رخ فکند  
با سر بدار کردن رزم‌آوران خلق  
در قعر بوییناک لجن‌گور خویش کند  
جز نام زشت و ننگ نماندش در این جهان  
تا آیه‌ی مقدس "ضرب بنان" رسید  
هر چوب و سنگ و دشمنی‌گندی سلاح شد  
بر جبهه‌ی عظیم رهائی در این دیار  
بگشوده پیش پای ستم‌دیده راه شد  
تا خشم خلق بر درد این قوم ناکسان

\* \* \*

اینک سپاه یگدل و پرشور انقلاب  
از راه‌های سرخ رهائی کند عبور  
رزمندگان گرد مجاهد براه خلق  
لبریز از شهامت و سرشار از سرور  
بر گستر نبرد و رهائی سرودخوان  
فرزند خلق در نفس آخرین خویش  
آنکه که شوق اوج رهائی‌ش در سرست  
فریاد می‌زند که در این رزم سهمگین  
سگان فتح در کف خلق دلاورست  
نابودی و تباهی از آن ستمگران

(مهرداد)

(۶۲/۳/۱۰)

پاورقی:

۱ - چهار رهبر شهید ترکمن: توماج - واحدی  
مختوم - جرجانی که بدون محاکمه در سال ۵۸  
توسط سپاه ضدخلقی پاسداران به شهادت  
رسیدند.

۲ - اشاره به کشتار پنجاه مجاهد خلق  
بدست ایادی جنایتکار و پاسداران ضدخلقی  
خمینی در فاصله‌ی قیام بهمن تا قبل  
از ۳۰ خرداد ۶۰. در روز ۳۰ خرداد نیز  
با به خاک و خون کشیدن بسیاری از مردم  
برگ ننگین دیگری به کارنامه‌ی سپاه خمینی  
افزوده شد.

"شب بود و دشنه بود" به ملک دلاوران  
عفریت یاس بر سر هر گوی نوحه‌خوان  
و آن رهروان راه رهائی مجاهدان  
خنجر به پشت و طعمه‌ی رگبار جانیان  
خار اندرون چشم و به حلقوم استخوان  
بر این مدار بود که عفریت ارتجاع  
از قعر پر تعفن تاریخ نعره زد  
خلق خموش مانده ز سر نیزه‌ی شهبان  
پنداشت دیو زشت فرشته‌ست و حلقه زد  
بر گرد او که وارهد از یوغ سالیان  
با عزم خلق کاخ شهبان واژگونه شد  
و آن اهرمن به چهره‌ی قدیس شد امام  
ز آغاز کار خدعه و نیرنگ ساز کرد  
تا کار انقلاب به یکسر کند تمام  
حاکم کند به عرصه‌ی شیران، لجن‌زیان  
بهر خموش کردن فریاد سرخ "گرد"  
با لشکری ز جهل و رذالت بر او بتاخت  
در سب‌فام پهنه‌ی صحرائی "ترکمن" (۱)  
از خون چار لاله‌ی خونین وضو بساخت  
خونین نمود خاک وطن را به هر کران  
"دجال‌گون" به گسوت آئین پاک حق  
افسون و سحر خواند به گوش ستمگشان  
"گاین فقر و جنگ برکتی از سوی گردگار  
بهر شماست، امت در صحنه‌ی زمان  
باری مباد تا بدهیدش به رایگان!"

اما چه باک، چونکه فرا راه خلق ما  
نسلی بی‌خاست سروجان فدای خلق  
در دست خویش پرچم آزادی و شرف  
بنهاد گام در ره خلق و خدای خلق  
تا آتش افکند به سراپای خائنان  
"گفتار" چون طلسم و فسون بی‌اثر بدید  
دست دگر ز دلق ریائی برون نمود  
در فصل لاله‌خیز بهاران انقلاب  
"پنجاه گل" (۲) به باغ وطن سرنگون نمود  
تا نشکند بهار رهائی در این میان  
ناگه ... به اوج مستی دجال فتنه‌گر  
فریاد بمب در شب میهن ترانه زد  
گلخشم خلق بر سر هر گوی و برزنی

### نشانی تو

و پاسداران در کوچه زوزه می‌کشند  
بر سلاح بوسه می‌زنم  
گرم است

چون قلب آزادی  
- مهمان ناخوانده‌ی عزیز  
- امید و اعتماد دوباره خلق  
- میلیشای رزمنده  
شب را به پای پیامت

بیدار می‌مانم  
شب را با تو سرود می‌خوانم  
و پاسداران در کوچه زوزه می‌کشند  
دیرنیست که بیایند

نشانی تو - در قلب‌های ماست  
نشانی تو - در قلب‌های ماست

(محمد محمود حیدری)

در هنگامه‌ای که  
سایه‌ها مان را نیز  
به بازجویی می‌برند  
تا مگر نشانی ترا بیابند  
در خانه‌ام را  
به رویت می‌گشایم  
و پاسداران در کوچه زوزه می‌کشند  
بر زخم‌هایت مرهم می‌گذارم  
و پاسداران در کوچه زوزه می‌کشند  
آذوقه‌ام را  
و پوشاکم را - با تو تقسیم می‌کنم



نگاهی به تلفات، ضایعات و فجایع جنگ (۲)

## بیش از دو میلیون آواره جنگی از اولین و بزرگترین قربانیان جنگ

در بخش نخست این مقاله تحت عنوان "گشته‌ها و معلولین و مجروحین جنگ"، به گوشه‌ای از فجایع جنگ و جنگ‌افروزی‌های رژیم خمینی اشاره نمودیم و دیدیم که جنگ خانمان‌براندازی که خمینی آن را نعمت و موهبت آسمانی می‌داند و رفسنجانی از روشن نگاه داشتن تنور آن دم می‌زند، چه تعداد گشته و مجروح و معلول بر جای گذارده و بر سر بازماندگان جنگ چه آمده است. در ادامه‌ی این بحث به تحلیل و بررسی بخش دیگری از ضایعات و فجایع جنگ، یعنی وضعیت هموطنان جنگ‌زده و آواره‌مان می‌پردازیم:

حدود سه سال است که بیش از دو میلیون نفر از هموطنان ساکن قسمت‌های جنوب و غرب کشورمان در اثر جنگ ویران کننده و خانمانسوز، از شهرها و روستاهای خود آواره‌ی دیگر نقاط کشور شده‌اند. علاوه بر این، آنها در طول این مدت داغ عزیزانی را نیز که از دست داده‌اند، به دل دارند؛ ضمن اینکه به جرم آوارگی، انواع تحقیر و توهین‌ها و حتی سرکوب را نیز توسط سردمداران و مزدوران رژیم خمینی، از آغاز تا به امروز تحمل کرده‌اند. اینک رژیم خمینی در صدد است با اتخاذ شیوه‌های ضدخلفی این مسئله‌ی بزرگ، یعنی "آوارگان جنگ" را که نتیجه‌ی بلافصل سیاست‌های ارتجاعی و جنگ‌افروزی خود او می‌باشد، از سر باز کند. ترازوی آوارگان در واقع از همان نخستین روز جنگ، در آخر شهریورماه ۵۹ آغاز شد. یعنی در شرایطی که انواع سلاح‌های تخریبی خانه و زندگی مردم شهرها و روستاهای جنوب و غرب کشور را بر سر ساکنان آنها خراب می‌نمود... و آتشباری‌ها و تبادل آتش متقابل و بارش مداوم بمب و راکت و گلوله، جهنمی در مناطق جنگی - که فی‌الواقع جبهه‌ها و خط مقدم جبهه‌های جنگ را تشکیل می‌دادند - ایجاد کرده بود... مردم این مناطق دست زن و فرزندان خود را گرفته و بدون آنکه حتی امکان تشییع جنازه‌ی عزیزان خود را داشته باشند و یا گمشدگان خود را پیدا کنند، با هر وسیله‌ی نقلیه‌ای که در دسترسشان قرار داشت، خود را به مناطق امن‌تر، بویژه شهرها و استان‌های همجوار مانند بوشهر، اصفهان و شیراز می‌رساندند. در حالیکه بسیاری از آنان حتی موفق نشده بودند لباس مناسبی نیز برای خود به همراه بردارند، و

تنها به نجات جانشان قناعت کرده بودند. در این میان وضعیت روستائیان این مناطق از همه رقت‌انگیزتر بود. آنان که از دیرباز با زمین و دامشان روزگار می‌گذراندند، با شروع جنگ، آینده‌ی خود را ویران شده می‌دیدند. اگر چه آنها سعی می‌کردند به هر قیمتی شده، دام‌های خود را نیز همراهشان بیاورند، اما بسیاری از این دام‌ها به دلیل عدم امکان انتقال و بُعد مسافت یا تلف شدند و یا در بیابان‌ها رها گردیدند و در نتیجه روستائیان ستمدیده تنها توانستند خودشان را به مناطق امن‌تر برسانند. وضعیت آن روز آوارگان، احساس همدردی فراوانی در قلوب کلیه‌ی هموطنانمان بوجود آورده بود. غیرت و همت مردم به جوش آمده بود و هر کس هر آنچه که در توان داشت بی‌دریغ برای کمک به جنگ‌زدگان هدیه می‌نمود. و برآستی اگر این تعاون و همدردی اجتماعی نبود، فاجعه‌ی آوارگی و بی‌خانمانی بطور مضاعف، بر دوش هموطنان جنگ‌زده فشار می‌آورد و مصائب ناگوارتری را برای آنان بوجود می‌آورد.

در چنین شرایطی رژیم خمینی بجای چاره‌اندیشی برای حل مسئله‌ی اسکان و زندگی آوارگان و مرهم گذاشتن بر زخم‌های دل آنان، همچنانکه ماهیت اوقضامی کرد، باشیوه‌های ضد مردمی و بغایت ارتجاعی با مساله‌ی آوارگان جنگ برخورد نمود. رژیم خمینی ابتدا ذیلانده و مصرانه سعی کرد تا افکار عمومی مردم ایران را بر علیه هموطنان جنگ‌زده برانگیزد، تا بدین وسیله جنگ‌زدگان ناگزیر شوند به شهرها و روستاهای ویران‌شده‌ی خود که همچنان نیز در معرض گلوله‌باران و بمباران قرار داشت، بازگردند. واقع امر این بود که سردمداران رژیم علاوه بر استفاده‌های تبلیغاتی، قصد

مجبور به عقب‌نشینی در قبال آوارگان شد. دلیل مسئله نیز آن بود که مسئله‌ی آوارگان جنگ و پراکنده شدن صدها هزار نفر در سرتاسر کشور - که هر روز هم افزایش می‌یافت - دیگر به یک مسئله‌ی بزرگ اجتماعی تبدیل شده بود و برخوردهای بغایت ارتجاعی دار و دسته‌ی خمینی، هم به خشم و انزجار عمومی جامعه دامن می‌زد و هم اینکه آوارگان را به مواضع و عکس‌العمل‌های اعتراضی تر و خشمگینانه‌تری نسبت به رژیم می‌کشاند. از همین رو چند هفته بعد وزارت کشور خمینی، در صدد اقداماتی برای جمع‌وجور کردن آوارگان و باصلاح رسیدگی به وضع آنان برآمد. و به تدریج رژیم خمینی یک بنیاد دیگر با عنوان "بنیاد امور جنگ‌زدگان" به بنیادهای ضدخلفی‌اش افزود. و ۶ ماه بعد نیز نام آن را بدون کمترین شرم و حیثی به "بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی" تغییر داد. (همان مهاجرینی که به عنوان ضدانقلاب و... آن بلاها را به سرشان آورده بود.)

### وضعیت آسفار آوارگانی که تحت کنترل بنیاد امور جنگ‌زدگان قرار دارند

مقدمتا باید گفته شود که صدها هزار نفر از آوارگان، در همان ماه‌های اولیه‌ی آوارگی، به دلیل برخوردهای ارتجاعی رژیم با جنگ‌زدگان (که پیش از این به چند نمونه از آنها اشاره کردیم) اساسا از محل‌های تجمع آوارگان خارج شده و بهر نحوی که ممکن بود، کار و سرپناه محقری برای خود دست و پا کرده و خود را از زیر سلطه‌ی ایادی رژیم بیرون آوردند. هر چند که بلحاظ مادی در مضیقه و تنگنای سختی قرار داشته و بسیاری از آنان با مشاغلی از قبیل: دکهداری، دستفروشی، و... به سختی روزگار می‌گذرانند. اما در مورد آوارگانی که تحت کنترل رژیم قرار دارند، همچنانکه در مورد نقش باصلاح "بنیاد شهید" رژیم در کنترل خانواده‌های گشته شده‌ها و مجروحین و معلولین جنگ متذکر شدیم، اگرچه رژیم ظاهرا توسط "بنیاد امور جنگ‌زدگان" به وضعیت آوارگان رسیدگی می‌کند، اما درواقع یکی از هدف‌های اساسی بنیاد، کنترل امنیتی ساکنان اردوگاهها و مقابله با هر گونه عکس‌العمل‌های اعتراضی و خشمگینانه‌ی آوارگان بر علیه جنگ و جنگ‌افروزی‌های خمینی

می‌باشد. همچنین باید اضافه نمود که حضور بیش از دو میلیون آواره در جامعه، آگاهی یافتن از وضعیت اسفبار آنان و مهمتر از همه مشاهده‌ی خشم و کینه‌ی آنها بر علیه رژیم خمینی، از همان آغاز، زمینه‌های اجتماعی مخالفت با جنگ را تدریجا فراهم می‌کرد. رژیم نیز به همین دلیل سعی نمود از همان آغاز اغلب اردوگاههای آوارگان را به خارج از شهرها منتقل کند. و در طول این سه سال نیز آنچنان کنترل و مراقبتی را بر آنان اعمال کرده است که محل اسکان آوارگان قبل از همه به اردوگاه اسیران جنگی شباهت دارد، تا محل زندگی هموطنان جنگ‌زده؟!...

از سوی دیگر رژیم با اعمال این فشارها و حاکم کردن جواختناق و سرکوب، همیشه سعی داشته که از آوارگان - همچنانکه در مورد قربانیان و بازماندگان کشته‌شدگان جنگ شاهد بودیم - در جهت پیشبرد سیاست‌های تبلیغاتی خود منجمله در زمینه‌ی جنگ ارتجاعی‌اش سوءاستفاده نماید. و آنها را با نهادید و تطمیع در نمایشات مختلف خود از راهپیمایی‌های فرمایشی گرفته تا نمازهای ربیانی جمعه شرکت دهد. و هرگونه سرپیچی نیز مجازاتی از قطع جیره‌ی ماهانه، اخراج از اردوگاه و... تا سپردن بدست دادگاه‌های ضد انقلابی و محاکمه و زندان را بدنبال داشته است. در سایه‌ی چنین حفاقت و سرکوبی است که رژیم خمینی سه سال است که آوارگان جنگ را در سخت‌ترین شرایط مکانی، بهداشتی، تغذیه‌ای و... نگاه داشته است. بنحوی که در بهمن ماه سال گذشته، استاندار خائن ایلام ضمن تشریح اوضاع رقت‌بار آوارگان این استان، گفته است:

"بنیاد مرکزی جنگ‌زدگان باید شرمندتر باشد که پس از سه سال نتوانست حتی یک نفر را در این مناطق از زیر چادر به داخل یک چهار دیواری قابل سکونت انتقال دهد"

(کیهان ۱۳/۱۱/۶۱)  
وضعیت درمانی و بهداشتی آوارگان نیز وضعی مشابه محل سکونت آنان دارد. وقتی کلیه امکانات پزشکی و درمانی کشور عمدتا در خدمت جبهه‌های جنگ و رسیدگی به وضع مجروحین هر تهاجم جدید رژیم قرار دارد و حتی عموم مردم به لحاظ خدمات پزشکی در مضیقه‌ی شدید قرار دارند، روشن است که وضعیت پزشکی و درمانی آوارگان جنگ و ساکنان اردوگاه‌های مختلف، از چه وضعیت اسفباری برخوردار خواهد بود. بقیه در صفحه‌ی ۲۳



گزارش مستندی در مورد کمکهای تسلیحاتی آمریکا بدرزیم خمینی

## رژیم خمینی و دریافت اسلحه از آمریکا، در عین تحریم اقتصادی و تسلیحاتی!

همان موتورهای گد در بوئینگ ۷۴۷ نیز استفاده می شود و ما صدها عدد از این اشیاء فلزی را به ایران فروختیم. " کارلوس دوملو" رئیس شرکت R.R.S نیز به فروش لامپهای رادار به قیمت ۱۰۰ هزار دلار و لوازم و قطعات مختلف هواپیماهای F.14 اشاره کرد. بر اساس گزارش مستند فوق، روزنامه ای لومتن در شماره ۲۵ ژوئن ۸۳ خود مقاله ای تحت عنوان "تسلیمات برای خمینی" همراه با سندی از نیروی هوایی رژیم خمینی چاپ کرده است که توجه شما را به ترجمه ای قسمت هائی از آن جلب می کنیم:

یکشنبه ۲۶ ژوئن ۸۳ از کانال ۲ تلویزیون فرانسه بخش گردید، ضمن مصاحبه با برخی از روسای شرکت های فوق الذکر، به بعضی از اقلام فروخته شده به رژیم خمینی نیز اشاره شد. از جمله رئیس شرکت Ramco. در برابر سوال تهیه کننده ای رپرتاژ در مورد نوع جنس تحویل داده شده تحت شماره سری ۱۳۳۷۵۸۴۳ که توسط کارخانه ای "Military Specification 96906" ساخته شده و شماره ی قطعه ای بدکی آن نیز ۹۴۹۰۱۴ M.F می باشد، جواب داد: "این یک شیء فلزی بسیار کوچک می باشد که در "GT9" استفاده می شود،

ایران کاملاً به وسائل آمریکائی مجهز می باشد، لذا رژیم خمینی برای تهیه ی قطعات یدکی مورد نیاز خود، چاره ای جز مراجعه به شرکت های آمریکائی و قبول قیمت های تعیین شده از سوی آنان نداشت. از این رو در آمریکا شرکت های تخصصی برای پیدا کردن قطعات یدکی بوجود آمدند و نیروی هوایی رژیم خمینی نیز از طریق معامله با این شرکت ها در صدد تهیه ی کمبودهای خود برآمد. شرکت های آمریکائی با استفاده از این فرصت طلائی توانستند معاملاتی حاوی سودی بین ۵۰ تا ۵۰۰ درصد با رژیم خمینی انجام دهند همچنین در برنامه های که روز

بوده اند که با اجازه ی رسمی مقامات وزارت دفاع و خارجه ی آن کشور، ترتیب فروش و حمل محمولات مختلف را به ایران می داده اند! طبق تحقیقاتی که خبرنگاران تلویزیون فرانسه در مورد روابط تسلیحاتی ایران و آمریکا طی سال های ۸۱ و ۸۲ انجام داده اند، با شروع جنگ ایران و عراق، مسئله ی کمبود قطعات یدکی در تسلیحات نظامی ایران بسرعت ظاهر شد. هواپیماهای ایرانی به دلیل کمبود این قطعات نمی توانستند پرواز کنند و از این رو، رژیم خمینی برای بدست آوردن قطعات مورد نیازش حاضر به انجام هرکار و قبول هرپیشنهادی بود. اما از آنجا که نیروی هوایی

در کنار رسوائی های روزافزون رژیم خمینی در رابطه با خرید سلاح و تجهیزات جنگی از "اسرائیل" و دیگر ارتباطات و معاملات خائنه اش با این دولت، اخیراً اسنادی نیز در مورد روابط تسلیحاتی آمریکا با رژیم خمینی افشاء گردید. اسنادی که خبر از فروش بی وقفه ی سلاح های آمریکائی به ایران، حتی در بحبوحه ی ماجرای گروگانگیری - این بزرگترین نمایش باصطلاح ضد-امپریالیستی و ضدآمریکائی رژیم خمینی - و پس از اعلام تحریم اقتصادی و نظامی آمریکا بر علیه ایران می دهد. عاملین این تجارت، چندین شرکت آمریکائی



Islamic Republic of Iran Air Force  
LOGISTICS SUPPORT CENTRE (EUROPE)

15 YOUNG STREET KENSINGTON LONDON W8 5EH  
TELEPHONE: 01-937 0873 (2 lines)  
TELEX: 283654 IRIAF G

OUR REF APME 1360/0107/3-269

YOUR REF

R. R. C. Co. Inc.  
Suite 2,  
Carlos Place,  
Mayfair,  
London W1

August 13th, 1981.

Dear Sirs,

With reference to your telex dated July 7th, 1981, please be advised of the following points:-

- Your report regarding the repair of one Power Supply, at the cost of U.S.\$27,000.00 was sent to our Headquarters in Tehran, so that respective specialists would estimate the cost of repair. The decision reached is that the mentioned cost would not be economical and appropriate. Please do not have the above mentioned item repaired and return it to this office in the same condition as it was submitted to you.
- This office is still awaiting the receipt of the three new power supplies which have been already purchased.

Thank you for your co-operation.

Yours faithfully,

M. T. Bagheri  
Islamic Republic of Iran Air Force  
Chief - Logistics Support Center (Europe)

"موسکاردو" توانسته است بدست بیاورد، لغت "سلاح"، "موشک"، "رادار" و با لوازم دیگر صریحاً اظهار نشده است، بلکه تمام قطعات سفارش داده شده، قیمت گذاری شده و ارسال شده بنام قلمبات یدکی می باشند. در اینجا "ژنراتور" به احتمال قوی برای هواپیمای F.14 آمریکائی بکار رفته است.

تعمیر آن بالغ بر ۲۷۰ هزار دلار شده است که ارتش ایران آن را غیر قابل قبول می خواند. در این نامه، دولت ایران خواهان باز پس فرستادن این قطعات یدکی و همچنین دریافت ۳ ژنراتور دیگر که ایران قبلاً بول آن را پرداخته بود، شده است. قابل ذکر است که هیچگاه و در هیچیک از اسنادی که

توضیح سند: این نامه که در ۱۳ اوت ۱۹۸۱ و از طرف یکی از مسئولین نیروی هوایی جمهوری اسلامی به شرکت آمریکائی R.R.C نوشته شده است، احتیاج به هیچ توضیحی ندارد. ایرانی ها که سفارش تعمیر یک ژنراتور خراب را کرده بودند، آن ژنراتور را دوباره دریافت می کنند. هزینه ی

۱۹۸۳/ژوئن/۲۵

LE MATIN

روزنامه ی فرانسوی

لومتن

## Des armes pour Khomeini

Le blocus économique de l'Iran n'a pas empêché l'administration américaine de couvrir les livraisons d'armes à destination de Téhéran même pendant l'affaire des otages. C'est ce que montre Jean-Pierre Moscardo dans une grande enquête qu'il a menée pour

«Dimanche-Magazine».

## تسلیمات برای خمینی

\* حتی محاصره ی اقتصادی ایران طی جریان گروگانگیری، مانع از تضمین تحویل تسلیحات توسط آمریکا به تهران نشد. این جریانی است که "ژان پیر موسکاردو" در تحقیقاتی که برای برنامه ی مجله ی یکشنبه تهیه کرده است، ثابت می کند.

\*\*\*

... "گاراولی" اطلاعات و اسنادی در اختیار داشت که ثابت می کرد برخی از کارخانجات و شرکت های آمریکائی، علیرغم محاصره ی اقتصادی، مقادیر بسیار زیادی اسلحه به ایران ارسال داشته اند. تجارتی که حتی طی اشغال سفارت آمریکا در تهران، هیچگاه وقفه ای در آن نیفتاد و در خفا از ضمانت دولت آمریکا نیز برخوردار بود. "ژان پیر موسکاردو"، "برنارد راپ" و "ژاک ماری بورگت" (خبرنگاران تلویزیون فرانسه که مشغول تحقیق در این مورد بودند) چند روز بعد از تیراندازی هائی که در پاریس رخ داد، با "گاراولی" ملاقات می کنند. این اولین نقطه ی آغاز تحقیقات چهار ماهه ای بود که در پایان آن، پرونده های تشکیل شد که ضخامت و اهمیت مدارک

بقیه در صفحه ۲۲



سازمان مجاهدین خلق ایران افساء می کند:

# اسناد و مدارک یکی از مهمترین قراردادهای تسلیحاتی رژیم خمینی با دولت اسرائیل

"شخص خمینی در بحبوحه‌ی تجاوز اسرائیل به لبنان و سرکوب انقلاب فلسطین، در حالی که تانک‌های شارون را با سوخت ایرانی تامین می‌کرد مدعی شد که قصد فتح بیت المقدس از طریق بغداد را دارد. اما چندی بعد آشکار شد که امام فرومایگان مدتهاست بدون هیچ احتیاجی به عبور از بغداد، از طریق آلمان دروازه‌ی تل‌آویو را با ویزای رسمی توسط قوم‌و خویش نزدیک خویش گشوده و قاچاق تریاک را نیز همچون خرید گسترده‌ی سلاح از اسرائیل، مباح کرده است. همان تریاکی که پیدا شدن چند گرم آن در نزد هر "مستضعفی" در داخل کشور، به تیرباران قطعی او منجر می‌شود و همان اسرائیلی که شیطان جماران تاکید نمود که اگر دست به دریا بزند، دریا نجس خواهد شد...

به این ترتیب خمینی با دروغ و شکنجه و گشتار و جنگ و خیانت و همچنین با برخورداری از کمک‌های خارجی، برخلاف آرزو و انتظار اغلب مردم ایران، منجمله برخلاف انتظار خود من (به عنوان یک مجاهد خلق) توانست سال ۶۱ را از سر بگذراند. اما همچنانکه در جمع‌بندی یکساله‌ی مقاومت مسلحانه‌ی سراسری (در تابستان ۶۱) ضمن ارزیابی انتقادی همین نکته به عرض رساندم، راستی چه کسی نمی‌داند که اگر چنین درجه‌ی غیرقابل توصیفی از خفقان و سرکوب نبود و اگر سیل سلاح‌ها و وسائل یدگی و سایر کمک‌های خارجی به جانب خمینی سرازیر نمی‌شد، رژیم او که در همان آغاز زمستان ۱۳۶۰ به اعتراف نخست‌وزیرش از هر جهت در آستانه‌ی ورشکستگی کامل بسر می‌برده است، قطعاً تا امروز نمی‌پایید. سازمان مجاهدین خلق ایران اخیراً باز هم به مدارک سری دیگری دست یافته است که حمایت‌های خارجی از رژیم خمینی را بیشتر از پیش برملا می‌کند. این مدارک در فرصت مناسب منتشر خواهند گردید تا مردم ایران با کم‌وکیف‌تر آشنا شوند."

از پیام نوروزی برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت به مناسبت آغاز سال ۶۲

"یکی از عواملی که ما در ضمن سال گذشته به آن کم بها دادیم و آنقدر که واقعیت داشت، محاسبه نکرده بودیم یا اشتباه محاسبه داشتیم، این بود که - چنانکه دیدید - در آن واحد، هم سوریه و هم اسرائیل به خمینی کمک می‌کردند. می‌بینید نقش عامل خارجی را؟

مطابق گزارشات مستند و موثق، در اوایل زمستان سال ۶۰ رژیم نه آنچنان پولی داشته و نه آنچنان سلاحی که بتواند هم از پس بحران اقتصادی شدیدی که گریبانگیرش بود بر بیاید و هم از پس جنگ‌هایی که بعداً با عراق کرد. زیرا رژیم، یک قلم ماهانه لااقل ۱/۲ میلیارد دلار مصرف ارز خارجی دارد (عمدتاً هم برای واردات). لیکن در آن تاریخ، کل ذخائر ارزی، ششصد، هفتصد میلیون دلار بیشتر نبود.

خوب، حالا می‌شود گفت که طلا فروخته، اخاذی کرده و فشار به مردم آورده؛ همه‌ی اینها درست. اما بالاخره یک کمک‌ها و اعتبارات خارجی گلانی هم در کار بوده. حراج بین‌المللی نفت و تقدیم "نیم‌بها"ی آن به شرق و غرب عالم هم که جای خود را دارد. در مورد سلاح هم پارامتر خارجی به ترتیب خیلی تعجب‌آوری به نفع رژیم وارد شد که گویای بسیاری مطالب آشکار و پنهان است که فعلاً قصد ورود به آنها را ندارم. اما بالاخره دیدیم که فی‌المثل، هم از سوریه حمایت مادی و معنوی (یعنی سیاسی) دریافت می‌کرد و هم در همان زمان از اسرائیل، اسلحه و بخصوص سلاح‌های پیچیده، می‌گرفت..."

برادر مجاهد مسعود رجوی  
جمع‌بندی یکساله‌ی مقاومت مسلحانه

## مقدمه:

فردا آخرین جمعه‌ی ماه رمضان و روزی است که خمینی دجال در اولین سال به حکومت رسیدنش آن را "روز قدس" نامید و به این ترتیب زمینه‌ی جدیدی برای تبلیغات دجال‌گونه‌اش فراهم کرد. در آن هنگام، خمینی در نظر مردم ایران (و بسیاری از مردم جهان) نه تنها دارای اعتبار و مشروعیت بود، بلکه در هاله‌ی از "قدس" و "قداست" ستایش می‌شد و طبعاً برای توده‌های میلیونی مردم، قابل تصور هم نبود که در پشت این چهره‌ی پر "قداست" و در باطن این مدعی "آزادی قدس" چه پلیدی‌ها و شیادی‌ها و چه کفر و خیانتی نهفته است.

اما عملکردهای این دجال خون‌آشام و رژیم قرون وسطایی او طی این ۴ سال، چنان مرزهای فساد و جنایت و دروغ و خیانت و وطن‌فروشی را پشت سر گذاشت که در سایه‌ی افشاگری‌ها و رنج و خون و مقاومت و موضعگیری‌های انقلابی و هوشیارانه‌ی نسل مقاومت و ایمان، هویت این رژیم را بعنوان یک رژیم دجال، مادون ارتجاعی و ضد بشری در تاریخ معاصر جهان به ثبت رساند و در

همچنین مجامع بین‌المللی حقوق بشر را پیوسته تحت عنوان عدم قاطعیت در مقابل اسرائیل و عدم حمایت از مردم فلسطین، محکوم می‌کند و متقابلاً هر سال در چندین نوبت، مشخصاً مسلمانان جهان را برای مبارزه با اسرائیل و "آزادی قدس" فرا می‌خواند! ...

اما از سوی دیگر تا آنجا که به سیاست‌ها و موضعگیری‌های

بر علیه عراق را نیز یک مبارزه‌ی ضد صهیونیستی! خوانده و آن را مقدمه‌ی "آزادی فلسطین" قلمداد می‌کند! و در همین رابطه نیز بر تهاجمات خود در این جنگ، عنوان "طریق القدس"، "بیت المقدس" و ... می‌دهد! - مدعی آنچنان دشمنی و تنفیری نسبت به اسرائیل است که فی‌المثل خمینی تاکید می‌کند: "اگر اسرائیل دست به دریا بزند، دریا نجس خواهد شد!"

همین رهگذر، بی‌آیندگی و سقوط محتوم آن، مسجل گردید.

بهر حال، یکی از زمینه‌ها و موضوعاتی که تناقض حیرت‌انگیز بین دعاوی و عملکردهای رژیم خمینی را به آشکارترین وجهی به نمایش می‌گذارد؛ جنجال‌ها و شعارهای تبلیغاتی از یکسو و موضعگیری‌های عملی این رژیم در قبال فلسطین و رژیم اسرائیل از سوی دیگر می‌باشد. (\*)

### سند انتقال يك محموله از تل آویو به تهران

اجازه‌ی پرواز برای هواپیمای دربست کرایه‌ای در تاریخ ۴ ژوئن ۸۱ از تل‌آویو به تهران

**متن تاپ شده سند (تلکس):**

ZCZCFCA 124 021150 AB  
JJ 0111 YA  
021112 EGN XBD  
REQUEST PERMISSION TO OPERATE CARGO CHARTER FLIGHT TEL AVIV TEHERAN 04 JUN STP OUR REFERENCE IS DUDO STP PLESE CONFIRM YOUR AUTHORITY TO WALDEN BRITISH MIDLAND AIR WAYS DERBY EGNXBD

**ترجمه تلکس:**

اجازه‌ی پرواز برای هواپیمای دربست کرایه‌ای از تل‌آویو به تهران در تاریخ چهارم ژوئن را تقاضا می‌کنیم. شماره‌ی ما برای عطف DUDO STP می‌باشد. لطفاً سرپرستی خود را برای "والدن" خطوط هواپیمایی میدلند در داربی انگلستان XBD تصدیق کنید.

این سند که در تاریخ ۲۴/مهرماه/۶۰ (۱۶/اکتبر/۸۱) توسط سازمان مجاهدین خلق افساء گردید و برای اولین بار در نشریه‌ی اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور بچاپ رسید، در مطبوعات جهان بخصوص مطبوعات عربی انعکاس گسترده‌ای پیدا کرد.

پاورقی:

\* بدیهی است که این امر در مورد موضع‌گیری‌های باصطلاح ضد امپریالیستی و ضد آمریکائی رژیم نیز کاملاً صدق می‌کند و ماهیت آن نیز امروز بر کمتر کسی پوشیده است. اما جالب اینکه در همین اواخر گزارش مستندی در تلویزیون و مطبوعات فرانسه منعکس گردید که حاکی از ادامه‌ی بی‌وقفه‌ی کمک‌های تسلیحاتی آمریکا به رژیم خمینی (حتی در بحبوحه‌ی جریان گروگان‌گیری) بود. آن هم علیرغم اعلام تحریم تسلیحاتی و اعلام "محاصره‌ی اقتصادی" بر علیه رژیم خمینی توسط آمریکا! (فشرده‌ای از این گزارشات را نیز در همین شماره ملاحظه خواهید کرد).



سازمان مجاهدین خلق ایران افشاء می کند:

## اسناد و مدارک یکی از مهمترین قراردادهای تسلیحاتی رژیم خمینی با دولت اسرائیل

طباطبائی به اسرائیل (با ویزای رسمی این دولت) نیز، بولاگردید. (در مجاهد شماره ۱۵۰ کلیشی پاسپورت طباطبائی که در آن مهر دولت اسرائیل زده شده بود، چاپ گردید.)

\* \* \*

اکنون سازمان مجاهدین خلق ایران، اسناد یکی از مهمترین (و شاید اولین) قراردادهای بی واسطه و مستقیم بین رژیم خمینی با اسرائیل در زمینه دریافت سلاح از این دولت را در کنار اسناد و مدارک دیگری در همین زمینه که از درون بالاترین ارگانهای رژیم بدست آمده، افشاء می نماید؛ تا ضمن اطلاع خلق قهرمان ایران، در معرض قضاوت افکار عمومی بین المللی و بویژه خلق عرب و

در پیشاپیش آنها مردم ستمدیده و مبارز فلسطین و همچنین کلیه سازمانها و احزاب انقلابی و ترقیخواه در سراسر جهان قرار گیرد.

لازم به توضیح است که قرارداد مزبور در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۸۱ (۲ مرداد ۶۰) یعنی به فاصله کمی پس از ۳۰ خرداد سال ۶۰ به امضاء رسیده و سایر اسناد نیز مربوط به مهر و آبان همان سال است.

در صفحه بعد، کلیشی عین اسناد را از نظر تان می گذرانیم و در پایان نیز توضیحاتی در رابطه با شکل و محتوای آنها و ارتباطشان با یکدیگر خواهیم داد.

مقدمنا متذکر می شویم که اسناد و مدارکی که ملاحظه خواهید کرد، عبارتند از:

۱- متن اصلی قرارداد بین رژیم خمینی و اسرائیل (به همراه ترجمه آن)

۲- متن اصلی نامه نمایندگی شرکت اسرائیلی فروشنده سلاح به وزارت دفاع خمینی (به همراه ترجمه آن)

۳- یکسری از اسناد و مدارک درونی ارگانهای رژیم (نظیر شورای عالی دفاع، وزارت دفاع و نخست وزیری) که به نحوی در رابطه با این قرارداد می باشند.

□ □ □

بردهی او با امپریالیستها و اسرائیل) که به جرم حمل ترابک در آلمان دستگیر شده بود.

طی گزارش مستندی که توسط مطبوعات و رادیو تلویزیونهای جهان انشار یافت، نقش صادق طباطبائی منجمله در مورد مسالدهی خرید اسلحه از اسرائیل توسط رژیم خمینی، تا حدودی

را افشاء نمود که از لندن سخا برده و بوسیلهی آن نقضای اجازهی پرواز برای یک هواپیمای در دست کرایه ای از تل آویو به تهران شده بود و بدین ترتیب اثبات گردید که رژیم خمینی از طریق واسطه ها و دلالهای بین المللی اقدام به خرید اسلحه از اسرائیل می کند. لازم

اما در این بین، جریان خرید سلاح از اسرائیل توسط رژیم خمینی از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است.

از اوائل سال ۶۰ به بعد اخبار و گزارشات متعددی در این زمینه توسط رسانه های خبری جهان منتشر می گردید. بخصوص پس از سقوط یک هواپیمای حمل و نقل

واقعی و عملی رژیم خمینی مربوط می شود، بدون شک این رژیم، یکی از بزرگترین خائنین به خلق و انقلاب فلسطین و متقابلا در بسیاری زمینه ها یکی از فعالترین همدستان و هم پیمانان عملی اسرائیل بوده است. در این رابطه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- روابط گسترده ی تسلیحاتی با اسرائیل

- ارسال نفت ارزان برای اسرائیل و از جمله در جریان تهاجمات سال گذشته ی این دولت در لبنان

- ضربه زدن، تضعیف و توطئه چینی بر علیه انقلاب فلسطین و بویژه رهبری آن (ایجاد درگیری های مسلحانه توسط وابستگانش علیه سازمان های

رزمنده ی فلسطینی در لبنان، حملات تبلیغاتی آشکار بر علیه رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین و منجمله دادن شعار "مرگ بر عرفات" در تهران)

- ادامه ی سیاست جنگ طلبانه بر علیه عراق و فراهم نمودن شرایط مساعد برای تهاجمات اسرائیل بر علیه خلق و انقلاب فلسطین در لبنان

- استقبال و همکاری در زمینه ی اقدامات ضد فلسطینی که اخیرا توسط دولت سوریه اوج بیشتری گرفته است.

- ...

اکنون سازمان مجاهدین خلق ایران، اسناد یکی از مهم ترین (و شاید اولین) قراردادهای بی واسطه و مستقیم بین رژیم خمینی با اسرائیل در زمینه دریافت سلاح از این دولت را در کنار اسناد و مدارک دیگری در همین زمینه که از درون بالاترین ارگان های رژیم بدست آمده، افشاء می نماید؛ تا ضمن اطلاع خلق قهرمان ایران، در معرض قضاوت افکار عمومی بین المللی و بویژه خلق عرب و در پیشاپیش آنها مردم ستمدیده و مبارز فلسطین و همچنین کلیه ی سازمان ها و احزاب انقلابی و ترقیخواه در سراسر جهان قرار گیرد.

فاش گردید. در این زمینه، مشخصا در تلویزیون آلمان سندی به نمایش گذاشته شد که نشان می داد صادق طباطبائی و یکی دیگر از همدستانش، یک حساب بانکی در سوئیس در اختیار داشته و از بودجه ی آن مبلغی معادل ۶۶ میلیون مارک به یک شرکت سوئسی در "لیختن اشتاین" بابت خرید اسلحه های اسرائیلی پرداخت نموده اند.

ضمنا در همان موقع جریان ۲ بار مسافرت صادق به توضیح است که اجازه ی پرواز فوق الذکر برای تاریخ ۴ ژوئن ۸۱ (۱۴ خرداد ماه ۶۰) تقاضا شده بود.

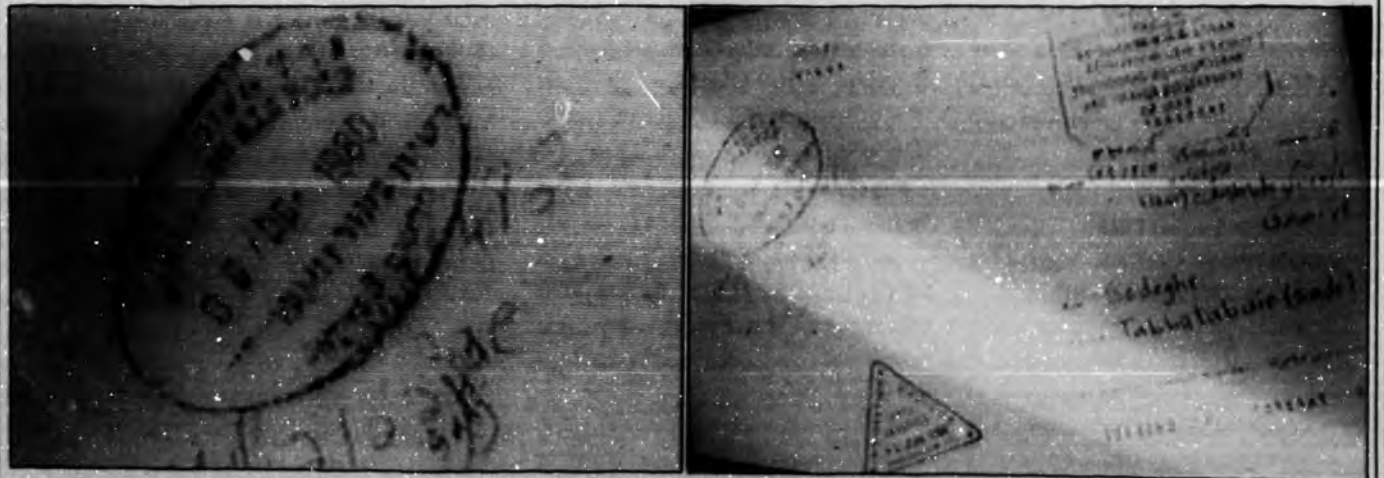
از آن تاریخ به بعد باز هم مکررا گزارشاتی مبنی بر روابط تسلیحاتی و نفتی بین رژیم خمینی و اسرائیل در مطبوعات سراسر جهان منتشر می گردید که یکی از موارد اخیر آن در اوائل مارس ۸۳ (اسفند ۶۱) همزمان بود با محاکمه ی صادق طباطبائی (سفیر سیار و یکی از عوامل مهم خمینی در زمینه ی بندوبست های پشت

آرژانتینی در خاک شوروی که در مسیر تهران - قبرس پرواز می کرد، گوشه ای از روابط پشت پرده ی رژیم خمینی با اسرائیل (مشخصا در زمینه ی دریافت سلاح) فاش شد.

البته رژیم خمینی در رابطه با این رسوائی، چاره ای جز انکار واقعیت، برای خود ندید، اما بر اساس گزارشات متعدد، روابط تسلیحاتی بین اسرائیل و رژیم خمینی همچنان ادامه داشت؛ تا اینکه در مهر ماه سال ۶۰ برای اولین بار، سازمان مجاهدین خلق ایران، تلکسی

باز کردن راه قدس به شیوه خمینی با ویزای رژیم اشغالگر قدس؟! شماره ۱۵۰ پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۲

## مهر ورود رسمی به اسرائیل در پاسپورت طباطبائی (نورچشمی و سفیر سیار خمینی خائن)



مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی  
مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی



## سازمان مجاهدین خلق ایران افساء می کند:

## اسناد و مدارک یکی از مهمترین قراردادهای تسلیحاتی رژیم خمینی با دولت اسرائیل

## کلیشه متن اصلی قرارداد

بکلی ســـری

CONTRACT No: 173164

-2-

## ARTICLE 3

## METHOD OF PAYMENT

- 3.1 Payment of the contract shall be made through Bank Markazi, Iran, as follows:
- 3.2 An advance payment equal to 50 (FIFTY) percent of the total amount of this contract, payable within seven banking days of the date of signature of this contract.
- 3.3 The remaining 50 (FIFTY) percent of the total amount of this contract shall be paid through an irrevocable letter of credit in favour of International Desalination Equipment Limited, 76 Montrose Court, London SW7, England, in the amount of US Dollars Sixty seven million, nine hundred and twenty one thousand - US\$67,921,000.00.
- The Letter of Credit shall be advised within fifteen banking days of signing of this contract.
- This letter of credit is to be payable against first presentation of the following documents without any further authorisation by Bank Markazi, Iran, at the counters of Lloyds Bank Limited, London, England.
- A)-Invoices  
B)-Full set of clean on board Bills of Lading evidencing shipment of the goods from Antwerp/Rotterdam to Bandar Abbas.  
C)-Inspection Certificate certified by Buyer's FOUR authorised representatives

## ARTICLE 4

## ACCEPTANCE AND DELIVERY

- 4.1 The seller shall furnish to the buyer the goods contracted for on or before the dates indicated in the delivery schedules, as per Appendix 1. Providing for any kind of export licence is the sole responsibility of the seller. The licence shall be attested by Department of Defence, and a certified photocopy handed over to buyer's representative prior to delivery of the goods.

بکلی ســـری

بکلی ســـری

CONTRACT No: 173164

-1-

I.D.E. International Desalination Equipment Limited of 49 Ibn Gvirol Street, Tel Aviv Israel, hereinafter referred to as the SELLER represented by Jackie Numodi on the one side

AND The Ministry of National Defence, Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran hereinafter referred to as the BUYER, represented by The Deputy Minister of National Defence for Logistics, on the other side have concluded this contract as follows:

## ARTICLE 1

## OBJECT AND SCOPE OF THE CONTRACT

- 1.1 The object and scope of this contract is to cover the terms and conditions of the purchase by the buyer of the goods to be delivered by the seller.
- 1.2 The seller undertakes to furnish and the buyer undertakes to accept and pay for the goods, as laid down on Appendices I - VI to this contract, all according to the terms and conditions set forth in the following articles and appendices.
- 1.3 All appendices, numbered I - VI, attached to this contract are considered as an integral part of this contract, due to which fact they have been initialled by both parties.
- 1.4 In the event of any discrepancy in the interpretation of the contents of the appendices and provisions of this contract, the provisions of the contract shall prevail.

## ARTICLE 2

## VALUE

- 2.1 The total value of the goods under this contract shall amount to One hundred and thirty five million eight hundred and forty two thousand United States Dollars say US\$135,842,000.00. The above total price shall be considered fixed and final and is not subject to increase or decrease by monetary fluctuation or whatever changes to market prices of production or labour wages.
- 2.2 The prices of the products to be delivered are understood C and F Bandar Abbas, Iran, and are listed in detail in Appendices I - VI made up of Proforma Invoices numbered 470/18-470/19-470/20-470/21-470/22-470/23.

بکلی ســـری

## ترجمه متن اصلی قرارداد

قرارداد شماره: ۱۷۳۱۶۴

شرکت بین المللی تجهیزات نمک رویی I.D.E با مسئولیت محدود واقع در اسرائیل، تل آویو، خیابان ابن گویرول شماره ۴۹ 49 Ibn Gvirol Street, Tel Aviv, Israel

که از این پس از آن بعنوان فروشنده به نمایندگی یعقوب نیمرودی یاد خواهد شد، بعنوان یکی از طرفین؛ و وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران، که از این پس از آن بعنوان خریدار به نمایندگی معاونت وزیر دفاع ملی برای امور لجستیکی یاد خواهد شد، بعنوان طرف دیگر، این قرارداد را بترتیب ذیل منعقد نموده اند:

## ماده ۱

## موضوع و حدود قرارداد

۱/۱ - موضوع و حدود این قرارداد باید دربرگیرنده شرایط و مناسبات خرید توسط خریدار کالا باشد که توسط

فروشنده تحویل داده می شود.

۱/۲ - همچنانکه در ضمایم I تا VI

این قرارداد معین گردیده، فروشنده تعهد می نماید که کالا را تهیه نموده و خریدار متعهد می گردد که کالا را پذیرفته و بهای آن را بپردازد. تماما مطابق مناسبات و شرایط مطروحه در مواد و ضمایم زیرین.

۱/۳ - کلیه ضمائم شماره گذاری شده

از I تا VI که به این قرارداد پیوست شده اند، بعنوان یک بخش مکمل این قرارداد محسوب شده با توجه به این واقعیت که با برخورداری از امضاء اختصاری طرفین، مورد تأیید قرار گرفته اند.

۱/۴ - در صورت بروز هرگونه اختلاف

در تعبیر ضمائم ضمائم و مواد این قرارداد، مواد قرارداد از ارجحیت برخوردار خواهند بود.

## ماده ۲

## بها

۲/۱ - بهای کل کالاهای تحت این

قرارداد به یکصد و سی و پنج میلیون و هشتصد و چهل و دو هزار دلار آمریکائی، یعنی ۱۳۵/۸۴۲/۰۰۰ دلار آمریکائی، بالغ خواهد گردید. مبلغ کل فوق، ثابت و نهائی تلقی شده و موضوع افزایش یا کاهش توسط نوسانات پولی یا هرگونه تغییر در قیمت های بازار تولید یا دستمزدها، قرار نمی گیرد.

۲/۲ - قیمت فراورده هایی که باید

تحویل داده شوند (مشروط به) F و C بندرعباس، ایران، تلقی شده و مشروحا در ضمایم I الی VI که متشکل از پیش-فاکتورهای شماره ۴۷۰/۱۸-۴۷۰/۱۹-۴۷۰/۲۰-۴۷۰/۲۱-۴۷۰/۲۲-۴۷۰/۲۳ می باشند، آمده است.

## ماده ۳

## شیوه پرداخت

۳/۱ - پرداخت (بهای تعیین شده در)

قرارداد از طریق بانک مرکزی ایران بترتیب زیر انجام خواهد گرفت.

۳/۲ - پیش پرداختی معادل ۵۰ (پنجاه) درصد کل مبلغ این قرارداد که

طرف ۷ روز اداری از تاریخ امضاء قرارداد قابل پرداخت می باشد.

۳/۳ - ۵۰ (پنجاه) درصد باقیماندهی مبلغ کل این قرارداد از طریق یک اعتبارنامه غیر قابل فسخ به مبلغ شصت و هفت میلیون و نهصد و بیست و یک هزار دلار آمریکائی - ۶۷/۹۲۱/۰۰۰ دلار آمریکائی - به حساب شرکت

## INTERNATIONAL DESALINATION EQUIPMENT LIMITED

76 MONTROSE COURT, LONDON, SW7, ENGLAND  
به آدرس  
واریز خواهد گردید. این اعتبارنامه ظرف ۱۵ روز اداری پس از امضاء قرارداد داده خواهد شد.

این اعتبارنامه، پس از یکبار ارایه مدارک زیر، در باجه های بانک لویدز انگلستان

(Lloyds Bank Limited, London, England)

قابل پرداخت می گردد، بی آنکه اجازه دیگری توسط بانک مرکزی ایران ضروری باشد:



سازمان مجاهدین خلق ایران افساء می کند:

اسناد و مدارک یکی از مهمترین قراردادهای تسلیحاتی رژیم خمینی با دولت اسرائیل

کلیشه متن اصلی قرارداد

بکلی ســـــــری

CONTRACT No: 173164 -1-

**ARTICLE 6**  
QUALITY OF THE GOODS

6.1 The quality of the goods shall be of current manufacture and in conformity with the best technical condition of the International Standards.

**ARTICLE 7**  
SETTLEMENT OF DISPUTES

7.1 Should any dispute arise between the buyer and the seller in connection with execution or interpretation of this contract, then both parties shall attempt to resolve such dispute in good faith by direct negotiation and consultation.

**ARTICLE 8**  
CHANGES

8.1 Terms and conditions as set forth in this contract can only be changed by written mutual agreement between the parties, duly undersigned by their authorised representatives.

**ARTICLE 9**  
ASSIGNMENT

9.1 This contract and the rights and obligations of the parties heretofore shall insure to the benefit of, and shall be binding upon, each of the parties hereto, and their respective successors and assigns.

بکلی ســـــــری

بکلی ســـــــری

CONTRACT No: 173164 -3-

4.2 The acceptance of the goods shall be effected as follows:  
4.2.1 Prior to delivery, the goods shall be presented at the seller's plant for inspection and acceptance by the buyer's duly authorised representatives. On conclusion of acceptance the seller will issue a certificate of acceptance to be countersigned by the buyer's representatives if present.  
4.2.2 The seller shall inform the buyer in due time and in no case later than thirty three days prior to the acceptance operations.  
4.3 The shipment of the goods shall be effected as follows:  
4.3.1 The seller shall deliver the goods contracted for C and F Bandar Abbas packed in a proper manner, in accordance with the norms and common usage of International Trade (As per Incoterms 1953, as published in October 1976). In all cases the goods must be completely packed in wooden cases.  
4.3.2 The seller shall notify the buyer of the complete delivery of the goods, giving exact date and full details of the goods not later than 30 days prior to delivery.  
4.3.3 The buyer shall put at seller's disposal the necessary transportation means such as containers, and ship not later than 30 days after delivery date notification as in clause 4.3.2.

**ARTICLE 5**  
PENALTY FOR LATE DELIVERY

5.1 Should the seller, through it's exclusive fault be late in delivering the goods, with respect to the relevant date indicated in Appendix 1, pursuant to the provisions of this contract, the buyer shall be entitled to be paid a penalty equal to seven percent (7) per week of the price of the delayed goods for every subsequent week of delay. Said penalty shall not exceed twenty percent (20) of the price of the delayed goods, but in no case exceed ten percent (10) of the total value of the contract.  
5.2 Should delays be more than thirty days (30) the buyer reserves the right to cancel the contract and collect the penalties and demand its losses whatsoever. The seller hereby agrees and undertakes to announce this written approval to cancel the Letter of Credit.

بکلی ســـــــری

ترجمه متن اصلی قرارداد

الف - فاکتورها  
ب - مجموعه ای کامل بارنامه های دریائی که حمل کالا از آنورپ / رتردام به بندر عباس را گواهی می نماید.  
ج - گواهینامه ای بازرسی که به تأییدی چهار نماینده ای مجاز خریدار رسیده باشد.

ماده ۴

پذیرش و تحویل

۴/۱ - فروشنده، گالاهای تحت قرارداد را در تاریخ های تعیین شده یا قبل از آنها بر طبق ضمیمه I برای خریدار فراهم خواهد آورد. مسئولیت تهیه هر نوع جواز صدور، صرفاً به عهده فروشنده می باشد. این جواز باید توسط وزارت دفاع مورد تصدیق قرار گرفته و یک نسخه فتوکپی گواهی شده آن قبل از تحویل کالا به نماینده خریدار تسلیم گردد.  
۴/۲ - پذیرش کالا به ترتیب زیر انجام خواهد یافت:  
۴/۲/۱ - قبل از تحویل، گالاهای

در کارخانه ای فروشنده جهت بازرسی و پذیرش نمایندگان مجاز مربوطه ای خریدار ارائه خواهد گردید. در صورت توافق به پذیرش، فروشنده یک گواهی پذیرش صادر خواهد نمود که در صورت حضور نمایندگان خریدار، توسط آنان نیز باید امضاء گردد.  
۴/۲/۲ - فروشنده در وقت مقتضی و در هر حال نه دیرتر از سی و سه روز قبل از جریان اقدامات پذیرش، خریدار را مطلع خواهد نمود.  
۴/۳ - حمل کالا به ترتیب زیر انجام خواهد یافت:

۴/۳/۱ - فروشنده ای گالاهای تحت قرارداد برای C و F بندرعباس را که از شیوه ای مناسب بستهبندی برخوردار بوده مطابق موازین و عرف معمول تجارت بین الملل (همچنانکه در موازین INCOTERMS 1953 که در اکتبر ۱۹۷۶ انتشار یافت، قید گردیده است) تحویل خواهد داد. در کلیه موارد، گالاهای محموله باید در جعبه های چوبی کاملاً بستهبندی شده باشد.

۴/۳/۲ - فروشنده، حداقل ۳۰ روز قبل از تحویل (کالا)، خریدار را از تحویل کامل گالاهای با ذکر تاریخ دقیق و توضیحات کامل گالاهای، مطلع خواهد ساخت.  
۴/۳/۳ - خریدار، وسایل، ضروری حمل و نقل مانند ظروف حمل و گشتی را حداکثر ۳۰ روز پس از تاریخ اطلاعیه تحویل، مندرج در بند ۴/۳/۲، در اختیار فروشنده قرار خواهد داد.

ماده ۵

جریمه برای تحویل پس از موعد مقرر

۵/۱ - در صورتیکه فروشنده بدلیل تقصیر انحصاری خود با توجه به تاریخ مربوطه مشخص شده در ضمیمه I در قرارداد، خریدار مجاز خواهد گردید جریمه ای معادل هفت درصد (۷٪) از بهای گالای تاخیر شده را برای هر هفته تاخیر دریافت دارد. (مجموع) جریمه ای مزبور از بیست درصد (۲۰٪) بهای گالای تاخیری فزونی نگرفته و به هیچوجه

ماده ۶

کیفیت کالا

۶/۱ - کیفیت کالا از ساخت جاری برخوردار بوده و از بهترین شرایط تکنیکی استانداردهای بین المللی تبعیت خواهد نمود.

ماده ۷

حل و فصل اختلافات

۷/۱ - در صورت وقوع هرگونه اختلاف بین خریدار و فروشنده در ارتباط با اجرا یا تعبیر این قرارداد، طرفین تلاش خواهند نمود که با اعتماد نسبت





سازمان مجاهدین خلق ایران ائتلاف می کند

# اسناد و مدارک یکی از مهمترین قراردادهای تسلیحاتی رژیم خمینی با دولت اسرائیل

کلیشه متن اصلی قرارداد

## بکلی ستری

CONTRACT No: 173164

Once said steps have been taken, both parties shall be irrevocably bound to fulfill the terms and conditions of this contract.

### ARTICLE 12

#### CERTIFICATES AND DOCUMENTS

- 12.1 The seller shall hand over to the buyer all necessary operational and technical documents such as log books, descriptions, technical publications and manuals, etc. in English language.
- 12.2 The necessary state and / or export licence for exporting the goods must be provided by the seller.
- 12.3 Providing any document in order to obtain export licence is the sole responsibility of the seller.

### ARTICLE 13

#### SUPPLEMENT AND AMENDMENT

- 13.1 In the event the buyer desires to order and to purchase more materials in addition to the quantities of this contract or materials of other sort which the seller may offer to sell, the parties hereby agree to enforce and enter such a sale agreement through a supplement or amendment to be signed and attached to this contract as follows:
- 13.2 Prices, quantities, and delivery schedule of said order will be agreed upon and set forth in detail in the supplement or amendment to this contract.
- 13.3 Terms and conditions of payment and other terms and conditions will be in accordance with this contract unless otherwise agreed on by both parties.
- 13.4 Such a supplement or amendment must be laid down in writing and will require the signature of both parties in order to be valid. It will be written on a form defined as "Supplemental Agreement to the Contract No. 173164".

بکلی ستری

## بکلی ستری

CONTRACT No: 173164

not be assigned in whole or in part by either of the parties without the written consent of the other part.

### ARTICLE 10

#### FORCE MAJUR

- 10.1 Force Majeur are sudden circumstantial events beyond the control of the seller and the buyer, such as, but not limited to acts of God, war, fires, revolutions, labour strikes and severe destruction of the production facilities.
- 10.2 Upon occurrence of Force Majeur affecting the contractual obligations, each party shall notify the other party by telex within 10 days.
- 10.3 The contractual obligations shall be extended for a period of time equal to the duration of event of Force Majeur.
- 10.4 Should such event last more than two consecutive months, the parties shall meet to agree on further actions to be taken concerning this contract.
- 10.5 Should the parties not agree on an event as Force Majeur the case shall then be handled according to Article Number 7 of this contract.
- 10.6 In case the event of Force Majeur lasts more than four (4) consecutive months the buyer reserves the right to terminate the contract.

### ARTICLE 11

#### EFFECTIVE DATE

This contract shall become effective on the last to occur of the following.

- 11.1 Signature of this contract by both parties.
- 11.2 Receipt by the seller of the End User Certificate.
- 11.3 Receipt by the seller of the advised letter of Credit
- 11.4 Receipt by the seller of the advanced payment.

بکلی ستری



## ترجمه متن اصلی قرارداد

به یکدیگر و مذاکره مستقیم و مشورت ، چنین اختلافی را فیصله دهند .

### ماده ۸ تغییرات

۸/۱ - مناسبات و شرایط مطروحه در این قرارداد تنها از طریق توافق مشترک کتبی طرفین تغییر پذیر بوده و طبقاً توسط نمایندگان مجازشان امضاء خواهد گردید .

### ماده ۹ انتقال

۹/۱ - این قرارداد و حقوق و تعهدات طرفین نامبرده ذیل ، استحقاق هر یک از طرفین و جانشینان و حواله گیران مربوطشان را تضمین نموده و برای آنها الزام آور خواهد بود . ( این قرارداد ) چه در کلیت خود ، و چه بخشی از آن ، توسط هیچیک از طرفین آن ، قابل انتقال نیست ، مگر در صورتی که طرف دیگر رضایت کتبی خود را اعلام دارد .

### ماده ۱۰

فورس ماژور ( حوادث اجتناب ناپذیر )

۱۰/۱ - " فورس ماژور " اتفاقات ناگهانی غیر قابل جلوگیری هستند که خارج از کنترل فروشنده و خریدار قرار می گیرند ؛ نظیر امور الهی ، جنگ ، آتش سوزی ، انقلابات ، اعتصابات کارگری و انهدام جدی تسهیلات تولیدی ، که البته تمامی موارد " فورس ماژور " را تشکیل نمی دهند .

۱۰/۲ - به هنگام وقوع حادثه ای اجتناب ناپذیر ، به نحوی که التزامات قراردادی را تحت تاثیر قرار دهد ، هر یک از طرفین ، طرف مقابل را در عرض ۱۰ روز توسط تلکس آگاه خواهد نمود .

۱۰/۳ - التزامات قرارداد معادل مدتی که حادثه ای " فورس ماژور " جریان دارد ، تمدید خواهد گردید .

۱۰/۴ - در صورتی که زمان چنین رخدادی به بیش از دو ماه متوالی بیانجامد ، طرفین ملاقات خواهند نمود تا در مورد اتخاذ اقدامات بیشتر در رابطه با این قرارداد به توافق برسند .

### ماده ۱۰/۵

رویدادی به عنوان " فورس ماژور " به توافق نرسند ، با مورد مطرح شده براساس ماده ۱۰/۲ این قرارداد رفتار خواهد شد .

۱۰/۶ - در حالتی که رویداد " فورس ماژور " بیش از چهار ( ۴ ) ماه متوالی ادامه یابد ، خریدار از حق فسخ قرارداد برخوردار می باشد .

### ماده ۱۱

#### تاریخ قابل اجرا

این قرارداد پس از انجام موارد ذیل ، قابل اجرا خواهد گردید :

۱۱/۱ - امضاء قرارداد توسط طرفین

۱۱/۲ - دریافت گواهینامه ای

#### END USER CERTIFICATE

( اختتام حق استفاده ) توسط فروشنده

۱۱/۳ - دریافت اطلاعات اعتبارنامه توسط فروشنده

۱۱/۴ - دریافت پیش پرداخت توسط فروشنده

هنگامی که مراحل یاد شده اجرا

گردید ، طرفین لاجرم متعهد به انجام مناسبات و شرایط این قرارداد خواهند بود .

### ماده ۱۲

#### گواهینامه ها و مدارک

۱۲/۱ - فروشنده ، تمامی مدارک عملی و تکنیکی ضروری چون دفترچه های ثبت ، توضیحات ، انتشارات تکنیکی و راهنماها و غیره را به زبان انگلیسی به خریدار تحویل خواهد داد .

۱۲/۲ - جواز ضروری کشوری و یا صادرات برای صدور کالا باید توسط فروشنده تامین گردد .

۱۲/۳ - فراهم آوردن هرگونه مدرک برای کسب جواز صدور ، مسئولیت منحصر به فرد فروشنده می باشد .

### ماده ۱۳

#### الحاقات و اصلاحات

۱۳/۱ - در صورت ابراز تمایل خریدار در سفارش دادن و خرید مقادیر بیشتر کالا علاوه بر کمیت ذکر شده در این قرارداد و با کالاهایی از نوع





سازمان مجاهدین خلق ایران اشیاء می کند

اسناد و مدارک یکی از مهمترین قرارداد های تسلیحاتی رژیم خمینی با دولت اسرائیل

کلیشه متن اصلی قرارداد

بکلی ستری

CONTRACT No: 173164 -8-

ARTICLE 16

SIGNATURE

In witness whereof both parties have executed this contract through their duly authorized representatives.

For the seller For the buyer



Represented by

Jacob Nimrodi



Represented by

Colonel K. Daghfan

Dated this Twentyfourth day of July 1981

Seller's representatives initials Buyer's representatives initials





بکلی ستری

بکلی ستری

CONTRACT No: 173164 -7-

ARTICLE 14

NOTICES AND ADDRESSES

14.1 Any and all notices required to be given under this contract shall be sent by telex as follows:

To buyer:  
DEPUTY MINISTER OF LOGISTICS  
MINISTRY OF NATIONAL DEFENCE  
ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN  
TEHRAN, IRAN. TELEX NUMBER: 212703 MIO IR

To seller:  
JACOB NIMRODI  
I.D.E. INTERNATIONAL DESALINATION EQUIPMENT LIMITED  
49 BEN-GVIROL STREET,  
TEL AVIV, ISRAEL. TELEX NUMBER: 341299 NIMR IL

14.2 Notices and correspondence concerning this contract between the parties shall be in English language.

ARTICLE 15

CONCLUSION

15.1 This contract consists of 16 Articles on 8 pages. Appendices Numbered from I to VI form an integral part of this contract as per article 1.2/1.3/2.2

Appendix I - 50 Units MGM/52 Lance as specified under Pro-Forma 470/18  
Appendix II - 40 Units 155mm Type Tampella as specified under Pro-Forma 470/19  
Appendix III - 3730 Units 155mm Copperhead plus LTM Units as specified under Pro-Forma 470/20  
Appendix IV - 4640 Units 155mm I.E.R.A.P. as specified under Pro-Forma 470/21  
Appendix V - 4300 Units 155mm M107 as specified under Pro-Forma 470/22  
Appendix VI - 68 Units MIM-23 Hawk as specified under Pro-Forma 470/23

بکلی ستری

ضمیمه VI - ۶۸ واحد MIM-23 هاگ مشخص شده در پیش فاکتور ۴۷۰/۲۳

ماده ۱۶ امضاء

در گواهی، طرفین، این قرارداد را از طریق نمایندگان مجاز مربوطه خویش اعتبار قانونی بخشیده اند.

برای خریدار (مهر وزارت دفاع رژیم خمینی و امضاء نماینده اش) نماینده: سرهنگ ک - دهقان علام اختصاری نام و نام خانوادگی نماینده خریدار

برای فروشنده (امضای نماینده فروشنده) نماینده: یعقوب نیمرودی علام اختصاری نام و نام خانوادگی نماینده فروشنده

تاریخ: ۲۴ ژوئیه ۱۹۸۱

ماده ۱۵ نتیجه

۱۵/۱ - این قرارداد شامل ۱۶ ماده در ۸ صفحه می باشد. ضامتی که از I تا VI شماره گذاری شده اند، بخش مکمل این قرارداد را مطابق بندهای ۱/۲، ۱/۳ و ۲/۲ تشکیل می دهند.

ضمیمه I - ۵۰ واحد LANCE MGM/52 مشخص شده در پیش فاکتور ۴۷۰/۱۸

ضمیمه II - ۴۰ واحد 155mm TAMPELLA مشخص شده در پیش فاکتور ۴۷۰/۱۹

ضمیمه III - ۳۷۳۰ واحد 155mm COPPERHEAD به اضافی واحدهای LTM مشخص شده در پیش فاکتور ۴۷۰/۲۰

ضمیمه IV - ۴۶۴۰ واحد 155mm H.E.R.A.P. مشخص شده در پیش فاکتور ۴۷۰/۲۱

ضمیمه V - ۴۳۰۰ واحد 155mm M107 مشخص شده در پیش فاکتور ۴۷۰/۲۲

ماده ۱۴ اعلانات و آدرس ها

۱۴/۱ - هرگونه یا همی اعلانات مورد نیاز تحت این قرارداد، توسط تلگس به ترتیب زیر ارسال خواهد گردید:

به خریدار  
معاونت وزیر در امور لجستیکی وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران تهران، ایران، شماره ی تلگس ۲۱۲۷۰۳ MIO IR

به فروشنده  
یعقوب نیمرودی شرکت بین المللی تجهیزات نمک رویی I.D.E. با مسئولیت محدود آدرس: اسرائیل، تل آویو، خیابان ابن گویرول شماره ی ۴۹ شماره تلگس NIMR IL ۳۴۱۲۹۹

۱۴/۲ - اعلانات و مکاتبه در ارتباط با این قرارداد بین طرفین به زبان انگلیسی خواهد بود.

ترجمه متن اصلی قرارداد

دیگر که فروشنده محتملا پیشنهاد فروش آنها را ارائه می دهد، طرفین بدین وسیله موافقت می کنند که چنین توافق نامی فروشی را از طریق الحاقات یا اصلاحات امضاء شده که به قرار زیر به این قرارداد ضمیمه خواهد شد، به مرحله اجرا بگذارند.

۱۳/۲ - قیمت ها، مقادیر و برنامه ی تحویل سفارش مذکور، مورد توافق قرار خواهد گرفت و جزئیات کامل آن در الحاقات و اصلاحات این قرارداد به ثبت خواهد رسید.

۱۳/۳ - مناسبات و شرایط پرداخت و دیگر مناسبات و شرایط با این قرارداد، مطابقت خواهد داشت، مگر در صورتی که طرفین به نحو دیگری به توافق رسیده باشند.

۱۳/۴ - چنین الحاقیه یا اصلاحیه ای باید بطور کتبی نوشته شده و اعتبار آن نیازمند امضاء طرفین خواهد بود. این (الحاقیه یا اصلاحیه) بر روی فرمی که "توافق نامی الحاقی به قرارداد شماره ی ۱۷۳۱۶۴" نامیده می شود، نوشته خواهد شد.



## سازمان مجاهدین خلق ایران افساء می کند:

# اسناد و مدارک یکی از مهمترین قراردادهای تسلیحاتی رژیم خمینی با دولت اسرائیل

کلیشه نامه سرهنگ یعقوب نیمرودی (نماینده شرکت اسلحه فروشی اسرائیل) به وزارت دفاع خمینی

ترجمه نامه سرهنگ یعقوب نیمرودی

TOP SECRET



I.D.E. INTERNATIONAL DESALINATION EQUIPMENT LTD

The Deputy Minister of National Defence for Logistics,  
Ministry of National Defence for Logistics,  
Islamic Republic of Iran,  
TEHRAN, Iran.

Ref.No: 672/5/81

12th October, 1981.

Dear Sir,

We refer to our last correspondence with you dated 24th September, 1981, re the shipment/loading problems that were delaying finalisation of this contract. As we discussed with yourself and Mr. Nosratinia on 19th August 1981, this aspect of the operation would present problems that we may not be able to overcome. The IMCO regulations prohibit the open loading of this material in Rotterdam/Antwerp. For obvious reasons we could not load in Zeebrugge as a full inspection of the cargo manifest would be necessary.

This situation now appears to have been resolved. It has however incurred us in a great deal of additional expense and will necessitate us asking you to assist us in this matter.

Primarily what is happening is containerisation of Proforma Invoice number 470/18 and loading and customs clearance effected as metal fabricates. But to ensure that this situation is not compromised, our friends in Rotterdam/Antwerp have made it a precondition that the containers arrive at the docks on the same date as your conference line vessel and are loaded immediately. To this end we have had to give absolute assurances to this effect. It is therefore vital that the simultaneous arrival of goods and vessel be adhered to.

We must also inform you that due to containerisation we have found it necessary to dismantle a little more than was originally anticipated. This should not pose any major problems on arrival as this pertains only to the chassis/carrier.

We would ask that another meeting be arranged as soon as possible to discuss the matter to the satisfaction of both parties.

With thanks and Best Regards,

We remain,  
Yours Sincerely,

Jackob Nimrodi

یکلی — ی

(شرکت بین المللی تجهیزات نمک رویی I.D.E با مسئولیت محدود)

\* \* \*  
معاونت وزیر دفاع ملی برای امور لجستیکی  
وزارت دفاع ملی برای امور لجستیکی  
جمهوری اسلامی ایران  
تهران، ایران

شماره عطف: ۶۷۲/۵/۸۱

۱۲ اکتبر ۱۹۸۱

آقای عزیز

توجه شما را به آخرین مکاتبهی خود خطاب به شما به تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۱ جلب می نمایم که در آن به مشکلات بارگیری و حمل که باعث تاخیر در قطعیات یافتن این قرارداد می گردید، اشاره شده بود.

همانطور که با شخص شما و آقای نصرتی نیا در ۱۹ اوت ۱۹۸۱ صحبت نمودیم، این جنبه از کار می تواند مشکلاتی را به همراه آورد که شاید ما قادر به حل آنها نباشیم. مقررات IMCO (سازمان شورستی دریانوردی بین دولتها) بارگیری آشکار این محموله را در رتردام/آنتورپ ROTTERDAM / ANTWERP منع می دارد. بنا به دلایل واضح، در زبروگ (ZEEBRUGGE) هم نمی توانیم بارگیری کنیم. چرا که طبقا یک بازرسی کامل از بارنامهی گشتی لازم خواهد بود.

وضعیت مزبور اکنون حل شده به نظر می رسد. اما، ما را متحمل مخارج فوق العاده زیادی نمود که ما را به درخواست یاری از جانب شما در این مورد ناگزیر می سازد.

در وهلهی اول آنچه که اتفاق خواهد افتاد، این است که (کالاهاى مندرج در) شماره فاکتور مقدماتی ۴۷۰/۱۸ در ظروف و بسته های استاندارد، حمل و نقل شده و به عنوان فرآورده های فلزی، بارگیری و ترخیص گمرکی گردند. ولی برای کسب اطمینان از عدم به مخاطره افتادن اوضاع، دوستان ما در رتردام/آنتورپ قید نموده اند که به عنوان یک شرط، تاریخ ورود ظروف حامل محموله جات به بارانداز باید همزمان با ورود سفینهی خطوط کشتیرانی مورد نظر شما بوده و بارگیری بی درنگ انجام یابد. برای این منظور ناگزیر گشتیم که اطمینان قاطع خود در تحقق این امر را ابراز داشته و بنابراین حیاتی است که ورود همزمان کالا و گشتی چفت گردند.

همچنین باید به اطلاعاتی برسائیم که به علت استاندارد شدن محموله جات، ناچار شدیم اجزاء و آلات را بیش از آنچه که بدو پیش بینی می گردید پیاده نمائیم. از آنجائی که این مسئله صرفا به "شاسی حامل" ارتباط می یابد، این امر مشکلات عمده ای را به هنگام ورود نبایستی فراهم آورد.

مایلم درخواست نمائیم که ملاقات دیگری در اسرع وقت ممکن جهت بحث و گفتگو پیرامون این مسئله ترتیب یابد.

با تشکر و بهترین احترامات

ارادتمند شما یعقوب نیمرودی

JACKOB NIMRODI

خمینی

ترجمه: محمد... (نام نامشخص)

Handwritten signature



سازمان مجاهدین خلق ایران افشاء می کند:

## اسناد و مدارک یکی از مهمترین قراردادهای تسلیحاتی رژیم خمینی با دولت اسرائیل

برخی از اسناد درونی بالاترین ارگانهای رژیم در رابطه با قرارداد تسلیحاتی با اسرائیل

شماره ۲۵۱/۲/۲۵۱-۴  
تاریخ ۱۳۶۰/۸/۲  
پرست

جمهوری اسلامی ایران  
شورای عالی دفاع ملی

وزارت دفاع ملی

گزارش شماره ۲۱۴/م/دو مورخ ۱۳۶۰/۸/۲ آن وزارت در جلسه مورخ ۱۳۶۰/۸/۲ شورای عالی دفاع ملی مورد بررسی قرار گرفت.

شورای عالی دفاع ملی چنین تصمیمگیری نمود که در صورت ابراز پیشنهاد آتشبس وسیله رژیم عراق، در صورتی این امر مورد موافقت قرار خواهد گرفت که مبتنی بر شرایط دولت جمهوری اسلامی ایران باشد.

مراستب جهت اطلاع اعلام میگردد.

دبیر شورای عالی دفاع ملی

خیلی فوری

بکلی سرتی

شماره ۲۱۴/م/دو  
تاریخ ۱۳۶۰/۸/۲  
پرست دارد

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت دفاع ملی

شورای عالی دفاع ملی

به پیوست نامه شماره ۶۷۲/۵/۸۰ مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۸۱ شرکت سرهنگ نمبرودی همراه با ترجمه متن آن ابفاد میگردد.

طبق گزارشات منابع موثق اطلاعاتی و اخبار واصله از سرویسهای همکار، رژیم عراق بررسیهای در زمینه آتشبس احتمالی ماه محرم بعمل آورده که چنین استنباط میگردد. تقریباً "پیشنهاد نماید".

با توجه بحفاد نامه شرکت سرهنگ نمبرودی و بررسیهای تدارکاتی، این وزارت معتقد است که ایلح میباید در صورت ابراز چنین پیشنهادی از طرف رژیم عراق، بمنظور استفاده از امکان زمانی که از این راه عاید میشود، موضوع امر با نظر مساعد مورد بررسی قرار گیرد.

وزیر دفاع ملی

بکلی سرتی

خیلی فوری

شماره ۱۳۵/۲/۲۵۱-۴  
تاریخ ۱۳۶۰/۷/۲۳  
پرست

جمهوری اسلامی ایران  
نخست وزیر

وزارت دفاع ملی

عطف به نامه شماره ۲۱۴/م/دو مورخ ۱۳۶۰/۷/۲۹ مفتضی است گزارش مبسوط همراه با پیشنهادات لازم جهت طرح در جلسه شورای عالی دفاع ملی مورخ ۱۳۶۰/۸/۲ تهیه گردید.

نخست وزیر

خیلی فوری

بکلی سرتی

شماره ۱۳۱۳/م/دو  
تاریخ ۱۳۶۰/۷/۲۹  
پرست

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت دفاع ملی

مقام منبع نخست وزیر

گزارشات منابع موثق اطلاعاتی و اخبار واصله از سرویسهای همکار حاکی از این است که رژیم عراق بررسیهای در زمینه آتشبس احتمالی ماه محرم بعمل آورده که چنین استنباط میگردد تقریباً "پیشنهاد نماید".

مراستب جهت استحضار و صدور هر گونه اوامر بعرض میرسد.

وزیر دفاع ملی

خیلی فوری

بکلی سرتی



## سازمان مجاهدین خلق ایران افساء می کند:

## اسناد و مدارک یکی از مهمترین قراردادهای تسلیحاتی رژیم خمینی با دولت اسرائیل

در حال حاضر تدارک محمولات قرارداد سرهنگ نیمروزی به مرحله آخر رسیده و طبق اطلاع واصله در هفته دوم اسفندماه از کشور وی بمقدار سنادر اروپا جهت بازگویی در کشتی شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران حمل خواهد شد. در طول این مدت تمام کوشش برای حمل مستقیم محمولات بعمل آمده بدلیل وضع خاص کشور نامبرده امکانپذیر نیست. یکی از دلایل ارائه شده حمل موثقلانسی است که فقط از اروپا بمقدار ایران میتوانند حمل کنند و ماحمل این جریانات تقبیر برنامه حمل میباشد.

با برنامه ریزی فعلی تا اواسط فروردین ماه ۱۳۶۱ محمولات به بندر عباس وارد شده و تا اوایل اردیبهشت و با حداکثر نیمه دوم این ماه بشور کامل در اختیار رخصه های عملی قرار خواهد گرفت.

با عرض مراتب فوق مستدعی است در صورت تحویب این امر در یکی از جلسات شورای عالی دفاع ملی مجدداً مطرح گردد.



بکلی سوری

خیلی فوری

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت دفاع ملی

مقام سمیع نخست وزیر

شماره ۳۲۲۷/م/دو  
تاریخ ۱۳۴۰/۸/۱۷  
پرست

فشانخور که معمولاً بطور شفاهی بمعرض عالی رساید و در تنظیم آن تراپس لازم میدانند بکار دیگر حسیه های مختلف را که در حلیه شورایی عالی دفاع ملی مورخ ۱۳۶۰/۸/۲ مطرح نمود. لحاظ اهمیت حیاتی آن مجدداً گزارش نمائید.

در حالیکه مشکلات سیاسی حاکم و وضع حساس و ناسامان اقتصادی موجود در کشور که در مور اهمیت فراوان است مد نظر میباشد. معجزاً تصمیم گیری در زمینه امکان تسلیح آتش بس با رژیم عراق که بطور مقل به جناب محت الاسلام المسلمین آقای هاشمی رفسنجانی عرض شد حیاتی است. دلایل مختلف قبلاً مطرح شده ولی دلیل اصلی زمان است که در شرایط کنونی بیش از هر چیز به آن نیاز داریم.

در حال حاضر مراحل آخر قرارداد سرهنگ نیمروزی در حال انجام است و با برنامه ای که ستاد عملیاتی تدارک دیده و محاسبات همه جانبه ای که بر آن اساس بعمل آمده است میتواند سر وقت ساز باشد. شورایی عالی دفاع ملی آگاهی کامل دارد که مرحله نهایی سپار ۱۳۶۱ آخرین فرصت برای پایان دادن باین جنگ تعمیلی و پیروزی ارتش اسلام میباشد و در این رهگذر هیچگونه عامل حساب نشده نمیتوانی موجود باشد. همین امر است که لزوم یک آتش بس ولو بصورت مشروط را مطرح میسازد.

## توضیحاتی پیرامون متن قرارداد و سایر اسناد:

چگونه سردمداران اصلی رژیم در جریان جز جز مسائل مربوط به روابط و مبادلات با اسرائیل بوده اند. باز هم من باب نمونه کافی است به سند شماری در سند مزبور جانشین وزیر دفاع، خطاب به نخست وزیر، ضمن اشاره به اینکه می خواهد مطالبی را که در جلسه شورای عالی دفاع مطرح نموده، مجدداً گزارش نماید، می گوید: "... مراحل آخر قرارداد سرهنگ نیمروزی در حال انجام است..." و چند سطر بعد باز می گوید (بوضیحات داخل برانتز از ماست):

"در حال حاضر، تدارک محمولات قرارداد سرهنگ نیمروزی به مرحله آخر رسیده و طبق اطلاع واصله، در هفته دوم اسفند ماه از کشور وی اراستی اسم "کشور وی" پاورقی:

"رفسنجانی علاوه بر ریاست مجلس و موقعیت ویژه اش به عنوان نزدیکترین، سرسپرده و طبقاً قدرتمندترین مبره ی خمینی، مشخصاً در شورای عالی دفاع نیز به عنوان نماینده ی خمینی (که از جانب خود او به این سمت منصوب شده) شرکت

بسیار "ضامه پریالیستی" و "ضد صهیونیستی" بی وقفه برک می شدند. جالب توجه اینکه، این قرارداد مربوط به ۲ سال پیش و فقط ۴ - ۵ هفته پس از ۳۰ خرداد سال ۶۰ می باشد. یعنی مربوط به همان روزهایی که خمینی (منجمله با برخورداری از حمایت ها و همکاری های ضد انقلابی حزب توده) بدنیاال یکپایه و مطلقاً ارتجاعی کردن رژیمش، عصر بی سابقه ترین اعدام های ضدیشی اش را به منظور قتل عام و نابودی رشیدترین و پاکبخته ترین فرزندان انقلابی و مجاهد خلق، شروع کرده بود و در این رهگذر حزب توده نیز پا به پای دیگر مزدوران و جاسوسان جنایتکار رژیم، در همکاری با نهادهای سرکوبگر خمینی و در لو دادن مجاهدین و دیگر انقلابیون این میهن، از هیچ اقدامی (البته تحت عنوان مبارزه با ضد انقلاب!) فروگذار نمی کرد و حتی پس از اینکه طومار این موسسه جاسوسی و مردم فروشی (حزب توده) درهم پیچیده شد، دست از این خورشرقصی های ضد انقلابی اش به نفع رژیم خمینی نکشید!

در اسنادی که ملاحظه کردید، بخوبی آشکار است که

کلی هم در آن گنجانده شده (ماده ی ۱۳ قرارداد) که بر اساس آن طرفین (بر اساس همین قرارداد و با توافق یکدیگر) در آینده نیز به انجام هر نوع معامله ای - چه در زمینه تسلیحات و چه در سایر زمینه ها - و به هر میزان که بخواهند می توانند اقدام کنند. به عبارت دیگر، این قرارداد در عین حال، چارچوبی است برای معاملات پایدار تسلیحاتی و اقتصادی بین رژیم خمینی و اسرائیل.

۳- روابط و معاملات رژیم خمینی با اسرائیل که قرارداد مورد بحث، نمونه ی آن است، مستقیماً تحت نظر و بدستور سران اصلی رژیم از خود خمینی گرفته تا خامنه ای و رفسنجانی و نخست وزیر و رئیس پاسدارانش و ... (یعنی همان سردمداران و سرسپردگان خط امام!) که در عین حال اعضا اصلی شورای عالی دفاع هم هستند) برقرار گردیده و در هر مقطع نیز تصمیمات مربوطه توسط همین ها اتخاذ شده است. به عبارت دیگر، دقیقاً توسط همان امام! و همان گونه سردمداران خط امام! که آن همه مورد ستایش جبهه ی متحد ارتجاع بوده و توسط این خائنین به خلق، با عناوین

چنین اختلافی را فیصله دهند!" زیرا واضح است که طرح هرگونه اختلاف احتمالی با هر مرجع ثالثی، باعث فاش شدن قرارداد مزبور می گردد. رابعاً - بر اساس مفاد قرارداد، سلاح های خریداری شده، ابتدا از اسرائیل به رتردام/آنتورپ منتقل شده و پس از تخلیه، بلافاصله بوسیله ی کشتی های شرکت کشتیرانی رژیم خمینی به ایران (بندر عباس) حمل و نقل می شوند. خلاصاً - ...

اما نیازی به توضیح نیست که پنهان کاری های فوق الذکر تا وقتی می توانست موثر باشد که منجمله خود اسناد مربوطه هم هرگز فاش نمی شد. اما اکنون سند "بکلی سوری" این قرارداد که در ابتدای اولین صفحه ی آن هویت طرفین معامله را برملا می کند و نیز سایر اسناد که صراحتاً به موضوع این قرارداد (معامله ی اسلحه) اشاره دارند، در معرض دید و قضاوت همگان قرار گرفته و بنابراین، ملاحظاتی و پنهان کاری های فوق الذکر، گارآئی خود را از دست داده اند. ۲- علاوه بر میزان قابل ملاحظه ی معامله ی سلاح از طریق این قرارداد (به بهای بیش از ۱۳۵ میلیون دلار) یک ماده ی

۱- در تنظیم شکل قرارداد، تلاش شده است که بخصوص موضوع آن که همانا معامله ی اسلحه بین رژیم خمینی و اسرائیل است، مخفی بماند. زیرا واضح است که این موضوع، با سیاست های تبلیغاتی هیچیک از طرفین قرارداد و بویژه رژیم خمینی، سازگاری نداشته است.

در این مورد به چند نمونه می توان اشاره کرد: اولاً - نام موسسه ی فروشنده ی سلاح ها، یک نام مستعار خیلی بانمک! یعنی "شرکت بین المللی تجهیزات نمک روسی I.D.E. با مسئولیت محدود" می باشد!

ثانیاً - اسامی انواع سلاح های خریداری شده، در متن قرارداد فقط به صورت رمز اشاره شده و کلید این رموز نیز در ضامه جداگانه ای است که بخش مکمل این قرارداد را تشکیل می دهند.

ثالثاً - در رابطه با جلوگیری حل و فصل اختلافات احتمالی تنها راهی که در قرارداد پیش بینی شده و طرفین ملزم به آن گردیده اند، از این قرار است:

"طرفین تلاش خواهند نمود که با اعتماد به یکدیگر و مذاکره ی مستقیم و مشورت،



# نفت خمینی در تانکهای بگین به قیمت نازل

از روزنامه‌ی ایتالیایی IL MANIFESTO ۸/۸/۸۲

بنابراین، این سیاست تهران، فرضیه‌ای که مبنی بر آن بتوان از طریق تحریم نفتی آمریکا توسط اعراب، ایالات متحده را به منظور جلوگیری از تجاوز اسرائیل به لبنان تحت فشار قرار داد را بیپایه جلوه می‌دهد و در عوض اخیرا به موازات اوج‌گیری زد و خورد در غرب بیروت، دولت آیت‌الله‌ها از این هم -لوتر رفته و بطور مستقیم نفت در اختیار تل‌آویو قرار می‌دهد. این معامله مصیبت‌بار که با قیمت بسیار نازل انجام گرفته عامل بسیار مهم استراتژیکی بود که "شارون" را برای تضمین در بکار گرفتن ماشین جنگی بی‌رحم مطن می‌ساخت.

ایران در واقع از اول اوت با واسطه گرفتن یک مجمع لبنانی، قراردادی به مبلغ ۵۰ میلیون دلار برای خرید تسلیحات متوسط و سنگین و تدارکات به غنیمت گرفته شده توسط اسرائیلی‌ها از انبارهای سوری و فلسطینی در جنوب لبنان را به امضاء رسانده است (مجمع لبنانی فوق‌الذکر که مقرش در سوئیس بوده و بوسیله‌ی گروهی از افراد شیعیان لبنان که به گروه اسلامی حاکم در ایران وابسته‌اند و همچنین با گروه‌های فالانژ هوادار اسرائیل در لبنان نیز در تماس می‌باشد، رهبری می‌شود). باز هم بنا بر اطلاعات واصله، بهای نازل نفت عرضه شده از جانب تهران فقط ۲۲ دلار برای هر بشکه‌ی نفت سبک بوده است (در حالی که نرخ رسمی آن ۳۱ دلار در بازار "رتدام" تقریبا ۲۹ الی ۳۰ دلار برای هر بشکه می‌باشد). ولی با توجه ۵۰ حق‌الحساب

به نظر منابع صاحب‌نظر و مطلع و موثق و همچنین به تأیید اخبار موجود در محلات تجاری فالانژنشین متعلق به مسیحیان شرق بیروت، سیاست پیش‌بینی نشده‌ی تهران مبنی بر انعقاد قرارداد و صادرات نفت مخصوصا با تل‌آویو سهم عمده‌ای در منزلت نمودن قیمت نفت اعراب منطقه‌ی خلیج‌فارس داشته است. این سیاست نفتی غیرمستولانه‌ی تهران نه تنها ادامه‌ی تضاد بین عملکردها از یک طرف و مواضع خشن مطروحه در برابر غرب از طرف دیگر می‌باشد، بلکه موید تداوم روابط اقتصادی - استراتژیک آنها با اسرائیل این مجهول‌ترین گره‌ی موجود در خاورمیانه است.

مدتهاست که (N.I.O.C.) شرکت دولتی ایران انعطاف - پذیری و تسهیلات ویژه‌ای را در برابر شرکت‌های چندملیتی SHELL و B.P. (حتی از طریق واسطه‌هایی مثل "GATOIL INTERNATIONAL") از خود نشان داده است و روابط بی‌وقفه‌ای با دپارتمان فدرال انرژی ایالات متحده آمریکا برای عرضه به ذخائر استراتژیکی آن برقرار کرده است. نفت سبک ایران که به قیمت تقریبا ۳۰ دلار برای هر بشکه، جدا از معاملات دیگر با شیوه‌های متفاوت، عرضه می‌شود موقعیتی را بوجود آورده که در آن نفت مشابه عربستان سعودی که در بازار رسمی و آزاد به ترتیب به بهای ۳۲ و ۳۴ دلار برای هر بشکه عرضه می‌شود، بی‌مشتی بماند و از آنجا که عربستان تنها کشور عربی است که نفت به آمریکا صادر می‌کند،

برای دریافت پول اضافه بابت سلاح‌های فروخته‌شده، در حالی صورت گرفته که ماده‌ی ۲ قرارداد مزبور، بهای کل کالاهای مربوطه (تسلیمات) را که به مبلغ ۱۳۵/۸۴۲/۰۰۰ دلار تعیین شده، ثابت و نهائی تلقی کرده و تأکید نموده که تحت تأثیر نوسانات پولی و ... افزایش و کاهش نخواهد یافت. ۴ - هر چند که قرارداد فروش اسلحه توسط اسرائیل به رژیم خمینی، ظاهرا توسط یک شرکت غیردولتی (آن هم با نام مستعار "شرکت بین‌المللی

سازمان مجاهدین خلق ایران افساء می‌کند:

## توضیحاتی پیرامون متن قرارداد و سایر اسناد:

در زمینه‌ی مسئولیت مستقیم خمینی و دیگر سردمداران رژیمش در مورد روابط و معاملات تسلیحاتی با اسرائیل، باز هم به مدارک استناد می‌کنیم: سرهنگ نیمرودی در نامه‌ای که به تاریخ ۱۲/اکتبر/۸۱ (۲۰/مهر/۶۰) خطاب به معاون امور لجستیک وزارت دفاع رژیم خمینی فرستاده، ضمن برشمردن اشکالاتی که "شرکت نمک‌روبی" (وی همان موسسه‌ی اسرائیلی فروش اسلحه) با آن مواجه بوده و همچنین ضمن اشاره به برطرف شدن مشکلات مزبور، متذکر می‌گردد که از این بابت متحمل پرداخت هزینه‌هایی شده و بالاخره پس از این مقدمه‌چینی‌ها (به منظور جبران هزینه‌های مورد ادعا و تلک کردن رژیم) درخواست ملاقات و مذاکره می‌کند. سپس وزارت دفاع خمینی در تاریخ ۸/۲/۶۰ برای کسب تکلیف در مورد این تقاضای سرهنگ نیمرودی، عین نامه‌ی او و ترجمه‌ی آن را (به ضمیمه‌ی خبری پیرامون تصمیم دولت عراق مبنی بر ارائه‌ی پیشنهاد در مورد آتش‌بس) برای شورای عالی دفاع ارسال می‌دارد.

دو روز بعد یعنی در تاریخ ۶/۸/۶۰، شورای عالی دفاع، پاسخ خود را طوری تنظیم و برای وزارت دفاع ارسال می‌کند که فوری‌ترین نتیجه‌ی آن، دستور سرهنگ ایمانی جانشین وزیر دفاع به سرهنگ دهقان در مورد مذاکره‌ی فوری بوده است. لازم به توضیح است که سرهنگ دهقان، یعنی همان نماینده‌ی رژیم خمینی در جریان قرارداد با اسرائیل، در آن زمان فرمانده لجستیک و معاون وزارت دفاع رژیم خمینی بود. این دستور همچنانکه در کلیشه‌ی اسناد ملاحظه کردید، در حاشیه‌ی همان پاسخ شورای عالی دفاع به سرهنگ دهقان ابلاغ گردیده است.

البته اگر چه ظاهرا در متن این دستور، نامی از طرف دیگر مذاکره به میان نیامده اما با توجه به موضوعات مورد بحث و نیز با توجه به نقش سرهنگ دهقان در رابطه با قرارداد اسلحه با اسرائیل، روشن است که طرف این مذاکره، کسی جز سرهنگ نیمرودی نیست. بویژه که نیمرودی در نامه‌اش مشخصا خواستار ملاقات و مذاکره شده بود. از سوی دیگر لازم است این نکته را هم اضافه کنیم که تقاضای ضمنی سرهنگ نیمرودی

چیست؟! و چرا در اینجا از همان عنوان "رژیم اشغالگر قدس" که این همه در تبدیفات و شعر و شعارهای رژیم خمینی رایج است، استفاده نشده است؟! به مقصد بنادر اروپا جهت بارگیری در کشتی شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران حمل خواهند شد. در طول این مدت، تمام کوشش‌ها برای حمل مستقیم محمولات، به عمل آمده که به دلیل وضع خاص کشور نامبرده! امکان‌پذیر نیست (اولا در کجای این گزارش، نام کشور مورد اشاره برده شده و ثانيا مگر این کشور نامبرده! چه وضع خاصی دارد؟ نکند وضع خاص آن این است که خمینی قصد فتح آن را با سلاح‌ها و ویزاهایی که از رژیم آن می‌گیرد، دارد؟! یکی از دلائل ارائه شده، حمل موثک لانس است (به نوع سلاح‌های دریافتی از اسرائیل توجه شود) که فقط از اروپا به مقصد ایران می‌توانند حمل کنند ... با برنامه‌ریزی فعلی، تا اواسط فروردین ماه ۱۳۶۱ محمولات به بندرعباس وارد شده و تا اوایل اردیبهشت و یا حداکثر تا نیمه‌ی دوم این ماه، بطور کامل در اختیار جبهه‌های عملیاتی قرار خواهد گرفت ..."

جالب است که یادآوری کنیم تاریخی که وزارت دفاع خمینی بطور قطعی برای رسیدن سلاح‌های اسرائیلی به جبهه‌های جنگ پیش‌بینی کرده، تقریبا همزمان و یا در آستانه‌ی تهاجماتی است که رژیم خمینی تحت عنوان "عملیات بیت‌المقدس" در جبهه‌ها انجام داد! بر این اساس، لابد دلیل انتخاب عنوان "عملیات طریق - القدس" برای یکی دیگر از تهاجمات رژیم در جبهه‌ها (در نیمه‌ی دوم سال ۶۰) نیز رسیدن یک پارتی دیگر از سلاح‌های اسرائیلی به جبهه‌های "جنگ حق علیه باطل" در آستانه‌ی آن تهاجم بوده باشد؟! بهر حال، دلیل این نامگذاری هرچه که باشد، حداقل در این تردید نیست که افشاگری سازمان مجاهدین خلق ایران در رابطه با تلکس تقاضای پرواز یک هواپیمای در بخت از تل‌آویو به تهران، قبل از آن تهاجم (ولی نه با فاصله‌ی چندانی) انجام گرفت (البته باید یادآوری کنیم که اجازه برای پرواز مزبور، برای ۴ ژوئن تقاضا شده بود).

نماینده‌ی خریدار (رژیم خمینی) تسلیم گردد. بدین ترتیب روشن می‌شود که شرکت بین‌المللی باصلاح "نمک‌روبی" محطی بیش نیست و طرف اصلی این قرارداد با رژیم خمینی، کسی جز دولت اسرائیل (حتی اگر میزان دخالت آن، فقط دادن جواز صدور و تصدیق آن توسط وزارت دفاع باشد) نیست! و این واقعیت قبل از همه برای طرفین قرارداد، یعنی رژیم خمینی و دولت اسرائیل که آنرا امضاء کرده‌اند، روشن بوده است.

نمک‌روبی ...؟! انجام گرفته است، اما همچنانکه در متن قرارداد ملاحظه کردید، ماده‌ی ۲ آن چنین مقرر می‌دارد (توضیحات داخل پرانتز از ماست): "مسئولیت تهیه‌ی هر نوع جواز صدور (صدور تسلیحات از اسرائیل به ایران) به عهده‌ی فروشنده (شرکت اسرائیلی) می‌باشد. این جواز باید توسط وزارت دفاع (اسرائیل) مورد تصدیق قرار گرفته و یک نسخه فتوکپی گواهی شده‌ی آن قبل از تحویل کالا (اسلحه) به



## جزئیات قراردادهای

### اسلحه، نفت و تریاک طباطبائی

توضیح: این مقاله در تاریخ ۲۴/ژانویه/۸۳ در نشریه آلمانی "وینا پروفایل" بچاپ رسید و سپس نشریه (J.P.I.S.) وابسته به وزارت بازرگانی آمریکا که مقالات مربوط به کشورهای مختلف را از سایر نشریات جمع آوری کرده و منتشر می‌کند، این مقاله را به چاپ رسانید. ذیلاً ترجمه این مقاله را به نقل از نشریه (J.P.I.S.) تحت عنوان "جزئیات قراردادهای اسلحه، نفت و تریاک طباطبائی" می‌خوانید:

ارتش خمینی ۵۰۰ تانک T-۷۲ ساخت شوروی را نه از شوروی بلکه از اسرائیلی‌ها دریافت نمود که این تانکها بوسیله اسرائیلی‌ها از ساف (سازمان آزادیبخش فلسطین) و ارتش سوریه در لبنان صادره شده بود. قیمت آنها ۷۰۰ میلیون شلینگ اطریش بوده که بوسیله نفت تخفیف داده شده (نفت حراج شده) پرداخت گردید. بخاطر از میان بردن ردپای این قرارداد شگفت‌انگیز و برای اختلافات عقیدتی، یک شرکت سوئسی بنام (Draycott Trade and Finance Limited) که مرکز آن در Fribourg است دست بکار گردیده بود. بنا به گزارش روزنامه میدل ایست در لندن این قرارداد در ۲ اوت ۸۲ به انجام رسید. در آن موقع ۲۰۰ سرباز ... برای جنگ با اسرائیل به لبنان فرستاده شده بودند. قیمت نفت ایران ۲۶ تا ۲۷ دلار برای هر بشکه بود و شرکت سوئسی ۵ دلار در هر بشکه حق دلالی دریافت می‌نمود و در نتیجه ایرانیان قیمت جهانی ۳۳ الی ۳۴ دلار در هر بشکه را تا یک سوم (۱/۳) تخفیف داده‌اند. مدیرکل شرکت Draycott به نام لووات (Lovat) مکدونالد در اولین تماس در هتل "زنو پرزیدنت" در ماه آوریل ۸۱ شرکت نمود. در این مذاکرات صادق طباطبائی تروریست‌های راست‌گرای ایتالیائی و دلال اسلحه "استفانو دلچیبایی" و دلال نفت زوریخی به نام "هانس آلبرت گانز" شرکت کرده بودند. "گانز" نه تنها معاملات نفتی با ایران می‌کند بلکه اداره‌ی ثروت خواهر شاه (اشراف پهلوی) را نیز به عهده دارد، کاری که به نظر می‌رسد اطرافیان خمینی را ناراحت نمی‌کند. "استفانو دلچیبایی" دوره‌ی جوانی خود را با نفوذ فاشیست‌ها آغاز نمود. پلیس بدنبال او به عنوان عامل اصلی تقریباً تمام حملات بزرگ بوسیله بمب که از طرف راست‌گرایان صورت می‌گیرد،

## تسلیمات برای خمینی

بقیه از صفحه ۱۱

به مدارکی دست پیدا می‌کند که تشکیل‌دهنده پرونده‌های است که یک هیئت داوری (قضائی) بزرگ، طی تحقیقاتش در مورد ۱۵ شرکت آمریکائی که تجارت غیرقانونی اسلحه با ایران داشته‌اند گرد هم آورده بود. در بین این پانزده شرکت نام شرکت R.R.C دیده می‌شود. بعلاوه صورت مجلسی که در اینجا چاپ شده است و دستور شروع یک محاکمه قضائی را می‌دهد، بیانگر آن است که اولین تحقیقات قضات به فاصله‌ی زمانی اول سپتامبر ۱۹۸۰ تا اول مارس ۱۹۸۲ برمی‌گردد. در زمانی که آمریکا (ظاهراً) با ناراحتی، خواهان آزادی ۵۲ گروگان سفارت آمریکا در تهران می‌باشد (در همان زمان) چندین شرکت (در مجموع ۱۵ عدد) مشغول قاچاق با رژیم خمینیت (خمینی) هستند و به آن چندین میلیارد دلار اسلحه تحویل می‌دهند! "گارلوس دولمو" جریان را تعریف می‌کند و دولت و اداره‌ی گمرکات آمریکا را متهم می‌سازد که از خود سخت‌گیری نشان نمی‌دادند و این عمل دقیقاً توسط وزارت امور خارجه و وزارت دفاع آمریکا هماهنگ می‌شده است. وی اسناد زیادی گرد آورده است که نشان می‌دهد او عمل خلاف قانونی

که دلیل آن ارسال همین نوع اسلحه به آفریقای جنوبی بود. صادرات اسلحه به آن کشور غیرقانونی است. ترتیب‌دهنده‌ی تمام حمل و نقل‌های اسلحه به ایران یک مرد ۴۰ ساله‌ی دکترای بیوشیمی است (صادق طباطبائی) که یکی از نزدیکترین افراد مورد اعتماد امام خمینی می‌باشد. موقعیکه رهبر انقلاب به خاک ایران در فوریه ۱۹۷۹ دوباره قدم نهاد، "دامادش" طباطبائی تنها چند قدم از وی عقب‌تر بود. این جوان امیدوار، بزودی سخنگوی دولت و معاون نخست وزیر گردید و از نوامبر ۷۹ تا سپتامبر ۱۹۸۰ نقش رئیس دولت را اجرا نمود. بخاطر درس خواندنش در بوخوم و آخن، وی مرد آیدئال برای برقراری زنجیر اسلحه در آلمان غربی بود. در لندن او شرکت Batco را پیدا کرد و بعداً زنجیر را به زوریخ، دوسلدورف و وین وصل نمود. در مصاحبه‌ای با اشپیگل، طباطبائی آزادانه تصدیق نمود

تسلیمات وجود ندارد و تنها یکسری شماره روی آن دیده می‌شود. لوازم یدکی F14 و موشکها با عبور از لندن، میامی، مادرید، زنو، زوریخ و ورشو روزانه توسط هواپیماهای باری به مقصد ایران پرواز می‌کردند. اهمیت این اظهارات در وجود یک چنین بازاری نیست، بلکه در سیاست دو پهلوی آمریکا می‌باشد. از اواسط سال ۱۹۸۰، شایعه وجود چنین جریانی وجود داشت و هواپیماهای باری بطور مرتب در فرودگاههای اروپا دیده می‌شدند. در مقابل این جریانات، دولت آمریکا تنها یک پاسخ می‌داد: "هیچگونه قطعات یدکی برای ارسال به ایران نه در هواپیمائی بازرگانی و نه جابجا شده است!" (زیرا) در حالی که رئیس‌جمهور ریگان، ایرانیان را وحشی می‌خواند، مسلماً افکار عمومی آمریکا وجود چنین بازاری را توهین به اخلاق غربی تلقی می‌نمودند. به این ترتیب این میزان بسیار زیاد وسائل نظامی از سه سال پیش تاکنون روزانه بطرف ایران سرازیر می‌شود. و این در حالی است که تمام شرکا و طرفین معامله رسماً و با ضمانت تمام جریان، توسط دولت ریگان به توافق رسیده‌اند. کسانی که فراموش نمی‌کنند چنین صادراتی نتیجه‌اش تحکیم نیروی نظامی تهران و نهایتاً تحکیم وابستگی تهران در قبال واشنگتن خواهد بود و خواهند گفت که این "سیاستی واقع‌بینانه" است. ۹۸٪ تسلیمات ایران ساخت آمریکاست ■

زانویه وی در فرودگاه دوسلدورف بخاطر حمل تریاکی به اندازه‌ی ۱/۶۵ بسته به قیمت ۶۰ هزار مارک آلمان در چمدانش دستگیر گردید. با قوه‌ی شاماش او چکی را به مبلغ ۲۰۰ هزار مارک آلمان امضا نمود و در نتیجه در حال حاضر با ضمانت آزاد گردید. وی همه چیز را انکار نموده و گفت تریاکها از طرف دشمنان خمینی گذاشته شده بودند. همچنین ممکن است که بخاطر رقابت در آلمان نیز Ziemmerman یک عضو (Christian Social Union) C.S.U می‌باشد که این یک محمل خوبی است که تا از دست گذر و حزبش بنام حزب دمکرات آزاد خلاصی یابد. گذر چهره‌ی خوبی در انتخابات به خاطر دوستیش با یک بازرگان تریاک و اسلحه نخواهد داشت. ■ ■ ■



بقیه از صفحه ۱۰

این مساله بویژه در مورد بیماری‌هایی که اورژانس نیستند و نیاز به بستری شدن و مداوای طولانی و مستمر دارند، به مراتب دشوارتر و دست‌نیافتنی‌تر می‌باشد.

در زمینه رسیدگی‌های مادی به آوارگان نیز وضعیتی مشابه وجود دارد. در طول این سه سال هم بدلیل ماهیت رژیم و توانایی‌ها و همچنین غارتگری‌ها و چپاول‌های ایادی رژیم، عدم تأمین ضروری‌ترین مایحتاج اولیه زندگی، آوارگان را پیوسته در تنگنا و مضیقه‌ی شدیدی قرار داده است.

لازم به توضیح است که تا سال گذشته رژیم خمینی توزیع جیره‌ی غذایی و پوشاک در میان آوارگان را خود بعهده داشت. در چنین حالتی رژیم در هر حال ناچار بود بخشی از نیازمندی‌های آوارگان از حبوبات و گوشت گرفته تا لباس و غیره را - حتی از نامرغوب‌ترین نوع آن - تهیه و در اختیار آوارگان قرار دهد. اما اخیراً چندین ماه است که رژیم جیره‌ی جنگ‌زدگان را بصورت ماهیانه و از قرار ۲۵۰ تومان در ماه به هر آواره پرداخت می‌کند. مهمترین دلیل این کار نیز اینست که بدین ترتیب رژیم از الزامات تهیه‌ی مجموعه‌ی احتیاجات روزمره‌ی آوارگان شانه خالی می‌کند و بخصوص با توجه به تورم سرسام‌آوری که در زمینه‌ی قیمت‌های ارزاق و کالاها و ... وجود دارد، بار سنگین آن را به دوش خود آوارگان منتقل می‌نماید.

همچنین با توجه به بی‌کفایتی‌ها و عدم توانایی‌های کارگزاران و ایادی رژیم، روشن است که رژیم خمینی بدین ترتیب خیال خود را از تهیه و نگهداری و توزیع مایحتاج آوارگان راحت نموده است...

اما با توجه به جیره‌ی ناچیزی که بطور ماهیانه به آوارگان داده می‌شود، ساکنین اردوگاهها بلحاظ مادی و برای گذران زندگی روزمره در شرایط عسرت‌باری بسر می‌برند و همچنانکه معمولاً مشاهده می‌شود، تعداد بیشماری از آنان (بویژه روستائیان آواره) به تکدی روی آورده‌اند. قابل ذکر است که رژیم خمینی این روزها درصدد است که همین جیره را نیز قطع نماید و آن‌را تنها به سالخورده‌گان و معلولین آواره بپردازد. کریمی نوری سرپرست خیانتکار بنیاد باصطلاح امور مهاجرین جنگ تحمیلی و معاون وزارت کشور خمینی (سرپرست سابق بنیاد غارت مستضعفان) در خرداد ماه

اسال، برده از روی این برنامه‌ی رژیم برداشت و دلیل آن را نیز لزوم کارکردن آوارگان و کسب درآمد از طریق کار عنوان نمود! کریمی گفته است: "کمک بلاعوض کردن به آوارگان یک ضایعه‌ای را بوجود آورد، که بعضی از آنها تن به کار کردن نمی‌دهند"، "در کشوری که یک میلیون افغانی آمده و کار پیدا کرده و خرج می‌کند، این باعث سرافکنندگی است که ما به مردمی

### تلاش رژیم در جهت بازگرداندن آوارگان به شهرها و روستاها و مناطق جنگ زده خودشان

بیش از یکسال است که رژیم بطور فعال مسالهی بازگرداندن آوارگان به شهرها و روستاهایشان را مد نظر قرار داده است و در این رابطه باصطلاح بازسازی

## بیش از دو میلیون آواره جنگی از اولین و بزرگترین قربانیان جنگ

مجانای جیره‌ی سرانه بدهیم... سخنان مزورانه و خائنانه‌ی کریمی نوری در شرایطی عنوان می‌شود که بنا بر اعتراف خود مقامات رژیم، ملکیت با میلیون‌ها تن بیکار روبروست، بنحوی که رقم بیکاران تا بیش از ۴ میلیون نفر برآورد شده است. ما در قسمتی دیگر از این گفتار توضیح خواهیم داد که اساساً این فشار جدید بر روی آوارگان و تهدید آنان به قطع جیره‌ی ماهانه، به چه دلیلی صورت می‌گیرد و رژیم بدینوسیله چه سیاستی را دنبال می‌کند. اما در مورد اظهارات خائنانه‌ی کریمی نوری همین قدر کافیت که گفته شود، هموطنان جنگ‌زده‌ی ما برای گذراندن زندگی خود و عائله‌ی نحت تکفلشان، به هیچوجه از کار کردن رویگردان نبوده‌اند. تعدادی از آنها حتی با تمام‌مندی پس‌اندازی که توانسته‌اند با خودشان بیاورند و یا با قرض گرفتن از این‌و آن، به دهکداری، دستفروشی، طوافی، کارگری ساده و انواع مشاغل ساده و سطح پائین دیگر روی آورده‌اند. تعدادی از آنها حتی تا آنجا که مقدور بوده به یک زندگی محقر و غذای ساده قناعت کرده‌اند تا خود را از شر اردوگاههای شبه-نظامی رژیم و کنترل و سرکوب مزدوران خمینی نجات دهند. اما چه کسی نمی‌داند که بیکاری گسترده حتی قبل از شروع جنگ نیز، میلیون‌ها کارگر، جوان و فارغ‌التحصیلان دیپلمه و لیسانسیه‌ی کشور را رنج داده و می‌دهد. تا چه رسد به جنگ‌زدگانی که از خانه و زندگی و کار و بار خود کنده شده و در مناطق مختلف کشور سکنی گزیده‌اند و بطریق اولی امکان اشتغال عمومی آنها وجود نداشته و ندارد. اما رژیم با قطع جیره‌ی ماهیانه پس از سه سال مشار و اجحاف و سختگیری نسبت به آوارگان، در واقع هدف و سیاست دیگری را دنبال می‌کند

بیکار گیریم و هم بخشی از مهاجرین جنگی را که بار سنگینی برای ما بودند و... برگردانیم." (اطلاعات ۹/ خرداد ۶۲) حال اینکه با توجه به سیاست جنگ‌طلبانه‌ی خمینی، مسالهی بازسازی عملی ویرانی‌های عظیم مناطق جنگی (بنحوی که قابل استفاده برای مردم باشد) موضوعی است که کمتر کسی را فریب می‌دهد. بویژه تا آنجا که به آوارگان جنگ مربوط می‌شود، آنها به خوبی اهداف رژیم از تبلیغات در این زمینه را، که همانا تلاش برای بازگرداندن اجباری جنگ‌زدگان به مناطق جنگی است، دریافته‌اند.

زیرا برای رژیم ضدبشری خمینی که دشمن خلق و منافع خلق است و چهارسال عملکردها و سیاست‌های ضد خلقی و ضد ملی‌اش در خلاف جهت منافع مردم و تنها در خدمت چپاول مردم و سرکوب آنان بوده است، نه تنها هیچگونه پاسخ و همکاری از جانب مردم متصور نیست، بلکه مردم به مراتب هشیارتر و آگاه‌تر از گذشته عوام‌فریبی‌های خمینی را کشف و درک نموده و بر کینه و مقاومت خود نسبت به دار و دسته‌ی جنایتکار او می‌افزایند. آخر در زمانی که خمینی دجال هنوز جنگ را نعمت و موهبت آسمانی می‌داند و رفسنجانی از روشن نگاه داشتن تنور جنگ دم می‌زند، رسانه‌های جیره‌خوار رژیم هر روز از آتشباری‌ها و "تبادل آتش" در جبهه‌ها خبر می‌دهند و بنا بر اطلاعات موق در همین چند ماه به دلیل آتشباری‌های متقابل صدهزار نفر دیگر بر تعداد آوارگان افزوده شده و... دیگر چه انتظاری هست که هموطنان آواره‌ی ما دست زن و فرزند خود را گرفته و به جهنم مناطق جنگی رهسپار شوند. و یا در شرایطی که رفسنجانی جنایتکار - آنچنانکه گوئی جان انسان‌ها پیش‌ریزش ارزش ندارد - مردم شهرهای مرزی جنوب و غرب کشور را دعوت به مقاومت در زیر بمب و گلوله می‌کند و وحشیانه می‌گوید:

"تفاوتی ندارد که انسان در جبهه شهید شود یا در آن شهرها" بنابراین اسکان هموطنان آواره در این مناطق، جز اینکه گوشت دم‌توب و قربانی‌های قدرت‌پرستانه‌ی خمینی و دار و دسته‌ی ضد مردمی‌اش گردند، چه مفهوم دیگری در بردارد؟! از همین رو رژیم این باصطلاح بازسازی عوام‌فریبانه‌ی خود را مجبور است با جابجائی نیروهایش - بین جبهه‌ی جنگ و بازسازی مناطق - انجام دهد و مردم مناطق جنگ‌زده و آوارگان

کمترین استقبالی از قضیه ننموده‌اند. در همین زمینه یکی از دست‌اندرکاران باصطلاح ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگی، صریحاً گفته است که رژیم تاکنون در زمینه‌ی جذب افراد بومی برای شرکت در کارهای سازندگی مناطق، موفقیت چندانی نداشته است.

(اطلاعات اول/ تیر ۶۲) با توجه به مراتب فوق روشن می‌شود، چرا رژیم خمینی این روزها در صدد قطع جیره‌ی سرانه‌ی آوارگان جنگی برآمده و با لحنی تهدیدآمیز از لزوم "کار" کردن آنها دم می‌زند. در اینجا بد نیست که قسمتی از گفته‌های تهدیدآمیز کریمی نوری را نیز بیاوریم: "ستاد بازسازی مناطق جنگی تشنه‌ی نیروی انسانی است و ما بودن این همه امکانات گاری واقعاً خیلی تقریباً چیز زیبایی نیست که مهاجر جنگی بگوید که من بیکارم... پول سرانه باعث می‌شود که مهاجرین بخاطر دریافت جیره‌ی سرانه از کار کردن، خودداری نمایند، لذا برنامه داریم که فقط به خانواده‌های بی‌سرپرست و معلولین و سالمندان جیره‌ی سرانه بدهیم..."

(اطلاعات ۳۱/ خرداد ۶۲) با این تفصیلات به نظر می‌رسد، تراژدی آوارگان جنگ که خود بخشی از آثار اجتماعی جنگ خانمانسوز خمینی هستند، به روزهای تیره و تاریکی نزدیک می‌شود و رژیم ضد مردمی خمینی در اوج تزلزل و پوسیدگی‌اش می‌خواهد همانند سایر تضادهای مشکلات با زور سرکوب، "این بار سنگین" را از سر خود باز نماید. آخوند صانعی جنایتکار در مصاحبه‌ای در پاسخ به این سوال که "با توجه به عدم امنیت کافی در مرزهای جنوبی و غربی کشور بازسازی در این مناطق چگونه است و آوارگان جنگی به آنجا نمی‌روند" با لحنی تهدیدآمیز گفته است: "من تصور نمی‌کنم که هموطنان ما به آنجا نروند چون اگر تشخیص دهند که حکم اسلام (۱) است هرگز سربلندی نخواهند کرد... من تصور می‌کنم که سیاست دولت بر این است که پیروزی‌های خود را با سکونت آنها در مناطق

پاورقی: \* جالب توجه است که یکی از مقامات باصطلاح ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده در مصاحبه‌ی رادیو تلویزیونی گفته است که برای احیای معماری اسلامی، در بازسازی مناطق مسکونی از تیر آهن کمتر استفاده می‌شود!! (اطلاعات اول تیر ۶۲)



جنگی اعلام کند ...

(کپهان ۶۲/۳/۱۶)  
باتوجه به مضمون آخرین قسمت اظهارات آخوند عانعی و همچنین با در نظر گرفتن این مسئله که بنا بر گزارشات موثق، رژیم خمینی اسامی از بودجهی آوارگان را کسر نموده و سرپرست بنیاد نیز خبر از قطع کردن جیره‌ی سرانه‌ی آوارگان می‌دهد و بویژه با توجه به تضییقات و تهدیداتی که این روزها در اردوگاهها اوج بیشتری گرفته، هیچ بعید نیست که در آینده‌ی نزدیک رژیم خمینی یکی دیگر از دجالگری‌های تبلیغاتی خود را علّم کرده و نمایشی در سراسر کشور مبنی بر بدرقه‌ی جنگ‌زدگان به مناطق "بازسازی شده" راه بیندازد. نمایشی که در زیر پوشش آن چیزی جز اعمال سرکوب و تهدید جهت اعزام اجباری آنان به مناطق در حال جنگ وجود ندارد. در واقع نیز رژیم با ایجاد چنین فضای تبلیغاتی، جنگ‌زدگان را به امان خدا در مناطق خود رها خواهد نمود. و یقیناً این بار برای حفظ آنها در زیر پوشش و توپ و گلوله و برای اینکه این بار دیگر نتوانند زیر باران سب و گلوله خانه و گاشانه‌شان را ترک کنند، اقدامات امنیتی و سرکوبگرانه‌ی بیشتری اعمال خواهد کرد. حال در خاتمه‌ی این مبحث، بی‌مناسبت نیست به وضعیت "بنیاد امور جنگ‌زدگان" و غارتگری‌های آن اشاره‌ای بنمائیم. بویژه اینکه این روزها، مسائل مربوط به سرپرستان آن، به تضادهای درونی رژیم بیش از پیش دامن زده است:

### بنیاد امور جنگ‌زدگان و غارتگری‌های آن

همچنانکه متذکر شدیم، رژیم خمینی جهت باصلاح حل مسالمت‌آمیز آوارگان جنگ و به زیر کنترل درآوردن آنان، بنیاد امور جنگ‌زدگان را ایجاد کرد و اداره‌ی آن را به وزارت کشور سپرد. سرپرستی بنیاد را ابتدا میرسلیم و سپس حاجی حبیب‌الله شفیق، و از آذرماه گذشته تاکنون کریمی نوری بعهده داشته است. این بنیاد، همانند "بنیاد شهید" بر کلیه‌ی کارهای آوارگان تحت پوشش خود، کنترل و نظارت کامل امنیتی اعمال می‌کند. منجمله با استفاده از عناصر سرسپرده به رژیم، جاسوسی و خیرچینی در اردوگاه را بمنظور کنترل و حرکت‌های اعتراضی آوارگان رواج داده و بدینوسیله فضای غیر قابل تحمل و نفرت‌انگیزی بوجود آورده است. علاوه بر این‌ها، ایادی خمینی در شعب

مختلف بنیاد در شهرهای مختلف کشور، در زمینه‌ی اشاعه‌ی فساد در میان آوارگان، نقش عمده‌ای داشته‌اند. واحد تبلیغات بنیاد، پیوسته سعی کرده است تا با شرکت دادن اجباری آوارگان در نمایشات تبلیغاتی مختلف ارتجاع، از قبیل راهپیمایی‌ها و نماز جمعه‌های نمایشی، از وجود آنها جهت پیشبرد سیاست‌های تبلیغاتی خود، منجمله در زمینه‌ی تداوم

است که از بازاریان سرسپرده‌ی رژیم و بویژه وابستگان مستقیم حزب دهنفور خمینی بوده‌اند؛ که همیشه به غارت مشغول بوده و سعی داشته‌اند نهادهای موسسات پول‌ساز را قبضه کنند. فی‌المنزل حاجی شفیق مسئول سابق بنیاد امور جنگ‌زدگان از تجار معروف و از سرسپرده‌ترین بازاریان وابسته به خمینی می‌باشد که معمولاً در آن واحد، سرپرستی چندین مرکز و

## بیش از دو میلیون آواره جنگی از اولین و بزرگترین قربانیان جنگ

جنگ، بهره‌برداری نماید. اما واضح است که رژیم اساساً در این زمینه موفقیتی نداشته است؛ چرا که کینه و نفرت آوارگان نسبت به رژیم خمینی کاملاً برای همه واضح و روشن بوده و اعتراضات آنان به جنگ‌افروزی‌های خمینی و همچنین اعتراضاتشان نسبت به برخوردهای ناهنجار و ضد انسانی ایادی خمینی در اردوگاهها، سیاست‌های تبلیغاتی خمینی را با شکست مواجه کرده است. (۱)

لازم به توضیح است که سال گذشته، به سبب اوجگیری اعتراضات آوارگان، رژیم احبارا و بظاهر پذیرفت که تعدادی از نمایندگان آوارگان بر کارهای بنیاد و بر امور مربوط به آن نظارت کنند. اما متقابلاً رژیم سعی نمود تا از این فرصت استفاده کرده و تمامی ناتوانی‌ها، درماندگی‌ها و همچنین غارتگری‌های خود را بوسیله‌ی این نمایندگان برای ساکنین اردوگاهها، توجیه کند. اما واقعیت وضعیت نابسامان و چهره‌ی پلید رژیم خمینی در میان آوارگان، آشکارتر از آن بود که این شگرد مزورانه بتواند کارآیی لازم را داشته باشد. بویژه اینکه نمایندگان فوق که تا حدودی از نزدیک در جریان حیف و میل‌ها و چپاولگری‌های ایادی رژیم قرار گرفته بودند، در نزد جنگ‌زدگان دست به افتخاری می‌زدند. متقابلاً سرپرستان بنیاد به تلافی این عمل، به بهانه‌های مختلف مانع کار این نمایندگان می‌شدند، تا جایی که حاجی شفیق سرپرست قبلی بنیاد، تلفن محل کار آنها را قطع نمود و سرانجام کریمی نوری نیز برای خلاص شدن از دست نمایندگان مزبور، حق نظارتشان را ملغی نموده و آنها را اخراج کرد. اما در رابطه با سابقه‌ی غارتگری‌ها در بنیاد امور جنگ‌زدگان، بایستی یادآوری کنیم که این بنیاد همیشه بوسیله‌ی عناصری اداره می‌شده

کشدن آوارگان و قطع جیره‌ی آنان اشاره شد و در اینجا به نمونه‌ای از غارتگری‌های او بپردازیم. وابستگانش اشاره می‌کنیم: بر طبق گزارشاتی که ایادی رژیم نیز آن را منعکس نموده‌اند، حبیب‌الله عسکراولادی وزیر بازرگانی رژیم، مصوبه‌ای را از تصویب دولت می‌گذرانند که براساس آن، بطور ماهیانه شش درصد از کالاهای خانگی محصول داخل، به رفع نیازهای آوارگان اختصاص پیدا کند.

انجام و تأمین بودجه‌ی لازم برای آن به کریمی نوری - باصلاح سرپرست بنیاد جنگ‌زدگان - واگذار می‌شود. این دزد سرشناس در دی‌ماه سال گذشته برای تهیه‌ی این قبیل کالاها از تجار مختلف و البته آشنا! با صادق عسکراولادی برادر وزیر بازرگانی وارد معامله می‌شود (صادق عسکراولادی از معروف‌ترین تجار حزبی بوده و در اتحادیه‌های گوناگون صنعتی در بازار و کارخانجات همه‌کاره می‌باشد و تمام معاملات زیر نظر او انجام می‌گیرد. صادق عسکراولادی همچنین مسئول اتحادیه‌ی مصنوعات نفت گاز و الکترونیک بوده و از همین طریق نیز عمده‌ی واردات و صادرات خانگی مانند یخچال و اجاق گاز با سرمایه‌ی خصوصی او وارد کشور شده و در بازار آزاد و بازارهای سیاه به فروش می‌رسد.) و چپاولگری آشکار آنقدر بالا می‌گیرد که کریمی نوری دو ماه بعد مجبور به لغو آن می‌شود

(کپهان ۶۲/۳/۲۴)

پاورقی:

۱- در همین زمینه به سخنان یکی از نمایندگان مجلس ضد خلقی خمینی اشاره می‌کنیم که پیرامون وضعیت آوارگان در استان اصفهان، گفته است: "در اردوگاه آوارگان در نجف‌آباد مسئول امور جنگ‌زدگان گفته است من بویژه جنگ‌زده را به خاک می‌مالم، او جنگ‌زدگان را به کار اجباری می‌کشاند و یا از آنها بیگاری می‌کشد و یا برای اسکان آنها با قانون من درآوردی، سفته‌های ۴۰۰ الی ۸۰۰ هزار تومانی می‌گیرد" (کپهان ۶۱/۳/۳)

۲- بدنیست یک مورد از دزدی‌های حاجی شفیق را که ایادی رژیم نیز به آن اشاره نموده‌اند در این جا ذکر کنیم: حاجی شفیق مبلغ ۱۰ میلیون تومان از بودجه‌ی بنیاد را به حساب شخصی بنام افشاری (رابط تدارکاتی بنیاد در باختران) می‌ریزد. این شخص پس از

از طرف دیگر با به هم خوردن این شرکت سهامی غارت مرکب از وزیر بازرگانی و برادرش صادق عسکراولادی و کریمی نوری و دیگر تجار ذی‌نفع در این معامله کلان و سودآور، اصل موضوع یعنی تهیه‌ی لوازم خانگی نیز بالکل منتفی می‌شود و تا به امروز که بیش از ۵ ماه از لغو این معامله می‌گذرد، هنوز از دادن وسائل خانگی فوق‌الذکر به آوارگان خبری نشده است. (۳)

عملکردهای ضد مردمی بنیاد امور جنگ‌زدگان و غارتگری‌های ایادی رژیم خمینی از قبل آن، هم‌چون سایر ارگان‌های سرکوب و غارت رژیم ماهیت دمدلی و ضد مردمی رژیم خمینی را بخوبی به نمایش می‌گذارد. در واقع خمینی و دارودسته‌ی پلیدش با مجموعه‌ی عملکردها و برخوردهایشان در طول این سه سال با هموطنان جنگ‌زده، بخوبی ثابت کردند که برای وجود و زندگی آنان کمترین ارزشی قائل نیستند و در یک کلام، کلیه‌ی برنامه‌های رژیم در این مورد اساساً در جهت سرکوب و غارت و سوءاستفاده‌های مختلف در زمینه‌های تبلیغاتی، سیاسی و نظامی طرح‌ریزی گردید. کما اینکه برای هموطنان جنگ‌زده‌ای که در اثر اختناق و اعمال فسادانگیز و برخوردهای تحقیر کننده‌ی ایادی رژیم در اردوگاهها، کارد به استخوانشان رسیده، هر وضعیت دیگر، بسیار گواراتر و تحمل‌کردنی‌تر از زندگی در اردوگاههای شبه‌نظامی رژیم خمینی خواهد بود ■

دریافت پول‌ها باصلاح ناپدید می‌شود (کپهان ۶۱/۹/۳)

۳- لازم به توضیح است که عملکردهای ضد مردمی و جریبان فساد در بنیاد امور جنگ‌زدگان آنقدر بالا گرفته است که جناح‌هایی از رژیم در تضاد با یکدیگر، درصدد هستند که به هر قیمتی شده کریمی نوری را نیز همانند شریک و همکارش شفیق از سرپرستی بنیاد کنار بزنند. اما ناطق نوری جنایتکار (وزیر کشور خمینی)، تاکنون به پذیرش این مسئله تن نداده است. منجمله اخیراً ۱۱۰ تن از نمایندگان مجلس ضد خلقی رژیم طی نامه‌ای به نخست‌وزیر خمینی متذکر شدند که علیرغم اینکه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، کریمی نوری را به دلیل "نبوه تخلفات" محکوم شناخته است، چرا وزارت کشور برخلاف رای مجلس، او را عوض نمی‌کند! (اطلاعات ۸/ تیرماه ۶۲)



## شیوه‌های ابداعی رژیم

### برای چپاول هر چه بیشتر مردم

طی دو عملیات انقلابی، معاون دادستانی ضدانقلاب

اراک و یکی از مزدوران کمیته مرکزی این شهر

مورد تهاجم رزمندگان هسته‌های مقاومت قرار گرفتند

مزدور خود فروخته‌ی کمیته‌ی ضد خلقی اراک و رئیس سابق کمیته‌ی مستقر در شهر بانی این شهر، او را در جلوی منزلش مورد تهاجم انقلابی قرار داد. مزدور نامبرده در اثر این تهاجم انقلابی مورد اصابت ۳ گلوله قرار گرفت و بشدت زخمی گردید. شدت جراحات وارده به حدی است که وی هم اکنون در حالت فلج بسر می‌برد.

\*\*\*

کارگر این معدن به همراه وسائل جنسی به جبهه‌ها فرستاده می‌شود (کیهان ۲۶ خرداد ۶۲) قابل توضیح است که کارگران معادن از زحمتکش‌ترین و در عین حال از تهیدست‌ترین کارگران کشور محسوب شده و با سطح نازل دستمزد بخور و نمیرشان، بویژه در این شرایط گرانی و حشتناک، به سختی روزگار می‌گذرانند. با اینحال ملاحظه می‌شود که رژیم خمینی حتی از دسترنج ناچیز این کارگران نیز چشم نهوشیده و بجز سایر اخاذی‌ها، ماهیانه ۱۱۰ تومان نیز از دستمزد ناچیز کارگران معدن ذغال سنگ لوشان را کسر نموده و آن را چپاول می‌کند.

بدون شک رژیم خمینی هم اکنون نیز به شیوه‌های مختلف دیگر، مردم را غارت و سرکشی می‌کند و قطعا شیوه‌ها و شگردهای تازه‌تری نیز ابداع و کشف خواهد نمود، اما آنچه که در رابطه با این قبیل غارتگری‌ها قابل توجه است، اینست که رژیم خمینی اساسا با ایجاد فضای اختناق و توسل به سرکوب، این قبیل سیاست‌های ضد خلقی و غارتگرانه‌ی خود را به پیش می‌برد و هیچ حد و مرزی نیز برای ادامه و گسترش آن قائل نیست و برآستی هم که اگر کسی این حد از اختناق و سرکوب در جامعه را از نزدیک استنشاق و تجربه نکند، به حد و میزان نقش تعیین‌کننده‌ی این اختناق و سرکوب، در حل مسائل روزمره‌ی رژیم خمینی و در ممانعت موقتی از فروپاشی پایه‌های بشدت لرزان این حکومت پیوسته بی‌نخواهد برد.

بقیه از صفحه‌ی آخر

مؤثر او در صدور رای "اعدام" برای چند تن از شهدای مجاهد خلق در فروردین ماه همین سال، اشاره نمود.

گزارش دوم هسته‌ی مقاومت مسلحانه‌ی مجاهد شهید "محسن محکم" در ساعت پنج و ۳۰ دقیقه‌ی صبح روز ۶۲/۲/۲۰ به قصد اعدام انقلابی اسماعیل توانچه - معروف به اسماعیل طیانچه -

خدمت به مردم و حل مشکلات آنان کمترین سختی با ماهیت ضد مردمی خمینی و دارودسته‌ی راهزنش ندارد، لذا روشن است که شگرد جدید، تنها و تنها به منظور پول زور گرفتن از مردم ابداع گردیده است. لازم به توضیح نیست که در اثر تکه‌تکه شدن خطوط شرکت واحد، علی‌القاعده مسافری مجبور خواهند بود برای فواصل بلندی که قبلا با پرداخت یک بلیط طی می‌کردند، اینک بسته به طول مسیر، با دو یا سه بلیط طی نمایند.

### چپاول دسترنج کارگران محروم معادن ذغال سنگ لوشان

در ادامه‌ی غارتگری‌ها و اخاذی‌های رژیم از ادارات و کارخانجات مختلف کشور که تحت عنوان "کمک به جبهه‌های جنگ"؛ توأم با زور و اجبار از مردم و بویژه از کارگران زحمتکش کارخانه‌ها گرفته می‌شود، منجمله باید به چپاول دسترنج معدن چیان کارخانه‌ی سنگرود لوشان اشاره نمود. در این رابطه، مدیرعامل سرسپرده‌ی این معدن طی مصاحبه‌ی اعلام نموده است که ماهیانه ۳۵۰ هزار تومان از حقوق ۲۲۰۰

(کیهان ۳۱ خرداد ۶۲) برآستی که ابلهانه‌تر و البته وقیحانه‌تر از این نمی‌شود جریان دزدی فوق‌الذکر را اینطور باصطلاح ماستمالی نمود که بالاترین مقام؛ یک وزارتخانه که خودش قبل از همه مسئول پیش‌برد برنامه‌های غارتگرانه‌ی رژیم از طریق وزارتخانه‌ی تحت کنترلش می‌باشد به منظور خواباندن سرو صدای معترضین با اظهار تاسفی ساده، چنین وانمود کند که گوئیا تنها اشتباهی صورت گرفته و قصد و غرضی در کار نبوده است!!

بدون شک رژیم خمینی هم اکنون نیز به شیوه‌های مختلف دیگر، مردم را غارت و سرکشی می‌کند و قطعا شیوه‌ها و شگردهای تازه‌تری نیز ابداع و کشف خواهد نمود، اما آنچه که در رابطه با این قبیل غارتگری‌ها قابل توجه است، اینست که رژیم خمینی اساسا با ایجاد فضای اختناق و توسل به سرکوب، این قبیل سیاست‌های ضد خلقی و غارتگرانه‌ی خود را به پیش می‌برد و هیچ حد و مرزی نیز برای ادامه و گسترش آن قائل نیست.

### کوتاه کردن مسیرات و بوسه‌های شرکت واحد به منظور دریافت پول بیشتر از طریق فروش بلیط‌های اضافی

رژیم خمینی علاوه بر اینکه در این چند سال، نرخ بلیط اتوبوس-های شرکت واحد و سایر وسائط نقلیه‌ی عمومی را افزایش داده، اخیرا با کوتاه کردن فاصله‌ی مسیر اتوبوس‌ها، به درآمد ناشی از فروش بلیط‌های اضافی، چشم دوخته است. هر چند رژیم برای سرپوش گذاشتن بر این شیوه‌ی جدید خود که دقیقا به منظور سرکشی کردن مردم کشف نموده، حسب‌المعمول به یک سلسله مقدمه‌چینی و استدلال‌ات مسخره (منجمله حل مسئله‌ی ترافیک شهر تهران)؛ دست زده است. (کیهان ۲۳ خرداد ۶۲)، اما ناگفته پیداست که از آنجا که

همانگونه که ملاحظه می‌شود نرخ آب تقریبا بیش از سه برابر افزایش پیدا کرده است و وزارت نیروی خمینی سه ماه است قبوض مصرف آب را با چنین نرخ گزافی برای مشترکین فرستاده و از آنان پول دریافت داشته است. اما به تدریج و بر اثر رو شدن مسئله توسط مردم و اشاعه‌ی خبر این دزدی آشکار در تهران، و اعتراضاتی که در این مورد صورت گرفته، رژیم ضد مردمی خمینی به ناچار با دست‌پاچگی به توجیه آن پرداخته است. لازم به توضیح

رژیم چپاولگر خمینی کماکان با ابداع انواع شیوه‌های دزدی و غارت، به سرکشی کردن مردم ادامه می‌دهد. در برخی از شماره‌های گذشته "مجاهد" نمونه‌هایی از این قبیل ابداعات کارگزاران چپاولگر خمینی منعکس گردید و ضمن توضیحاتی پیرامون تک‌تک آنها، تاکید شد که رژیم خمینی به منظور جبران افلاس و ورشکستگی اقتصادی خود و بویژه تأمین "خاصه خرجی" ها و غارتگری‌های سردمداران و ایادی‌اش، همچنان به سرکشی کردن مردم متوسل شده و برای گسترش دامنه‌ی آن،

شیوه‌های مخصوص آن را نیز کشف و ابداع خواهد نمود، در این شماره به تعدادی دیگر از این قبیل شیوه‌ها اشاره می‌کنیم:

### افزایش بدون سرو صدای بهای آب مصرفی مردم

رژیم خمینی از آغاز فروردین ماه امسال در تهران بهای آب مصرفی مردم را به میزان بالنسبه زیادی افزایش داده و در همین رابطه کوچک‌ترین اطلاعی نیز به مردم نداده است! ابتدا با مروری به جدول زیر می‌توان به میزان افزایش نرخ آب مصرفی پی برد. این جدول از داده‌های وزارت نیروی خمینی، مندرج در کیهان سی‌ام خرداد ۶۲ استخراج گردیده است.

نرخ آب از فروردین سال ۶۲ به بعد		نرخ آب تا قبل از فروردین ۶۲	
مصارف صفر تا ۸ متر مکعب در ماه	هر متر مکعب ۱۲ ریال	مصارف از صفر تا ۱۰ متر مکعب	شامل بخشودگی
مصارف ۹ تا ۱۵ متر مکعب در ماه	هر متر مکعب ۲۰ ریال	مصارف ۸ متر مکعب بعدی	هر متر مکعب ۷/۵ ریال
مصارف ۱۶ تا ۳۰ متر مکعب در ماه	هر متر مکعب ۳۵ ریال	مصارف ۲۱ متر مکعب بعدی	هر متر مکعب ۱۲ ریال
مصارف ۳۱ تا ۶۰ متر مکعب در ماه	هر متر مکعب ۴۵ ریال	مصارف ۳۰ متر مکعب بعدی	هر متر مکعب ۱۵ ریال
مصارف ۶۱ تا ۱۰۰ متر مکعب در ماه	هر متر مکعب ۶۰ ریال	مصارف ۹۰ متر مکعب بعدی	هر متر مکعب ۱۹ ریال
مصارف ۱۰۰ متر مکعب به بالا	هر متر مکعب ۷۵ ریال	مصارف ۳۵۰ متر مکعب تا ۵۰۰ متر مکعب	هر متر مکعب ۲۴ ریال
		مصارف ۵۰۰ متر مکعب به بالا	هر متر مکعب ۳۰ ریال



## حماسه‌های مجاهد خلق،

### لحظه‌های انقلاب

# شقاوت دژخیمان

نبرد ادامه خواهد یافت

در امتداد شعله‌ی سرخ باروت که شب را می‌شکافت  
... در امتداد زندان‌ها، شکنجه‌گاهها و میدان‌های تیرباران  
... در امتداد مزار غریب شهیدان در سرتاسر ایران  
نبرد ادامه خواهد یافت

و تفنگ‌های ما یک صدا، بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران  
فرمان دادگاه خلق را شلیک خواهند کرد

گزارشی که در زیر می‌خوانید برگه دیگری از کارنامه‌ی سراپا جنایت و شقاوت خمینی ضد بشر و حکومت پلید اوست، رژیمی که تمامی مرزهای شقاوت و پلیدی را پشت سر نهاده و تنها زبانی که می‌شناسد، زبان سرخ گلوله‌هاست.

زمان - زمستان ۶۰  
مکان - همدان

گوش می‌کرد به ماشین‌های پشت سرش که با چراغ خاموش منتظر ایستاده بودند نگاهی کرد و گفت:

"لباس‌تو بپوش باهات کار داریم، دو تا جنازه‌اس که باید دفن بشه."

زن که معلوم بود از کارکنان گورستانست با ناراحتی و لحنی که حالت اعتراض داشت گفت: "این وقت شب! تو این سوز و سرما چه وقت رفتن به قبرستون و این کاراس. بذارید صب بشه،

صدای اتومبیلی سکوت را به هم زد و چند لحظه بعد نور چراغ‌های آن و در پشاش نور چراغ‌های ماشینی دیگر تاریکی کوچه را شکست. اتومبیل‌ها که به آهستگی در کوچه‌ی یخ‌بسته حرکت می‌کردند در مقابل خانه‌ای متوقف شدند. مردی از اتومبیل اول بیرون آمد و بر اثر سوز سردی که در کوچه بیداد می‌کرد دست‌هایش را در جیب‌های کاپشن گرم ارتشی خود فرو برد و پس از آنکه پلاک خانه را خواند زنگ در را فشرده و چون خبری نشد، برای بار دوم با عصبانیت انگشتش را روی زنگ گذاشت و برای مدتی طولانی به زنگ زدن ادامه داد.

صدای گام‌های شتابانی در راهرو شنیده شد و در پس آن در خانه باز شد و چهره‌ی عصبانی زنی که حدوداً پنجاه ساله می‌نمود در پشت در پیدا شد.

"چه خبرته بابا... ساعت یک بعد از نصف شب اینجوری مردمو از خواب بیدار می‌کنین، الان هر سگی تو این سرما تو لونه خودش خوابیده اونوقت شماها... و می‌خواست به حرف‌هایش ادامه بدهد که با دیدن پاسداری که روبرویش ایستاده بود، صدایش را پائین آورد و ساکت شد. پاسداری که به حرف‌های او

پائین آمد و در عقب را باز کرد و بعد هر سه وارد غسل‌خانه شدند.

چراغ که روشن شد زن نگاهی به اطراف کرد و چون چیزی ندید گفت:

"اینجا که خبری نیست؟!!"  
یکی از پاسداران که در حال روشن کردن سیگارش بود سرش را تکان داد و پس از آنکه سیگارش را روشن کرد گفت:  
"تو مشغول گرم کردن آب بشو الان میارنشون."

صدای اتومبیلی شنیده شد و چند لحظه بعد صدای کشمکش به گوش رسید. زن گوش‌هایش را تیز کرد، چیزهای عجیبی می‌شنید:  
"مرگ بر خمینی... درود

تو کار داریم و خوابمون میاد. تازه از اینجا که تا قبرستون چهار پنج دقیقه بیشتر راه نیس، بجنب. مادر اجرت ضایع نمی‌شه..."

زن با دلخوری و ناراحتی سری تکان داد و به داخل خانه رفت و پاسداری که با او مشغول صحبت بود با عجله به داخل ماشین برگشت و به دیگری که پشت فرمان نشسته بود گفت:  
"الان میاد... پیرزن هی غرولند می‌کرد ولی آخرش قبول کرد، دنیای عجیبی شده آدم باید از مرده‌شورم منت بکشه" و بعد در حالی که خنده را سر می‌داد برگشت و از شیشه‌ی عقب، ماشین پشت سری را نگریست. چند دقیقه بعد سر و کله‌ی زن پیدا شد و پس از آنکه در خانه‌اش را بست و به کنار اتومبیل آمد، راننده با دیدن او گفت:  
"بشین عقب"

زن در عقب ماشین را باز کرد و روی صندلی نشست و در

بر مجاهدین... زنده باد... آزادی... مرگ بر...  
با تعجب به پاسدارانی که با حالتی عصبی ایستاده بودند نگریست و می‌خواست از آنها چیزی بپرسد که صدای رگبارهایی متوالی سکوت گورستان را شکست. قلبش از جا کنده شد. صدای فریادهایی به گوش رسید و سپس با شلیک دو تک‌تیر، گورستان دوباره در سکوت و خاموشی فرورفت.  
احساس ضعف و سرگیجه

زن گوش‌هایش را تیز کرد، چیزهای عجیبی می‌شنید: "مرگ بر خمینی... درود بر مجاهدین... زنده باد آزادی... با تعجب به پاسدارانی که با حالتی عصبی ایستاده بودند نگریست و می‌خواست از آنها چیزی بپرسد که صدای رگبارهایی متوالی سکوت گورستان را شکست. قلبش از جا کنده شد. صدای فریادهایی به گوش رسید و سپس با شلیک دو تک‌تیر، گورستان دوباره در سکوت و خاموشی فرورفت."

کرد و به کنار دیوار رفت و به آن تکیه داد. و چشم‌هایش را بست.

... صدای گام‌هایی در راهرو شنیده شد و سکوت و انتظار نسبتاً طولانی به پایان رسید. در که باز شد آنچه را که منتظرش بود دید. دو پاسدار در حالی که اجساد دو دختر ۱۵ - ۱۶ ساله را با خود می‌کشیدند، وارد غسل‌خانه شدند و با خستگی آنها را بر زمین انداختند.

"همین دو تا ست بشورنشون." پاسداری که نیم‌ساعت قبل مورد سوال قرار گرفته بود، این را گفت و همراه بقیه از غسل‌خانه بیرون

را محکم بست و آهسته سلام کرد و چون جوابی نشنید به پشتی صندلی تکیه داد و منتظر ماند. ماشین که راه افتاد راننده دکمه‌ی پخش صوت ماشین را فشرده و صدای "فلسفی" در فضای ماشین پیچید: "... در این شرایط وظیفه‌ی ما در مقابل..."

راننده پایش را روی گاز فشرده و پس از طی کردن خیابان متروکی به آرامی پیچید و وارد گورستان شد و به طرف غسل‌خانه پیش رفت و ماشین را در مقابل آن متوقف کرد و گفت:  
"بپائید پائین، رسیدیم" و خودش زودتر از همه

الان که می‌بینین زمین و زمون یخ بسته!"  
پاسدار مخاطبش با خنده‌ی گریه‌ی که صدایش در کوچه پیچید جواب داد:  
"خدا پدرتو بیامرزه زن، ما که بی‌خودی این وقت شب از خواب بیدارت نگردیم تازه مگه خواب تنها برای تو خوبه ما خودمون بگوب تو این سوز و سرما از خیابون "عشقی" و "دادستانی" راه افتادیم اومدیم اینجا، اونوقت تو غرولند می‌کنی که فردا...! برای فردا هم کار هس... از قدیم گفتن کار امروز رو نباید به فردا انداخت. حالا زود بپر لباس‌تو بپوش که ما بیشتر از

رفت.

... گورهایی که در عین حال محل تیرباران هم بود، از خاک انباشته شد. زن، دیگر طاقت نیاورد و پرسید:

"اینجا کی بودن؟!!"  
پاسداری که مشغول صاف کردن روی گورها بود جواب داد:  
"کی بودن؟ خوب معلومه کی بودن، منافق..."  
زن ناله‌کنان پرسید:  
"... اینا با این سن و سال و این چهره‌ها... آخه مگه..."

... سن و سال نداره، منافق منافقه از کوچیک تا بزرگ، نبود که بیینی چطور سه چهار ماه تو زندون همه رو ذله کرده بودند و یک کلمه حرف

**صدای گام‌هایی در راهرو شنیده شد و سکوت و انتظار نسبتاً طولانی به پایان رسید. در که باز شد آنچه را که منتظرش بود، دید. دو پاسدار در حالی که اجساد دو دختر ۱۵ - ۱۶ ساله را با خود می‌کشیدند، وارد غسل‌خانه شدند.**

نمی‌زدند، اگه اینجوری با اینا...  
زن با ناله‌ای حرف پاسدار را قطع کرد ولی نتوانست ادامه بدهد.

"سوار شید بریم... ساعت سه و نیم بعد از نصف شب باید به خوابمون برسیم."  
و همه سوار شدند و ماشین حرکت کرد.

مقابل خانه‌ی زن غسل، اتومبیل متوقف شد و پس از آنکه زن از ماشین پیاده شد، راننده شیشه کنارش را پائین داد و به زن گفت:

"یه دقیقه وایسا ببینم." و با لحنی تهدیدآمیز ادامه داد:

"شتر دیدی ندیدی... با کسی از این موضوع حرفی نمی‌زنی که واست گرون تمام می‌شه."  
و شیشه را بالا داد و حرکت کرد.

زن غسل به چراغ خطرهای ماشین که در تاریکی کوچه چون چشمانی خونین او را می‌نگریستند نگاه کرد و وقتی ماشین‌ها از خم کوچه گذشتند و دوباره سکوت و تاریکی همه جا را فرا گرفت، آهی کشید و با ناتوانی و ضعف، کلید را از جیبش بیرون آورد و در را باز کرد و وارد خانه شد.

در را که بست یک‌مرتبه زانوهایش درهم پیچید و پشت در نشست و صدای گریه‌ی دردآلودش سکوت تیره و سرد شب را درهم شکست



## سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی در جمع گروهی از مسئولین و نمایندگان

## اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور

بقیه از صفحه ۶

در آرمان و در مشی حرکت (اسلوب مبارزه) انقلابی باشیم، خصوصیات اخلاقی انقلابی نیز داشته باشیم و اضافه بر این، بطور حرفه‌ای و در ارتباط با یک شکل انقلابی هر آنچه را در توان داریم نثار آزادی و خلق و انقلاب کرده باشیم، تا بطور تمام عیار شایسته‌ی آن گردیم.

اما باید تذکر بدهم که مطابق معیارها و ضوابط "عضویت" در همه‌ی احزاب انقلابی و مترقی جهان - از همان روز تاسیس این احزاب تاکنون - یک چنین انقلابیونی مانند شما، دقیقاً "اعضاء" آن احزاب و سازمان‌ها بشمار می‌روند. معیارهای "عضویت" در این احزاب - از زمان لنین گرفته تا ماوتسه‌تنگ - معیارهای پیچیده‌ای نیست. چیزهایی است از قبیل پذیرش برنامه‌ی حزب، پرداخت حق عضویت و به عهده گرفتن مسئولیتی در یکی از ارگان‌های حزبی یا مسائلی از قبیل پذیرش ایدئولوژی حزب، اصول سانترالیسم دمکراتیک و انتقاد و انتقاد از خود و الی آخر ... مطابق این معیارها - حتی سخت‌گیرانه‌ترین آنها - تمامی شما و دیگر انجمن‌های هوادار که با خصوصیتی که قبلاً گفتم کار می‌کنید، "اعضاء" حزب یا سازمان محسوب می‌شوید.

اما ما بخاطر معیارهای عمیق‌تر و پیچیده‌تری که خاص مجاهدین - به عنوان یک سازمان انقلابی یکتاپرست - می‌باشد و در هیچ حزب یا سازمان انقلابی دیگری تا به حال نظیر ندارد؛ سطح معیارهای عضویت در سازمان را بالا و بالاتر برده‌ایم ...

بطور خلاصه، در قیاس با سایر احزابی که تا بحال شنیده و خوانده‌ایم، اعضای انجمن‌ها بطریق اولی "عضو" حزب یا سازمان محسوب می‌شوند. اما ما به عنوان یک حزب و سازمان انقلابی یکتاپرست که حامل ارزش‌های نوین هستیم، معیارهای عضویت در سازمان مجاهدین خلق ایران را در سطح بالاتری قرار داده‌ایم تا در نتیجه ولو اینکه سازمان ما اعضاء کمتری داشته باشد اما از لحاظ کیفی بخاطر خدا، بخاطر خلق و بخاطر سرنوشت انقلاب از درجه‌ی اطمینان

بالاتری برخوردار باشد. بیشتر قابل تکیه و اعتماد باشد و استخوان‌بندی آن استحکام بیشتری داشته باشد. البته ما به این وسیله آزمایشات و سختی‌های بیشتری در مقابل همه‌ی خواهران و برادرانی می‌گذاریم که قصد ورود به سازمان را دارند تا انشاءالله زمانی که بنا به سنت سازمانی، رسماً به آنها ابلاغ شد که شما "عضو" سازمان هستید، شایستگی‌های لازم را فی‌الواقع کسب کرده باشند. پس به این "عضویت" نباید مثل یک امتیاز یا درجه‌ی افتخاری نگاه کرد ... ملاحظه می‌کنید که تقریباً بعد از ۱۸ سال، بعد از تجربه کردن جریاناتی مثل جریان اپورتونیستی چپ‌نما، بعد از سلامت جستن از بسیاری آزمایشات تشکیلاتی و ایدئولوژیکی و سیاسی، چفت و بندها را بطور تئوریک و اخلاقی و عملی محکم‌تر بسته‌ایم. که این خود یکی از ویژگی‌های مجاهدین است که حتی برای انقلابیونی با آن خصوصیت‌ها که گفتم (انقلابیونی را که حرفه‌ای هم هستند) به خاطر کیفیت بالاتر و عالی‌تری که انتظار می‌بریم و به خاطر تأمین هر چه بیشتر آینده‌ی انقلاب و سازمان؛ معیارهای عضویت در سازمان را باز هم در سطح بالا قرار داده‌ایم که البته در ادامه‌ی همین راهی است که حال‌در آن هستید. امیدوارم با زهم سریع‌تر و بهتر در همین مسیر و در همین راه به پیش بروید. برای اینکه معنی تشکیلاتی و سیاسی بالاتر بردن سطح معیارهای عضویت را بهتر بفهمیم، فقط اشاره می‌کنم که سازمان شما، تنها سازمان و رژیم خمینی است که از بدو انقلاب، مسئله‌ی داخلی و انشعاب درونی نداشته و بالنتیجه توانسته است مسئولیت‌هایش را به خوبی بدوش بگذرد.

حال اگر شما مشخصاً معنی سرگردانی، راه گم‌کردگی و تشتت داخلی و اینطور چیزها را بدانید و یا مزه‌ی تلخ آن را مشخصاً چشیده باشید، بهتر متوجه می‌شوید که با آن خصوصیتی که برای کارتان شرمدم و با این انسجام و وحدت درونی‌تان، برآستی از خوشبخت‌ترین انقلابیون معاصر هستید. حال بگذارید به شیوه‌ی

قدیم اپورتونیستی، عده‌ای "سانترالیسم" را به "کارخانه" و اعضاء و هواداران یک شکل قدرتمند انقلابی را به "پیچ و مهره" و یا "گله‌ی گوسفند" و "برده" تشبیه نمایند. این تشبیه "کارخانه" و "برده" و "پیچ و مهره" از نظر تاریخی متعلق به منشویک‌های ابتدای قرن بیستم است که تحت عناوین باصطلاح دمکراتیک! با انضباط انقلابی مخالفت ورزیده و خواستار آن بودند که تشکیلات به "عقب" و به "راست" رفته و هر بخش یا انجمن و فردی به دلخواه خود عمل کند. اگر چه امروز تقریباً نزدیک به هشتادسال از افشاء اندیویدوالیسم روشنفکرانه‌ی بورژوازی در لباس باصطلاح دمکراتیک! می‌گذرد.

لنن در این باره گفته بود: برای اندیویدوالیسم روشنفکرانه ... که تمایل خود را به طرز تفکر اپورتونیستی و جمله‌برداری آنارشیستی ثابت نمود، هرگونه سازمان ... و انضباط، حق "سرفداری" به نظر می‌آید.

بله، تأکید می‌کنم که اینکه شما توانسته‌اید کارتان را در رابطه‌ی ارگانیک با داخل کشور انجام داده و در حد خود به عمق و گسترش کافی هم دست یابید و چشم‌اندازی هم که در مقابل شما ست، نه چشم‌انداز یاس و انفعال و انشعاب و تجزیه و تلاشی، بلکه یگانگی هر چه بیشتر با خلق و با انقلاب و با سازمان و با خود و با خواهران و برادران خود و یگانگی و توحید بیشتر با ایدئولوژی و خدای خودتان است؛ افتخار و امتیاز مهمی محسوب می‌شود. وجدان و عواطف یک انقلابی به این ترتیب سرشارتر و آرام‌تر است ولو اینکه با همه‌ی سختی‌هایی هم که می‌دانید مواجه باشد. شرایط سخت، ناراحت‌کننده ولی در عین حال، سازنده است. حاصل کار را مستقیماً در

رابطه با جبهه‌ی نبرد رهائی - بخش انقلابی دیدن، تمامی فشارهای دشمن ضد بشری را به جان خریدن؛ اما به قول خودتان، درخشان‌ترین مقاومت معاصر را، نمایندگی کردن، زبانش بودن و دستش بودن و پیکش بودن ... اینها همه جای افتخار دارد.

به این ترتیب، ملاحظه

می‌کنید که هیچ انقلاب و هیچ نیروی مخالف دیگری در سایر کشورهای جهان سوم، از سازمان‌یافتگی و تشکیلی نظیر شما در خارج از مرزهای خودش برخوردار نیست ...

اما این ارزشها، این امتیازات و این گسترش کمی و کیفی، تبیین خاص خودش را هم دارد. زیرا در داخل یک باغ که همینطور بیخود و بی-جهت یک گیاه نمی‌روید که بعد گسترش پیدا بکند. یک چنین رشدی لابد حکایت می‌کند از یک زمین خاص و یک زمینه و یک شرایط و فضای خاص ...

بهین ترتیب، شما نیز حکایت می‌کنید از خلق قهرمان و در زنجیر ایران، حکایت مقاومت او هستید، حکایت انقلاب نوین خلقی در زنجیر با پیشتازان ذیصلاحش.

در حقیقت شما از یک چنین زمین و زمینهای برخاسته‌اید و یک چنان فضائی را نیز منتقل می‌کنید. همان فضا و همان جو را هم در حول خودتان ایجاد می‌کنید. اگر نبود که سایر خواهران و برادران شما، چه در سنگرهای نبرد انقلابی و چه در شکنجه‌گاهها و زندان‌ها و یا در هرکجای دیگر آنچنان نمی‌کردند، خوب در اینجا هم یک چنین زمینهای برای ما نبود. اینجاست که روشن می‌شود چرا مرزی بین "داخل" و "خارج" وجود ندارد.

این را از جای دیگر هم حس کردم. از آمادگی، از تأکیدات و از تقاضاها و درخواست‌های مکرر، برای رفتن به داخل کشور؛ حتی برای انجام عملیات مقدس فدائی، البته نه از موضع تظاهر و ظاهرسازی و ریا، بلکه از جوشش عقیده و عاطفه‌ی انقلابی. پس اگر برای شما فرقی اینجا باشد و فردا در فلان شهر یا روستای داخل وطنتان و از این استقبال می‌کنید، کما اینکه تاکنون کرده‌اید. راستی آیا جای افتخار عقیدتی نیست؟ چرا هست. بخصوص وقتی که به واقعیت‌های عمیق‌تری نیز راه می‌بریم. شما ضمناً در مجموع از زمینه و از پشتوانه‌ی اجتماعی و سیاسی و از آرمان و اراده‌ای حکایت می‌کنید؛ که منجمله به دلیل وجود خود شما؛ در پیروزی‌های جای تردید نیست. در غیر اینصورت اگر استعداد پیروزی نداشت، شما در این

ابعاد و در این سطح و با این انسجام و با این شور و شفع، در اینجا نبودید. در جای تاریخی که الان هستید نبودید. کما اینکه اگر چنانکه خمینی می‌خواست، انقلاب ایران رفته و مرده و سوخته بود، دیگر مقاومتی وجود نمی‌داشت، "جانشین"ی لازم نمی‌بود و همه چیز مثل بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تمام شده بود ... اما می‌بینید که امروز اینطور نیست ...

پس شما شاخص‌های امید و آینده‌ی یک خلق محروم، در خارج از مرزهای او هستید.

حتی وقتی که با پیگیری و پشتکار - حتی بگذارید بگویم سماجت - برای فروش یک نشریه یا دریافت کمک مالی بسراغ هوطنانمان می‌روید، معنایش این است که پشت مساله‌ی (ایران) را کسی دارد. مساله رها نشده.

همچنان که در داخل کشور مشخص است که کسی دنبال کار را دارد. این بخودی خود، بسیار امیدوار کننده است. حتی اگر فرض کنیم که برخی از مراجعات و پشتکار شما ناراحت هم باشند. که البته امیدوارم اینطور نباشد. اما در ورای همه‌ی اینها، همه می‌دانند که مقاومت ایران هست. شعله می‌کشد. اینها (شما) نمایندگان شما هستند. اینها قاصدهایش هستند. دنبال قضیه را دارند. قضیه را رها نکرده‌اند ...

این کم چیزی نیست. بهای آن را وقتی می‌شود فهمید که چنین چیزی نمی‌بود. سوت و کور می‌بود، خبری نمی‌بود ...

فرض کنیم در یک محیط تاریک، یک خرمن آتش یا حتی یک شمع بسوزد. حالا مقایسه کنید با وقتی که آن خرمن یا شعله نباشد. هم‌ماش تاریکی و یاس و انفعال خواهد بود. و به سر و گله‌ی هم زدن ...

اما تا وقتی که شعله روشن است، دیو تاریکی هر چند هم بطور موقت مسلط باشد، نخواهد توانست تنوره بکشد و همه چیز را در دریای ظلمات خود غرقه کند. آری، شعله‌ی مقدس مقاومت خلق زبانه می‌کشد. آنجا هست. کار خودش را می‌کند ... خوب، این وضعیت شامت؛ وضیعت خواهران و برادرانتان در داخل کشور را هم که می‌دانید. وضعیت سازمان را هم می‌دانید. حالا وقتی که من می‌گویم "سازمان"، به هیچ وجه منظورم یک ارزش یا دارائی گروهی نیست. نه! منظورم یک گنجینه‌ی ملی است.

منظورم یک گنجینه‌ی تاریخی برای تمام مردم ایران است



## سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی در جمع گروهی از مسئولین و نمایندگان اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور

که رایت شرف و پرچم امید و آرزوی آنها را با تمام مرارت‌ها و خون‌هایش به دوش می‌کشد. بهای آنرا هم هر روز و هر شب در هر کجا می‌پردازد. فناپذیری و مقاومت انسان ایرانی را در بحبوحه وحشی‌گری خمینی نمایندگی می‌کند. خمینی ضدبشر آمده است تا انسان ایرانی را تحقیر و نابود کند. بی‌گفتار! بی‌نور! به چه روز سیاهی نشاندم! نفس هم نمی‌توانی بکشی! بچش! هر ننگ و فضاحتی را به اسم اسلام و به اسم خدا بچش! هر چه دلم بخواهد به سرت می‌آورم! می‌کشم! داغان می‌کنم! تخریب می‌کنم! حرف هم نمی‌توانی بزنی! سکوت کن! سرت را بیانداز پائین و مجیز ما را بگو! ... اما نسل شما می‌گوید: نه! نه!

مقاومت می‌کنم! پس هشتم! این مقاومت مبین اعتبار وجود من و خلق من است! تو می‌خواهی همه چیز را اسیر تاریکی و یاس و حرمان بکنی! من با تو مبارزه می‌کنم! می‌جنگم! بهایش را هم می‌پردازم و تا خشت آخر، بنای حکومت ننگین ظلم و ستم تو را از بن برمی‌کنم! واژگونت می‌کنم! دفتر ننگ و جنایت تو را از هم می‌درم! حالا بجنگ تا بجنگیم! با چنگ و ناخن و دندان هم می‌جنگیم! با مال و جان و عزیزان و خانمان می‌جنگیم! آن در داخل کشور و این هم نمونهی کارمان در خارج کشور. هر چقدر تو امکانات زیادت‌تر باشد من اراده‌ام قوی‌تر خواهد بود و آن را بیشتر صیقل خواهم زد! سر از پان‌خواهم شناخت و سرانجام به هدفم خواهم رسید ... بله، همین که ملتی مرگ سرخ را بر تسلیم سیاه ترجیح داد، از آن لحظه شکست‌ناپذیر می‌شود.

خواهران، برادران؛ شما منادی یک چنین پیامی هستید، شما پیام‌آوران خلق در زنجیر ایرانید، چه کسی تردید دارد که خلق ما پیروز نخواهد شد. در این هیچ تردید نکنید! پس وقتی من صحبت از مجاهدین می‌کنم منظورم تنها یک تشکل گروهی نیست.

منظورم گنجینه‌ایست که از جوانب مختلف در سطح منطقه‌ی (خاورمیانه) ما بی‌نظیر است. یک روزی حزب توده به ما می‌گفت که این مجاهدین خیلی خودخواه و خودمحورند. وقتی چماق‌دارها به آنها حمله و هجوم می‌کنند، فریاد می‌کنند که: ای وای رژیم ارتجاعی است. حال اینکه این زدن و بستن‌ها، امور فرعی! هستند و می‌گفت که تخطئه زدن و بستن مجاهدین، دلیل ارتجاعی بودن رژیم نیست ...

اما امروز شما می‌دانید که "سوخی‌های بی‌مزه‌ی" آن روز، امروز دیگر به کلی افشاه شده‌اند. آرزو ما می‌گفتیم که اگر به هزار و یک دلیل محسوس و ملموس، این درست است که خمینی در چهره‌ی مجاهدین بنابه تصریح خودش دشمن اصلی‌اش را می‌بیند؛ پس (مضافاً بر اینکه در شرایط مشخص روز و در مرحله‌ی که در آن قرار داریم؛ بارزترین شاخص انقلاب ایران سازمان مجاهدین خلق ایران است) "مجاهدزدائی" و سرکوب مجاهدین و سرکوب همه‌ی انقلابیون دیگر امری ضدانقلابی است ...

اما این حقیقت از سوی دیگر، مسئولیت‌های خود ما را سنگین می‌کند. هر روز سنگین‌تر ... بله، با این فداکاری‌ها، با این صداقت‌ها و با این درجه از آگاهی انقلابی بود که سازمان شما، تنها سازمانی بود که منشعب نشد. قطعه قطعه نشد. هر روز منسجم‌تر شد. حتی وقتی که ضربه می‌خورد.

راستی آیا کسی هست که به اندازه‌ی مجاهدین، برای دمکراسی و آزادی و استقلال ایران و آرمان محرومان ایران بها پرداخته باشد؟ پای حرف‌هایش خوابیده باشد؟ معنی تک‌تک کلماتش را دانسته و با خون امضاء کرده باشد؟ هنوز در گوش من زنگ می‌زند این رهنمود دائمی بنیانگذار کبیرمان محمد حنیف‌نژاد، این قرآن کوچکی که در دست دارم، مال او بود که دائماً می‌خواند. حاشیه‌نویسی‌های او هم به خط خودش در کناره‌ها هست. او پیوسته تکرار می‌کرد که "معنی کلمات" خود را بفهمید. کلمات را بوج و حقیر و بی‌محتوی نکنید ...

خوب، حالا بگذارید از همه‌ی آنهایی که با داعیه‌های کاذب دمکراتیک! خیال خام

مجاهدزدائی و درهم شکستن مجاهدین را در سر می‌پرورند، بی‌پرسم: به راستی در شرایط مشخص امروز ایران و جهان، در چشم‌انداز فعلی و با عنایت به واقعیات موجود، آیا بدون مجاهدین در ایران یک دمکراسی واقعی و پایدار متصور است؟ یا تضمین کدام نیرو؟ به شرط اینکه روی کاغذ صحبت نکنیم، بی‌انید در صحنه‌ی عمل و اجتماع ...

حالا اگر این نکاتی که گفتم روشن است، امیدوارم که شما (خواهران و برادران) جای تاریخی خود را بخوبی درک کرده باشید. حال بگذارید یک عده‌ای در خارجه بنشینند، فدا شدن و عمل برای گرفتن آزادی در سطح سراسری و در داخل کشور را واگذار کنند به شما؛ ولی دم‌گرفتن! برای آزادی و حرف آن را اختصاص بدهند به خودشان!! مهم نیست!

این هم یک نوع تقسیم کار است! نمی‌دانم چرا این همه بر علیه ما می‌گویند و می‌نویسند ولی تا بحال من این نکته‌ی آخری را در فرمایشات آن‌ها ندیده‌ام! این هم از طنزهای روزگار ماست! روزگار خمینی‌زدگی و خمینی‌گزیدگی. اما مطمئن باشید که در داخل میهنمان وضعیت اینطور نیست. در رابطه با توده‌های آگاه شده‌ی مردمان اینطور نیست. از خمینی به بعد نزدیک به چهار سال و نیم تجربه پشت سر دارند. آیا تجربه‌ها فراموش شده است؟ نه! اگر در روزها یا ماههای اول انقلاب خطوط و حرف‌های مجاهدین به قدر کافی برای همگان مفهوم نبود، اگر تفاوت شما با سایر مدعیان روشن نبود، امروز دیگر وسیع‌ترین اقشار خلق بخوبی هر کس و هر گروه را شناخته که چه در چننه دارد. ولو اینکه عده‌ای خودشان را به فراموش‌کاری و نسیان بزنند و همان حرف‌ها را تکرار کنند. اما همه می‌دانند که بالاخره نیروها و احزاب و جریان‌های مختلف، هر کدام استراتژی و خطی داشتند، که اکنون نتایج عملی آن کاملاً طی این مدت بارز شده است. این نتایج که دیگر مخفی گردنی نیست. مردم دیده‌اند و می‌بینند و می‌دانند. خیلی چیزها روشن شده و بعد از این باز هم روشن‌تر خواهد شد. معنی تکامل و تعمیق انقلاب نیز همین است.

خوب، حالا از شما می‌پرسم فی‌الواقع برای تضمین آزادی و استقلال و نظامان چه تضمین اساسی غیر از سازمان مجاهدین خلق ایران در شرایط حاضر وجود دارد؟

تضمین را که از کشورهای خارجی نمی‌شود قبول کرد! تضمین را باید در داخل همین جامعه در سطح آگاهی و شناخت - های توده‌ی مردم و در درون نیروهای شاخص مردمی و در کم و کیف رشیدترین فرزندان و رزمندگان راه آزادی مردم جستجو کرد.

آیا اگر فرض کنیم که سازمان مجاهدین دیگر وجود ندارد؛ آیا صورت مسأله‌ی ایران فرق نمی‌کند؟ کاش یک سازمان بهتر و عالی‌تری وجود می‌داشت. اما اگر نخواهیم روی کاغذ حرف بزنیم و بخواهیم در عالم واقع به ارزیابی واقعیات بنشینیم، اینطور نیست ...

کار شما هم در پیوند ارگانیک با مبارزه‌ی چنین سازمانی است. درست به همین دلیل از تمام صحبت‌هایی که تاکنون کردم، این نتیجه را می‌خواهم بگیرم که بطور عملی و واقعی، مسئولیت و رسالت تاریخی‌مان را درک کنیم. و اینکه در کجای تاریخ نشسته‌ایم و اینکه به مثابه‌ی مهم‌ترین و حتی تنها نقطه‌ی امید بالفعل برای یک خلق محروم، چه مسئولیتی روی دوشمان هست و از ما چه انتظاراتی می‌رود؟ اگر سازمان شما نباشد صورت مسأله‌ی ایران فرق می‌کند. آنوقت در تعادل قوای موجود داخلی و بین‌المللی، معادلات جدیدی مطرح می‌شود ...

بله، این جایگاه شما و به همین دلیل مسئولیت شماست. همان طور که در گزارشات بود؛ شما بارهای تدارکاتی - اجرائی یک جانشین دمکراتیک - یعنی شورای ملی مقاومت - را نیز در حد توان خود بر دوش دارید. وظائف و مسائل اخص سازمانی خودتان هم که هست. مشکلات صنفی هم فراوان دارید. می‌دانم که سنگین است. می‌دانم که حساس و رنجیده می‌شوید. اما به نظر من قبل از هر چیز باید به این حقیقت توجه بکنید که نه در مقام یک اتحادیه و انجمن معمولی دانشجویی، بلکه با خصوصیات و کاراکترهایی که گفتم؛ دارید حرکت می‌کنید. پس این زحمات شایسته‌ی موضع

شماست ...

زیرا برای اولین بار در تاریخ ایران، ما با یک جانشین و آلترناتیوی مواجه هستیم - شورای ملی مقاومت - که در کانون آن یک نیروی بالنده‌ی انقلابی - دمکراتیک به معنی اخص کلمه قرار دارد. این از هر حیث بی‌سابقه است. فکر نکنید که کم چیزی است. خلق ما برای ایجاد یک چنین جانشینی با همه‌ی نقایصش، بهای بسیار گزاف پرداخته. راستی اگر این شانس از بین برود دیگر بالفعل چه چیز باقی می‌ماند؟ پس به آنچه برای شورا کرده‌ایم افتخار می‌کنیم. اگر دستمان برسد باز هم بیشتر خواهیم کرد. شما هم در هر کجا که هستید، بکنید. در حد توان خود از دستورالعمل‌های نمایندگان شورا در کشورهای مختلف - هر اختلاف نظری هم که با آنها داشته باشید - تبعیت کنید. برای آنها که عالیترین مسئولین اجرائی شورا در کشورهای مختلف هستند، امکانات و فضای حرکت و جلسات بحث و گفتگو با سایر هموطنانمان ترتیب بدهید.

به‌عنوان مسئول شورا نیز تاکید می‌کنم، که در عین حال که کلیه‌ی اعضاء شورا و هواداران آنها در کشورهای مختلف، در ارتباطات سیاسی و برگزاری مراسم اخص گروهی و حزبی و سازمانی خود آزادند؛ اما نماینده و بالاترین مسئول اجرائی و سخنگوی شورا در کشورهای مختلف؛ نمایندگانی هستند که معرفی کرده‌ام. علیهذا هیچ جریان و حزب و سازمان یا گروهی - در عین آزادی در عملکرد گروهی خود - حق ندارد بنام شورا از بالای سر نمایندگان شورا، حرکت کند یا تصمیمی بگیرد. البته حساب مسئولیت‌هایی که از جانب نمایندگان شورا به هر کس واگذار می‌شود جداست. اگر هم به رفتار و کردار نمایندگی‌های شورا ایرادی دارید از دستورات آنها تبعیت کنید و سپس انتقادات خود را بطور خصوصی به آنها اطلاع دهید؛ مسئول کارهای آنها در نهایت مسئول شورا است. یعنی خود من هستم. بنابراین در رابطه با مسائل مربوط به شورا نگران نباشید. دست نمایندگی‌ها در چارچوب مصوبات شورا در هر تصمیمی که بگیرند و در هر کاری که بخواهند بکنند، کاملاً باز است. شما در این رابطه باید همکاری کنید و اگر هم کارتان تا بحال کمترین اشکالی داشته هر چه زودتر آن را رفع کنید ...



## بازتاب نامه برادر مجاهد مسعود رجوی به رئیس کنفرانس سازمان بین المللی کار

گزارشی از نشست و نهمین اجلاس  
کنفرانس بین المللی کار

بقیه از صفحه ۲۹

امضاء کنندگان آن قبول و تضمین می نماید که تفاوت های مربوط به مذهب، عقاید سیاسی، نژادی، قومی، جنسی، خانوادگی و اجتماعی موجب هیچ نوع تبعیضی در زمینه های کار و شغل و مزد بین اتباع وی نخواهد شد و در درجه اول خود دولت متعهد می شود که با ایجاد قوانین و انواع اقدامات جلوی هرگونه تبعیض را نیز بگیرد. همچنین کشور امضاءکننده، صراحتاً قبول می کند که هیچکس را به دلایل فوق الذکر از کار خود اخراج نکند و در هر حال حق استیناف قضائی را برای همه مردم کشور خود ضمانت بنماید.

در همین رابطه طبق مقررات سازمان بین المللی کار، دولت هایی که عضویت این سازمان را قبول کرده و تعدادی از کنوانسیون های مربوط به "کار" را می پذیرند و تضمین می نمایند، موظفند که هر ساله گزارش مفصلی در زمینه های مختلف مربوط به زندگی کارگران و بطور کلی مزدبگیران و اقدامات و سیاست های خود در باره ی نحوه ارتقاء مادی و معنوی محیط و شرایط کار آنها به این سازمان ارائه نموده و در برابر کمیسیون های مربوطه جوابگو باشند.

## طرز برخورد رژیم خمینی با مسائل مربوط به "کار"

طی چهار سالی که از انقلاب می گذرد، رژیم خمینی از ارائه ی یک گزارش واقعی که واجد جنبه های بالا باشد، مرتباً طفره رفته و در گزارشات خود اعلام کرده است که: "سیاست های شغلی در ایران مورد بررسی می باشند تا با توجه به احتیاجات جامعه ی اسلامی ایران یک سیاست اقتصادی و اجتماعی هم آهنگ با این جامعه اتخاذ شود" (گزارش کمیسیون متخصصین برای اجرای معاهدات و سفارشات، ژنو، دفتر بین المللی کار، ۱۹۸۳ ص ۲۹۹) و در جواب مسئله ی عدم رعایت کنوانسیون ۱۱۱ (مربوط به تبعیض) توسط رژیم، نمایندگان خمینی طبق معمول به کلی گوئی و ذکر بعضی اصول (اجراء نشده) قانون اساسی شان برداخته و از جمله گفتند:

"قانون اساسی، مبنای حقوق بشر، آزادی تشکیل احزاب، جمعیت های مذهبی و سیاسی و صنفی، و همچنین ایجاد انجمن های اسلامی و انجمن های مذهبی توسط اقلیت های مذهبی را، به رسمیت شناخته است..." (مدرک منتشر شده توسط کنفرانس بین المللی کار تحت کد C. A. P. / D. 10 صفحه ی ۶- ژوئن ۱۹۸۳)

## اقدامات مجاهدین در رابطه با کنفرانس بین المللی کار و نامه های برادر مجاهد مسعود رجوی به سازمان کنفرانس بین المللی کار

تاکنون از سوی برادر مجاهد مسعود رجوی نامه های ذیل به کنفرانس و با به رئیس سازمان بین المللی کار ارسال گردیده است:

۱- نامه ی مورخ ۱۵ مارس ۸۲ (۲۴ اسفند ۱۳۶۱) در مورد اعدام حداقل ۱۱ تن از کارگران اعتصابی کارخانجات پارس موتور، جنرال موتورز، پارس و دستگیری و اعدام تعدادی از کارگران کارخانجات سیمان فارس، پالایشگاه شیراز، قسمتی از شرکت نفت، ایران ناسیونال و ماشین سازی تبریز

۲- نامه ی مورخ ۲۳ مه ۱۹۸۲ (۲ خرداد ۶۱) مربوط به اعتصاب در کارخانجات جنرال موتورز، خاور، زامیاد، سایپا، ولوو، کاوه، و دستگیری حداقل ۴۵ تن از کارگران با ذکر اسامی آنها

۳- نامه ی مورخ ۸ ژوئن ۱۹۸۳ (۱۸ خرداد ۱۳۶۲) به رئیس شمت و نهمین کنفرانس بین المللی کار که در مجاهد شماره ی ۱۵۶ به چاپ رسید.

از سوی دیگر، هواداران مجاهدین در کشورهای گوناگون جهان، با تماس با سندیکاها و سازمان های کارگری سعی کردند ماهیت ضدکارگری رژیم خمینی و شرایط پر اختناق کارگران ایرانی را برای آنان تشریح و آنان را تشویق به افشاکاری و مخصوصاً انجام اقدامات در جهت آگاه کردن سازمان بین المللی کار، به وضعیت کارگران در ایران بنمایند. بدنبال این اقدامات

فدراسیون متحد سراسری کارگران ایتالیا متشکل از کنفدراسیون سراسری کارگران ایتالیا (C G I L) کنفدراسیون سندیکائی کارگران ایتالیا (C I S L) و اتحادیه کارگران ایتالیا (U I L) تلگراف ذیل را خطاب به رئیس سازمان بین المللی کار ارسال داشت:

خبرهای مربوط به سرکوب کارگران اعتصابی در ایران از طریق اعمال اخراج، دستگیری، شرایط غیرانسانی، زندان، و اعدام باعث نگرانی عمیق کارگران ایتالیا گردیده است. بنا بر اطلاعاتی منتشره از طرف سازمان عفو بین الملل ۴۵ تن از کارگران پارس الکتریک، جنرال موتورز و اداره ی مخابرات تهران در میان دستگیرشدگان دیده می شوند. بنا بر این اعزام هیئتی از طرف دفتر بین المللی کار برای تحقیق در مورد وضعیت واقعی و احترام به حقوق سندیکائی و مدنی آنان را ضروری می دانیم.

از طرف روسای فدراسیون متحد سراسری کارگران ایتالیا مانیو - گابالیو - لواتی ۱۹۸۲/۱۰/۲۸

همچنین فدراسیون کارگران فلزکار ایتالیا (F L M) تلگراف دیگری به شرح ذیل به رئیس سازمان بین المللی کار مخابره نمود:

اخبار اختناق در قبال اعتصاب کارگران ایرانی حاکی از اخراج، دستگیری، شکنجه، زندان و تیرباران می باشد. همانطوری که در کارخانه ی پارس الکتریک و اداره ی مخابرات تهران اتفاق افتاده است.

ما از طرف فلزکاران ایتالیا اعتراض خود را علیه نقض اساسی حقوق اجتماعی و سندیکائی اعلام می داریم و خواهانیم که سازمان بین المللی کار در نشست بعدی خود نقض مگر حقوق سندیکائی در ایران را مورد بررسی قرار دهد.

مدیریت فدراسیون کارگران فلزکار ایتالیا نیتی ولی - گالی - ورونز در رابطه با این اقدامات "کمیته ی آزادی های سندیکائی" وابسته به سازمان بین المللی کار با استفاده از ماده ی ۲۶ کنوانسیون بین المللی کار،

اخیراً شکایتی به "شورای اداری سازمان بین المللی کار" در مورد اینکه "رژیم ایران ایدآزادی های سندیکائی را رعایت نمی کند" تسلیم داشته است.

## اقدامات نماینده شورای ملی مقاومت در ژنو در جریان برگزاری کنفرانس

بلافاصله پس از شروع کار کنفرانس، آقای دکتر کاظم رجوی نماینده شورای ملی مقاومت در ژنو، طی تماس با اغلب هیئت های نمایندگی و بخصوص نمایندگان کارگران، و ضمن ارائه ی اسناد و مدارک و آمار، وضعیت کارگران ایران را برایشان توضیح داد. طی این تماس ها همچنین نامه ی برادر مجاهد مسعود رجوی خطاب به رئیس کنفرانس (مدرج در مجاهد ۱۵۶) بین روسای هیئت های نمایندگی سه گانه ی کنفرانس و بخصوص میان نمایندگان سندیکاها ی کارگری و مطبوعات توزیع گردید.

این نامه اثر بسیار عمیقی بر روی نمایندگان، در جهت آشنا ساختن آنها با ماهیت دجال و ضدبشری و ضدکارگری رژیم خمینی داشت و در نتیجه؛ نطق های نمایندگان رژیم خمینی و بخصوص "صد امپریالیسم نمائی و "ستضعف" گرائی آنان با تمسخر و گاه خنده ی شدید نمایندگان روبرو می شد.

بدنبال آگاهی نسبی نمایندگان از فشارهای وارده بر روی کارگران ایران، سیل سوالات و بخصوص سوالات نمایندگان سندیکاها ی مختلف کارگری به طرف مزدوران خمینی سرازیر شد. بخشی از مطالب نمایندگان سندیکاها ی کارگری که پس از تصویب اجلاس عمومی کنفرانس، در صورت مجلس آن عیناً ضبط و چاپ و منتشر شده به شرح زیر است:

"نمایندگان اعضاء سندیکاها ی کارگری اعلام نمودند که کمیسیون در این مورد (ایران) مواجه با شدیدترین نمونه های نقض مهم ترین معاهدات بر مبنای اعتقادات مذهبی است. معاهده ی ۱۱۱ حتی وسیله ی قانون اساسی ایران نقض شده و باید که این وضع تغییر نماید. دولت ایران به منظور فرار از مسئولیت خود در مقابل نقض قراردادهای و تعهداتش فقط به گله ی توطئه اکتفا می کند تا بدین وسیله از طرح موضوع اجتناب نماید.

اعضاء هیئت های کارگری ضمن ایراد عمیق ترین اعتراضات یادآوری می کنند که نماینده ی دولت ایران ایدآ

چیزی که موجب تغییر نظر آنان در رابطه با نقض حقوق کار و معاهده ی ۱۱۱ در ایران بشود نگفت..."

نماینده ی سندیکاها ی کارگری فرانسه اعلام کرد که "به نظر می رسد که دولت ایران فاکت های (نقض کنوانسیون ۱۱۱) را قبول داشته و سعی در توجیه آن می نماید..."

این مورد (ایران) بسیار ویژه است و سازمان بین المللی کار بایستی نهایت تلاش خود را از طریق اطلاعات، کمک ها و حتی تماس ها بنماید تا به دولت (ایران) تفهیم شود که چنانچه دیالوگ و حق اختلاف عقیده را از مردم خود سلب نماید در میان جامعه ی جهانی منزوی خواهد شد"

نماینده ی کارگران هلند طی نطق خود در رابطه با عدم اجرای معاهده ی ۱۱۱ توسط ایران اعلام کرد که "وضع جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد که این کشور از ارزش هائی پیروی می کند که از بسیاری جهات با ارزش ها و با اصول و میانی سازمان بین المللی کار، که بسیاری از کشورهای جهان از آن جمله جمهوری اسلامی ایران آن را قبول کرده اند، کاملاً مخالف است. مورد ایران مثال بسیار خوبی برای نشان دادن این واقعیت است که قبول اصول متعدد برای سازمان بین المللی کار تا چه اندازه مخطرناک است."

وی با ذکر مثال های خاصی از تبعیض نژادی در ایران و با اشاره به نامه ی برادر مجاهد مسعود رجوی گفت:

"... کنوانسیون (۱۱۱) فقط از ممنوعیت تبعیض به علت دلایل مذهبی صحبت نکرده بلکه هرگونه تبعیض به علت اختلاف نژاد، رنگ، جنس، عقاید سیاسی، وابستگی های ملی و بنیان اجتماعی را نیز تحریم نموده است. من از منابع مختلف اعم از عمومی و خصوصی اطلاع حاصل کردم که در ایران تبعیض عمیقی بر مبنای جنس وجود دارد. هزاران زن تحت عنوان پاکسازی از مشاغل خود اخراج شده اند. زنانی که حاضر به پوشیدن چادر در محل کار نبودند اخراج شده اند... من از نماینده ی دولت (ایران) می خواهم که در مورد صحت یا کذب مطالب زیر توضیح دهد:

- آیا به علت ترجیح دادن عقاید سیاسی دیگری غیر از عقاید رژیم، اشخاص می توانند مورد تبعیض واقع شوند؟ - حکومت شما چه موضعی



**بازتاب نامه برادر مجاهد مسعود رجوی به رئیس کنفرانس سازمان بین المللی کار****گزارشی از شصت و نهمین اجلاس کنفرانس بین المللی کار**

آنهاست تطابق دارند؟ چنانچه جواب روشنی به این سوال مهم داده نشود هر نوع مباحثه‌ای با رژیم ایران بی‌فایده است"

سایر نمایندگان نیز سخنانی در تصدیق مطالب نماینده‌ی سندیکاهاى کارگری هلند بیان داشتند.

نماینده‌ی خمینی، عاجز از پاسخگویی منطقی به سوالات آنان به توجیه مذبحخانه‌ی رفتار رژیم پرداخت و گفت: "دولت اسلامی تنها زمانی

ارزش‌ها و ضوابط سازمان بین‌المللی کار را می‌پذیرد که آنها منطبق با اسلام باشند" و به این ترتیب بار دیگر باعث تمسخر و بی‌وزخند نمایندگان شد.

(همه‌ی نقل قول‌های بالا از صورت‌مجلس موقت کنفرانس بین‌المللی کار شماره‌ی ۳۱، منتشره در ۲۰ ژوئن ۸۳ می‌باشد)

**پاسخ رئیس کنفرانس بین المللی کار به نامه****برادر مجاهد مسعود رجوی**

در پاسخ به نامه‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی، از طرف رئیس کنفرانس بین‌المللی کار نامه‌ای خطاب به ایشان ارسال گردید. طی این نامه رئیس کنفرانس ضمن تشکر بخاطر ارسال این نامه عنوان کرده

در قبال مخالفین سیاسی خود مثل هواداران مجاهدین خلق و یا شورای ملی مقاومت اتخاذ کرده است؟

آیا مطابق با ماده‌ی ۴ کنوانسیون ۱۱۱ دولت به مجاهدین خلق و طرفداران شورای ملی مقاومت (چنانچه دستخوش تبعیض واقع شوند) اجازه‌ی دفاع از خود و استیفاء قضائی را می‌دهد؟

بالاتر از این لازم است که دولت ایران در رابطه با رفتارش با اقلیت‌های قومی مثل کردها، ترک‌ها، اعراب و بلوچ‌ها و اینکه آیا آنان در رابطه با شغل و استخدام، آزاد از تبعیض هستند یا نه، به کمیسیون گزارش دهد.

برای بررسی جدی تبعیض در شغل و استخدام در کشور (ایران) لازم است که کمیسیون متخصصین در گزارش آینده‌اش گزارش عام تهیه کند، که دربرگیرنده‌ی همه‌ی موارد تبعیض اعم از موارد (تبعیض به علت) مذهب، جنسیت، عقیده‌ی سیاسی، وابستگی‌های ملی و اجتماعی باشد.

لذا من تقاضا می‌کنم که رژیم ایران به این سوال اساسی جواب بدهد که: "آیا ارزش‌هایی که رژیم از آن تبعیت می‌کند با ارزش‌هایی که سازمان بین‌المللی کار مدافع

است که: "... ترتیباتی داده شده تا نامه‌ی شما توسط دفتر بین‌المللی کار و بخصوص بخش تخصصی مسئول نظارت و پیاده کردن استانداردهای بین‌المللی کار، مطالعه گردد. این بخش پس از اتمام اجلاس حاضر کنفرانس در زمان مناسب با شما تماس خواهد گرفت"

(از نامه‌ی ۱۷ ژوئن از طرف آقای بولگر به برادر مجاهد مسعود رجوی)

**انعکاس نامه افشاگرانه****برادر مجاهد مسعود رجوی****به رئیس کنفرانس****در مطبوعات و وسائل****ارتباط جمعی جهان**

نامه‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی در زمینه‌ی افشاء شرایط دشوار کارگران در ایران که خطاب به رئیس شصت و نهمین کنفرانس بین‌المللی کار نوشته شده بود، در مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی جهان نیز وسیعاً انعکاس یافت که ذیلاً نظر خوانندگان را به گوشه‌هایی از آن جلب می‌کنیم:

روزنامه‌ی "زود دو بیچه سائوتنگ" چاپ آلمان در روز چهارشنبه ۱۵ ژوئن نوشت: از ایران به سازمان

بین‌المللی کار شکایت شده است. مخالفین، رژیم تهران را بخاطر زیر پا گذاشتن قوانین بین‌المللی کار محکوم می‌کنند.

ژنو - رویتر - یک رهبر مخالفین رژیم ایران، در سازمان بین‌المللی کار زمامداران امور در میهنش را شدیداً محکوم کرد. مسعود رجوی رئیس شورای ملی مقاومت ایران، که در پاریس بسر می‌برد، طی یک نامه سرگشاده‌ای به اجلاس سالیانه‌ی سازمان بین‌المللی کار نوشت: در ایران کارگران اعدام می‌شوند، اعتصاب به زور پایان داده شده و هزاران نفر از کارگران به خاطر اعتراض علیه کاهش دستمزدهایشان اخراج شده‌اند. علاوه بر این تغییراتی در قوانین کار در نظر گرفته شده است که ۹ ماده از قانون ۱۱ ماده‌ای سازمان بین‌المللی کار و پذیرفتن شده از سوی ایران را نقض می‌کند. رجوی اطلاع داد که در سال ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲، ۷۶ کارگر که همگی علیه رژیم مخفیانه فعالیت می‌کردند اعدام شده‌اند. اغلب جهت خاتمه دادن به اعتصابات از پاسداران استفاده می‌شود. رجوی در این باره ۱۰ مورد برشمرد که طی آنها کارگران علیه کاهش دستمزدها، خراب‌تر شدن شرایط کار و احضار همکارانشان به خدمت در جنگ علیه عراق اعتراض کرده بودند. به گفته‌ی رجوی، در قانون کار جدید، روز تعطیل هفته، دستمزد مساوی برای زن و مرد، حق مزد ثابت، حق دریافت خسارات ناشی از تصادفات، آزادی انتخاب محل

و در نتیجه ایادی رژیم مجبور به عقب‌نشینی شده و تن به مذاکره با روستائیان می‌دهند. قابل توجه است که مزدوران رژیم سعی می‌کردند با عوام‌فریبی و با استدلالاتی از قبیل اینکه: "اگر ما خواسته‌ی شما را قبول کنیم هر روز نوبت یک روستای دیگر می‌شود، و آنها هم از ما آب می‌خواهند" از پذیرفتن خواسته‌های مشروع روستائیان خودداری کنند، اما سرانجام در اثر مقاومت یکپارچه‌ی اهالی روستا، عوامل رژیم قولنامه‌ای می‌نویسند که بر اساس آن هر هفته ۴۸ ساعت آب چاه در اختیار اهالی روستا باشد. مردم روستا پس از موفقیت در بدست آوردن قسمتی از خواسته‌هایشان و در آزادی آزاد شدن ۶ نفر افراد دستگیر شده روستا، ۳ پاسداری را که دستگیر کرده و به گروگان گرفته بودند آزاد می‌نمایند.

**روستائیان قهریزجان (نجف‌آباد) در اعتراض به غصب چاه آب****توسط "بنیاد مستضعفان" با پاسداران خمینی درگیر شدند**

اهالی روستای قهریزجان ۳ تن از پاسداران سرکوبگر رژیم را تا آزاد شدن روستائیان دستگیر شده و برآورده شدن خواسته‌هایشان به گروگان گرفتند.

صدخلقی نجف‌آباد اطلاع می‌دهد که در نتیجه بلافاصله چند صد نفر از پاسداران مزدور به سرکردگی نمازی خائن فرماندهی سپاه نجف‌آباد به روستا حمله کرده و با تیراندازی هوایی سعی در متفرق نمودن اهالی می‌نمایند. اما اهالی به مقاومت و درگیری بر علیه پاسداران می‌پردازند و هنگامی که ۶ نفر از اهالی توسط پاسداران دستگیر می‌شوند، مردم روستا نیز متقابلاً ۳ نفر از پاسداران را همراه با سلاح‌هایشان به گروگان می‌گیرند

و پس از سقوط آن رژیم، نیز بنیاد باصلاح مستضعفین آن را تصاحب نموده و آب آن را به مصرف گاوداری و مراتع متعلق به خودش می‌رساند. از سوی دیگر در اوایل اردیبهشت ماه جاری اهالی روستا که از شدت بی‌آبی سخت تحت فشار بودند، به گاوداری بنیاد هجوم برده و خواستار استفاده از آب چاه می‌شوند اما در پاسخ آنها مزدوری که از طرف بنیاد به عنوان متصدی چاه گمارده شده بود (سید رضا اسماعیلیان) به سپاه

اوایل اردیبهشت ماه سال جاری اهالی روستای قهریزجان نجف‌آباد، بخاطر بی‌آبی و در اعتراض به غصب تنها چاه آب روستا توسط غارتگران باصلاح "بنیاد مستضعفان" اقدام به تصرف این چاه می‌کنند. روستای قهریزجان از توابع نجف‌آباد اصفهان است و چاه آبی که اهالی این روستا در رابطه با استفاده از آن با مزدوران رژیم درگیر شده‌اند، در گذشته در نیول شاهزاده غلامعلی میرزا (از وابستگان به رژیم شاه خائن) قرار داشت.

کار و حقوق مساوی برای استخدام از کارگران سلب شده است. روزنامه‌ی "اومانیت" (ارگان حزب کمونیست فرانسه) در تاریخ ۱۸ ژوئن ۸۳ نوشت:

**شکایت علیه ایران**

آقای مسعود رجوی، رئیس شورای ملی مقاومت ایران که در پاریس در تبعید بسر می‌برد، طی یک نامه سرگشاده به سازمان بین‌المللی کار تجاوزات وارده به حقوق بشر و کارگران را در ایران افشاء می‌کند. او چندین مورد تجاوز آشکار (رژیم خمینی) به کنوانسیون OIT (سازمان بین‌المللی کار) در رابطه با شرایط کار را بر شمرده و استفاده از خشونت بر علیه کارگران را افشاء می‌کند. او اظهار می‌کند که حداقل ۷۶ کارگر در ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ اعدام شده‌اند و ۷۰۰۰ تن از ۹۵۰۰ کارگر در کارخانه‌ی ذوب‌آهن اهواز به دلیل اعتصاب اخراج شده‌اند.

نامه‌ی سرگشاده به OIT در آخر خاطر نشان می‌کند که لایحه‌ی قانون کار که در حال تصویب در مجلس ایران است "بیشتر یک قانون بردگی است تا یک قانون کار" این قانون به کودکان اجازه‌ی کار داده و حق استراحت هفتگی، حق بازنشستگی و برابری جنسی را هنگام کار تضمین نمی‌کند.

خبرگزاری رویتر، روزنامه‌ی لومتن (چاپ فرانسه) و بخش‌های فارسی زبان رادیوهای خارجی نیز گزارشات مربوط به این نامه را منتشر نمودند \*

خبر این درگیری و مقاومت در سطح تمامی روستاها و شهرهای منطقه که آنها نیز شدیداً دچار بی‌آبی هستند نیز منعکس شده است.

**مشکل بی‌آبی در منطقه نجف‌آباد**

همانطور که اشاره شد مشکل کم‌آبی تنها مربوط به روستای قهریزجان نیست، بلکه در تمام مناطق روستائی نجف‌آباد (حدود صد روستا) این مشکل وجود دارد، شدت بی‌آبی به حدی است که شهرهایی نظیر یزدان‌شهر، دولت‌آباد و موسی‌آباد هم آب آشامیدنی ندارند. و حتی برای شهرستان نسبتاً بزرگی مثل تیران، بوسیله‌ی تعداد معدودی تانکر از جاهای نجف‌آباد آب بقیه در صفحه‌ی بعد



## اطلاعیه‌های نظامی سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

## برخی عملیات پیشه‌رگه‌های مجاهد خلق در منطقه بانه - سردشت طی دو هفته

بنام خدا  
و  
بنام خلق قهرمان ایران

هم‌میهنان مبارز!  
مردم مقاوم کردستان!  
علاوه بر تلفات سنگین پاسداران و مزدوران ضدخلقی خمینی جلا در روزهای آخر خردادماه که با مقاومت حماسی پیشمرگان حزب دمکرات کردستان، پیشمرگه‌های مجاهد خلق، نیروهای مقاومت مردمی و روستائیان دلیر منطقه در مقابل تهاجم وحشیانه‌ی مزدوران دشمن، بر نیروهای مهاجم ضدخلق وارد آمد و طی آن ۲۷ خودرو منهدم و بیش از ۵۰۰ تن از مزدوران ضدخلقی به‌هلاکت رسیدند، طی دو هفته پیشمرگه‌های مجاهد خلق

در منطقه‌ی بانه و سردشت تلفات دیگری را نیز بر مزدوران دشمن وارد کرده‌اند که به قرار زیر است:

- ۱- در تاریخ ۱۸ و ۱۹ خردادماه در مسیر پایگاه‌های "مارغانی" و "غوزه" در منطقه‌ی سردشت دو خودرو دشمن به علت برخورد با مین‌های ضد خودروی پیشمرگه‌های مجاهد خلق منهدم و بیش از ۶ تن از مزدوران به‌هلاکت رسیدند.
- ۲- در تاریخ ۲۵ خردادماه ۲ خودروی دشمن به علت برخورد با مین‌های ضدخودرو در مسیر بین‌پایگاه‌های "گاگر" و "گرده‌رش" در منطقه‌ی بانه منهدم و بیش از ۱۳ تن از مزدوران دشمن به‌هلاکت رسیدند.
- ۳- در تاریخ ۲۷ خردادماه پایگاه "جمال کوسه" در منطقه‌ی

سردشت مورد تهاجم انقلابی یک واحد از پیشمرگه‌های دجاغد خلق قرار گرفت. ساختمان بزرگ فرماندهی و بیسیم و همچنین سنگر تیربار کالیبر ۵۰ دشمن با آتش موشک‌های R.P.G. و مسلسل‌های پیشمرگه‌های مجاهد خلق منهدم گردید. از میزان تلفات این پایگاه هنوز اطلاعی دقیق در دست نیست.

۴- در تاریخ ۲ تیرماه جاری در اثر انفجار یک مین ضدخودرو در جاده‌ی "بیوران" - سردشت، یک دستگاه بولدوزر دشمن منهدم و ۴ تن از مزدوران ضدخلقی به‌هلاکت رسیدند.

مرگ‌برخیمینی  
نابودباد پاسداران ضدخلق  
سلام بر خلق - سلام بر آزادی  
برقرار باد دولت موقت  
جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران

مجاهدین خلق ایران  
مرکز کردستان  
۶۲/۴/۴

## عملیات مین‌گذاری پیشمرگه‌های مجاهد خلق

## در جاده سردشت - مه‌باد و انهدام ۲ خودرو و یک دستگاه تریلی

## حامل مهمات دشمن و به‌هلاکت رسیدن ۱۳ پاسدار

بنام خدا  
و  
بنام خلق قهرمان ایران

مردم آگاه  
هم‌میهنان مقاوم کرد  
در تاریخ ۲ تیرماه جاری با انفجار ۳ مین واحدهای ویژه‌ی پیشمرگه‌های مجاهد خلق در جاده‌ی مه‌باد - سردشت یک دستگاه تریلی ۱۸ چرخ حامل مهمات پاسداران، یک دستگاه جیب فرماندهی و یک "زیل" مزدوران بگلی منهدم و حداقل ۱۳ پاسدار و مزدور ضد خلقی به‌هلاکت می‌رسند. مشروح عملیات شرح زیر است:

- ۱- در فاصله‌ی بین "سارنگه" - زمزیران" در جاده‌ی سردشت - مه‌باد در اثر انفجار مین، یک دستگاه تریلی حامل مهمات پاسداران بگلی منهدم و ۷ پاسدار ضد خلقی به‌هلاکت

می‌رسند. شدت انفجار بحدی بوده که تریلی ۱۸ چرخ "ماز" پاسداران به دو نیم می‌شود.

- ۲- در مسیر پایگاه مزدوران در "سارنگه" در جاده‌ی مه‌باد - سردشت یک دستگاه جیب فرماندهی مزدوران در اثر برخورد با مین منفجر و ۳ سرنشین آن به‌هلاکت می‌رسند. علاوه بر این در اثر برخورد یک دستگاه "زیل" مزدوران با مین در همین مسیر، خودروی مزبور بگلی منهدم و ۳ سرنشین مزدور آن به‌هلاکت می‌رسند.

مرگ‌برخیمینی  
نابودباد پاسداران جنایت‌وخیانت  
زنده‌باد خلق - زننده‌باد آزادی  
برقرار باد دولت موقت جمهوری  
دمکراتیک اسلامی ایران  
سازمان مجاهدین خلق ایران  
مرکز کردستان  
۶۲/۴/۷

## عملیات مشترک

## پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران

## و پیشمرگه‌های مجاهد خلق در منطقه سردشت

بنام خدا  
و  
بنام خلق قهرمان ایران

هم‌میهنان آگاه  
مردم دلیر کردستان

۱- در ساعت ۳ بعد از ظهر ۵ تیرماه، پیشمرگان حزب دمکرات کردستان و پیشمرگه‌های مجاهد خلق طی کمین مشترکی که در فاصله‌ی پایگاه‌های "حمران" و "ماولو" در جاده‌ی بانه - سردشت می‌گذارند، یک دستگاه "زیل" و یک دستگاه تویوتای پاسداران ضدخلقی را مورد تهاجم قرار می‌دهند، مزدوران زبون دشمن به محض برخورد با آتش بی‌امان پیشمرگان، زبونانه اقدام به فرار می‌کنند و پیشمرگان موفق می‌شوند با به آتش کشیدن تویوتای پاسداران ضدخلقی مانع فرار آنان شوند. در این تهاجم انقلابی یکی از مزدوران گشته و تعدادی از پاسداران و مزدوران ضدخلقی زخمی می‌شوند. پیشمرگان پس از این درگیری تا ساعت ۸ ضمن استقرار در جاده به کنترل

عبور و مرور در آن می‌پردازند.  
۲- در تاریخ ۵ تیرماه در اثر برخورد یک دستگاه تویوتای پاسداران ضدخلقی با مین کاشته شده توسط پیشمرگه‌های مجاهد و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان در مسیر پایگاه "جمال کوسه" تویوتای پاسداران بگلی منهدم و سه پاسدار ضدخلقی به‌هلاکت می‌رسند.

۳- در ساعت ۱۰ صبح روز ۵ تیرماه در اثر انفجار یک مین که توسط پیشمرگان حزب دمکرات و پیشمرگه‌های مجاهد خلق در جاده‌ی مه‌باد - سردشت کار گذاشته شده بود یک دستگاه لودر دشمن بگلی منهدم و سرنشینان آن به‌هلاکت می‌رسند.

مرگ‌برخیمینی  
نابودباد پاسداران ظلمت‌وتباهی  
سلام بر خلق - سلام بر آزادی  
برقرار باد دولت موقت  
جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران  
سازمان مجاهدین خلق ایران  
مرکز کردستان  
۶۲/۴/۱۰

## روستائیان قهریزجان (نجف‌آباد) در اعتراض به

## غصب چاه آب توسط "بنیاد مستضعفان"!

بقیه از صفحه قبل

در چنین شرایطی رژیم خمینی نه تنها از انجام هرگونه اقدامی برای برطرف نمودن مشکل بی‌آبی در این منطقه خودداری می‌کند، بلکه به دستور دادستانی ضدانقلاب نجف‌آباد، بهره‌برداری از چاه‌های موجود که از ۵ سال و بعضاً ۱۰ سال قبل حفر شده‌اند (به استثنای تعداد معدودی چاه که در اختیار عوامل وابسته به خودش می‌باشد) نیز ممنوع شده است مضافاً بر اینکه حفر هر نوع چاه جدید نیز ممنوع اعلام شده است. این ممنوعیت در منطقه‌ی محمدیه و مبارکه و تعداد دیگری از آبادی‌ها و

شهرک‌های منطقه‌ی نجف‌آباد بیشتر است. از طرف دیگر با توجه به این مسئله که توزیع موتور پمپ و لوازم یدکی آن اساساً در اختیار باصلاح جهاد سازندگی رژیم قرار دارد و ارگان فوق نیز پمپ و وسائل حفر چاه را تنها به کسانی که قبلاً از این مرکز، پروانه حفر چاه گرفته باشند می‌فروشد، در نتیجه جز به تعداد معدودی عناصر وابسته به رژیم، پروانه‌ی حفر و به تبع آن وسائل حفر چاه، به کس دیگری داده نمی‌شود. این مساله بطور مضاعف باعث می‌شود که دست روستائیان از هرگونه اقدام جهت حفر چاه کوتاه باشد چرا که آنها قادر به خریدن پمپ و سایر وسائل حفر چاه در بازار آزاد و بازار سیاه نیستند.\*

افشاء بسیج ضد خلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه اشکال

مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.



بازتاب نامه برادر مجاهد مسعود رجوی  
به رئیس کنفرانس سازمان بین المللی کار

## گزارشی از شصت و نهمین اجلاس کنفرانس بین المللی کار

\* رژیم خمینی بخاطر نقض حقوق کارگران  
و مشخصا بخاطر اعمال تبعیض در مورد هواداران مجاهدین  
و شورای ملی مقاومت مورد سوال واقع گردید

شصت و نهمین اجلاس  
کنفرانس بین المللی کار که از  
روز اول ژوئن سال جاری آغاز  
شده بود در روز ۲۲ ژوئن به  
کار خود پایان داد. همانطور  
که در "مجاهد" ۱۵۶ ذکر شده  
بود، بیش از ۳۰۰۰ تن از  
نمایندگان ۱۰۶ کشور جهان در  
این کنفرانس شرکت داشتند.  
این افراد عبارت بودند از:  
وزرای کار یا صنایع و معادن  
کشورها، بالغ بر ۷۰۰ سندیکای  
بزرگ کارگری از کشورهای غربی  
و شرقی، متخصصین امور کار،  
۲۹ هیئت نمایندگی از سازمان  
ملل متحد و سازمان های ویژه و  
سایر سازمان های بین المللی  
رسمی، ۸۳ هیئت نمایندگی از  
سازمان های غیردولتی و نیز  
هیئت های نمایندگی از بعضی  
سازمان های آزادیبخش و از جمله

هم میهنان!  
در مبارزه برای سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی، استمرار و  
گسترش مقاومت خونین خواهران، برادران و فرزندان مجاهد  
شما نیازمند حمایت های مالی است. حتی از کمک های اندک در مسیر  
تقویت مقاومت فروگذار نکنید و به تاثیرات آن کم بها ندهید.  
کمک های مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می توانید  
به سازمان مجاهدین خلق ایران، هسته های مقاومت و میلیشیای  
مجاهد خلق برسانید.

برای آبنه شدن "مجاهد" در خارج از کشور فرم زیر را در کاغذ آگانه ای  
پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:  
A.E.M B.P49  
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE

Nom: \_\_\_\_\_  
Prénom: \_\_\_\_\_  
Adresse: \_\_\_\_\_

بهای اشتراک:

- سه ماهه معادل ۱۶۰ فرانک
- شش ماهه ۳۱۰ فرانک
- یکساله ۶۰۰ فرانک

روستائیان قهریزجان  
(نجف آباد) در اعتراض  
به غصب چاه آب  
توسط  
"بنیاد مستضعفان"  
با پاسداران خمینی  
درگیر شدند

\* اهالی روستای قهریزجان ۳  
تن از پاسداران سرکوبگر رژیم  
را تا آزاد شدن روستائیان  
دستگیر شده و برآورده شدن  
خواسته هایشان به گروگان  
گرفتند.  
در صفحه ۳۰

## طی دو عملیات انقلابی

معاون دادستانی ضد انقلاب اراک  
ویکی از مزدوران کمیته مرکزی این شهر  
مورد تهاجم رزمندگان هسته های مقاومت  
قرار گرفتند

جنایتکار بشدت مجروح می گردد.  
رزمندگان مجاهد خلق، پس از  
انجام این عملیات، سالم به  
پایگاه خویش بازگشتند.  
لازم به یادآوری است که  
شریفی مزدور، یکی از عناصر  
خائن و سرسپرده خمینی جلاد  
است که تاکنون سوابق ننگینی  
در قتل و کشتار فرزندان انقلابی  
و مجاهد خلق داشته است.  
از جمله باید به نقش فعال و  
بقیه در صفحه ۲۵

گزارش اول  
در ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه صبح  
روز ۱ اردیبهشت ۶۲ رزمندگان  
مسلح هسته های مقاومت مجاهد  
شهید اعظم شادبختی، طبق  
شناسائی های قبلی و براساس  
طرح عملیاتی تعیین شده،  
"شریفی" مزدور، معاون  
دادستانی ضد انقلاب اراک را با  
شلیک دو گلوله مورد تهاجم  
انقلابی قرار می دهند که در  
اثر این تهاجم، این مزدور

## جزئیات قرارداد های اسلحه نفت و تریاک طباطبائی

در صفحه ۲۲

## اطلاعیه های نظامی

سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

در صفحه ۳۱

## حماسه های مجاهد خلق لحظه های انقلاب

## شقاوت

## دژخیمان

در صفحه ۲۶

نامه های خود را برای "مجاهد"  
و هم چنین رادیو "صدای مجاهد"  
به آدرس های زیر ارسال دارید:  
انگلستان

BM BOX 9090  
LONDON  
WCIN 3XX  
ENGLAND

اتریش

Pf:6  
1110 WIEN  
AUSTRIA

آلمان

Pf.: 800552  
5\_Köln 80  
W\_Germany

فرانسه

B.P 214  
92108 BOULOGNE  
BILLANCOURT  
CEDEX  
PARIS FRANCE

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد  
مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران  
با آدرس زیر مکاتبه کنید:

B.P.18 95430  
AUVERS-SUR-OISE  
FRANCE

فرانسه

کمک های مالی خود را به یکی از حساب های زیر واریز نموده  
و حواله ای آنرا به یکی از آدرس های مقابل ارسال دارید:

انگلستان  
Midland Bank plc  
281 Chiswick High Road  
London W4 4HJ  
England  
A-Khodabandeh  
N. 91082078

از خارج فرانسه  
BANK SOCIETE GENERAL  
N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA  
(PARIS FRANCE) code guichet 03002  
در داخل فرانسه  
B.N.P. PONTOISE 1269652

دستور محوری روز: گسترش هسته های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام رهائی بخش عمومی